

کتاب مقدس ترسیان

(ترجمه خاص)

تورات

لاویان

# کتاب لاویان

## پیشگفتار

جسمی (۱۱-۱۶) یا بی وفایی اخلاقی (۱۷-۲۶) نباید مانعی بر سر راه این شراکت حیاتی قرار دهد<sup>۳</sup>. از این رو همه چیز با دقت فراوان تشریح شده است.

با اینحال، کتاب لاویان تنها برخی از جنبه‌های مذهب اسرائیلیان را به دست می‌دهد. دعاها و سرودهایی را که به همراه این آیین‌ها می‌آمده، احتمالاً در مزامیر باید جستجو کرد. انبیا (برای امثال ار ۷:۳-۱۱؛ هو ۶:۶) و حکیمان (بنسی ۱۸:۳۴ تا ۱۰:۳۵) نیز به نوبه خود به اسرائیلیان یادآوری می‌کنند که اجرای آیین‌ها به تنهایی برای کسب نجات کافی نیست. اما آنچه که کتاب لاویان می‌کوشد در وجدان مؤمنین حک کند - که به این کار با اصراری خستگی‌ناپذیر همت می‌گمارد - این است که مشارکت با خدای زنده، حقیقت‌غایی بشریت است.

کتاب خروج با موضوع برپایی خیمه ملاقات به پایان می‌رسد (۳۳-۱۶:۴۰) و خداوند بلافاصله به آن مشروعیت می‌بخشد، چرا که در ابر در آن مسکن می‌گیرد (۳۸-۳۴:۴۰).

کلمات نخست کتاب لاویان<sup>۱</sup> به شیوه خاص خود، همین مشروعیت بخشیدن را بسط می‌دهد، به این ترتیب که در کتاب خروج، خداوند با موسی بیشتر از قله کوه سینا سخن می‌گفت، حال آنکه در اینجا «از خیمه ملاقات» به این امر مبادرت می‌ورزد (۱:۱)<sup>۲</sup>. در طول ۲۷ فصل، خدا «احکام و قواعد» خود را به قوم انتقال می‌دهد، زیرا که «انسان باید (آن را) به عمل آورد تا به آن زیست کند» (۵:۱۸). در مجموع، خدا کاربرد درست این «خیمه» را برای انسان تشریح می‌کند تا آن به راستی مکان «ملاقات» باشد: اشتباهی آیینی (۱-۱۰)، ناپاکی

۱- این عنوان دلالت دارد بر کتاب «کاهنان» یعنی اعضای قبیله کهنانی لاوی. عنوان عبری کتاب فقط تشکیل یافته از نخستین کلمه متن، یعنی «وُ یִقְרֶה» به معنی «فرا خواند» کتاب در کلیتش بخشی از «سنت کهناتی» است (ر.ک. «مقدمه کلی بر تورات موسی»).

۲- با اینحال، در چند بخش از کتاب (ر.ک. ۱:۲۵؛ ۴۶:۲۶؛ ۲۷:۳۴)، خدا کماکان از قله کوه سینا سخن می‌گوید.

۳- طبق کتاب لاویان، آیین‌ها و نظام کهنانت عامل اصلی وساطت و میانجی‌گری میان خدا و انسان است؛ سایر جریانات فکری در عهد عتیق، این وساطت را در شخص پادشاه یا نبی جستجو کرده‌اند.

## تاریخ، منشأ و محتوای کتاب

است در خصوص تقدیس کاهنان. به روشنی ذکر شده که ایشان عهده دار وظیفه «وساطت» هستند، وظیفه ای که «تقدس» خاصی را ایجاد می‌کرد، چرا که می‌بایست واسطی باشند میان قوم و خدای قدوس.

بخش سوم (۱۱-۱۶) به ذکر دسته‌های مختلف ناپاکی‌هایی می‌پردازد که مانع ارتباط انسان با خدا می‌گردد، یعنی مانع می‌شوند که به پرستشگاه نزدیک شود؛ این ناپاکی‌ها عبارتند از مصرف خوراک‌های ناپاک، ناپاکی زنان پس از زایمان، جذام، ناپاکی جنسی مرد یا زن. فصل ۱۶ به نوعی قلب کتاب را تشکیل می‌دهد، چرا که در آن، آیین نیایش بزرگ «یوم‌هاک - کیپوریم» یعنی روز کفاره‌ها تشریح شده است.

بخش چهارم شامل فصل‌های ۱۷ تا ۲۶ است که معمولاً آن را «حکم تقدس» یا گاه نیز «قانون تقدس» می‌خوانند. این مجموعه با برکات و لعنت‌ها در فصل ۲۶ به پایان می‌رسد. سبک ادبی ای که در آن به کار رفته، مشابه تث ۲۸ می‌باشد، و این بندگردان به آن وزن می‌بخشد: «مقدس خواهید بود، زیرا من قدوس هستم، من، یهوه، خدای شما» (۲:۱۹؛ ر.ک. ۲۰:۲۶؛ ۸:۲۱). قومی که خداوند برگزیده تا قوم او باشند، باید پیوسته خود را تقدیس کنند تا مقدس باشند (۷:۲۰). به این ترتیب، تقدیس قوم از ورای دستورها و هشدارهای مکرر، در قلب قانون تقدس قرار می‌گیرد، یعنی دستورهای مربوط به رعایت حرمت خون به هنگام ذبح حیوانات و انجام قربانی‌ها (۱۷)، اجتناب از روابط

متن در حالت کنونی و قانونی آن، اثر دست نگارندگان پس از تبعید می‌باشد، گرچه عناصری از منشأهای گوناگون را در مجموعه ای نسبتاً یکپارچه گرد می‌آورد که برخی از آنها ممکن است متعلق به دوره پیش از تبعید باشد. در دوره ای که نهاد سلطنت در یهودا وجود نداشت و نهضت انبیا نیز در حال افول بود، طبعاً قدرت سیاسی کاهنان رو به افزایش گذارد. به همین جهت، کاهنان اورشلیم به منظور تأمین نیازهای معبد دوم، مجموعه‌های مختلفی از احکام و آیین‌ها را گردآوری و تکمیل کردند.

در نخستین بخش از کتاب (۱-۷)، دسته‌های مختلف قربانی‌هایی معرفی شده که مردم اسرائیل می‌توانستند یا می‌بایست در برخی شرایط به خدا تقدیم دارند. آنچه بیش از هر چیز جلب نظر می‌کند، دسته بندی مقررات آیینی است بر اساس چشم‌اندازی کهناتی که هم به تعهدات تقدیم کننده قربانی اشاره دارد، و هم به تعهدات کاهن. هیچ مطلبی درباره منشأ و مفهوم قربانی‌ها و آیین‌ها ذکر نشده است. به واسطه اشارات یا مقایسات، فقط می‌توان مشاهده کرد که قوم اسرائیل اصل قربانی را از مذاهب مشرق زمین باستان به عاریت گرفته و توانسته این قالب آیینی را با محتوایی جدید، متناسب با جهان بینی خود و شناختش از خدا پر سازد.

بخش دوم (۸-۱۰) به تشریح آیین‌هایی می‌پردازد که به مناسبت انتصاب هارون و پسرانش به کهنات به اجرا در می‌آید. این سه فصل، ادامه مطالب فصل ۲۹ کتاب خروج

(۲۱)، قربانی‌ها (۲۲)، حرمت داشتن سبت و اعیاد (۲۳)، پرستشگاه و نگهداری از آن (۲۴)، و سال سبت و سال یوبیل (۲۵) اشاره کرد.

فصل ۲۷ که ضمیمه‌ای است بر کل کتاب، به مسائل مربوط به نرخ‌گذاری بر نذرها و به امر بازخریدها می‌پردازد.

جنسی خارج از پیوند زناشویی، قربانی کردن کودکان، و جماع با حیوانات (۱۸)، حرمت به خدا، به والدین، و به همسایه‌ای که باید همچون خویش‌نژاد دوست داشت (۱۹)، مجازات مرگ برای مواردی که به گونه‌ای خاص سنگین است (۲۰) همچنین باید به برخی ترتیبات و تمهیدات مربوط به کاهنان

## لغت نامه کوچک کتاب لاویان

تقدیم می‌شود؛ قربانی همچون وسیله‌ای برای برقراری «مشارکت» با الوهیت؛ قربانی با هدف انجام «کفاره» گناهان و دریافت آمرزش الوهیت. قربانی‌های اسرائیلیان را می‌توان به شکلی نسبتاً ساده به این سه دسته تقسیم کرد:

- «هدیه»: قربانی سوختنی، هدایای نباتی، نوبرها؛

- «مشارکت»: قربانی آرامش،

- «کفاره»: قربانی گناه، قربانی جبران.

با گذشت قرون و زیر فشار اوضاع و شرایط، تحولاتی رخ داد: قوم اسرائیل از طریق اندیشیدن بر ویرانی اورشلیم و بر مسئله تبعید، نسبت به نیروی گناه و ضرورت آمرزش به گونه‌ای جدی هشپاری یافت. به همین جهت، کتاب لاویان تأکید را بر نقش مصالحه‌دهنده قربانی‌ها می‌گذارد؛ به این منظور برای موضوع «آمرزش از طریق خون» اهمیت فراوانی قائل می‌شود و هدایای آردی را چیزی جز مکمل قربانی‌های خونی به حساب نمی‌آورد.

**الف)** «مقبول واقع شدن» این فعل (که در کتاب لاویان همیشه در وجه مجهول است)، و

خواندن کتاب لاویان ساده نیست. سبک قضایی آن اغلب یکنواخت و تکراری است. در آن به تعدادی اصطلاحات فنی بر می‌خوریم که آگاهی از مفاهیم آنها مهم است. همچنین باید به برخی از خصوصیات طرز تفکر عبرانی و برخی از نهادهای قوم اسرائیل توجه داشت. برای مثال، نباید کاهنان اسرائیلی را در قالب کشیشان کلیساهای امروزی تجسم کرد: این کلمات بر واقعیتی مشابه و یکسان دلالت ندارند. هدف از لغت نامه کوچکی که ذیلاً ارائه می‌گردد، کمک به مطالعه هوشمندانه این کتاب است. موضوعاتی که مورد بررسی قرار می‌گیرد، به ترتیب چهار بخش کتاب ارائه شده است، یعنی قربانی، کهان، پاک و ناپاک، تقدس.

### قربانی‌ها

در تمامی مذاهب، قربانی همچون وسیله‌ای برای ورود به ارتباطی نزدیک‌تر با الوهیت تلقی شده است. با مطالعه تاریخ مذاهب، به سه نگرش اساسی در این زمینه بر می‌خوریم: قربانی همچون «هدیه‌ای» که به الوهیت

اصل دلالت داشته بر مجموع قربانی‌ها از دسته «هدایا» و «شراکت» (پید ۴:۳-۵؛ ۱- سمو ۱۷:۲) بعداً، صرفاً در معنای هدیه‌ای غیرخونی به کار رفته و ترجیحاً با واژه «هدیه» جایگزین شده است (ر.ک. نکته «ی»).

و «قربانی آرامش» این را گاه «قربانی مشارکت» یا «قربانی عهد» نیز می‌نامند. قسمت‌های پیه‌دار حیوان قربانی برای خدا بر قربانگاه سوزانده می‌شود، و بخشی از گوشت آن به کاهنان اختصاص می‌یابد، و بقیه آن را هدیه‌دهنده و خانواده‌اش و دوستان او می‌خورند. کتاب لاویان به سه شکل خاص آن اشاره می‌کند<sup>۴</sup> که بیشتر با حالات درونی هدیه‌دهنده مرتبط می‌باشند تا با خود آیین‌ها: «قربانی ستایش» (۷:۱۲-۱۵)، «قربانی نذری» (۷:۱۶)، و «قربانی داوطلبانه» (۷:۱۶) قربانی آرامش مانند قربانی سوختنی، دارای معادلی در اوگاریت و نزد یونانیان می‌باشد، اما نه نزد سایر سامیان.

ز «بخور معطر»: در داخل خیمه ملاقات و در مکان مقدس معبد، «قربانگاه بخور معطر» وجود داشت (۴:۷) که بر آن عطری را می‌سوزانند که به شیوه‌ای خاص برای این منظور ترکیب می‌شد (ر.ک توضیح خروج ۳۰:۳۴).

از همین ریشه، فعل «دود دادن» مشتق می‌شود که در لاویان مکرر به کار رفته و آن را «سوزاندن» ترجمه می‌کنند (۱:۹ و غیره) و بر سوزاندن هر نوع قربانی بر قربانگاه سوختنی دلالت دارد. کاربرد این فعل نشان می‌دهد که مردم چه تصویری داشتند در این خصوص که خدا چگونه از «هدیه‌ای» که به

اسم موصوف آن (که آن نیز همواره در معنایی مجهول به کار رفته) دلالت دارند بر پذیرش خیرخواهانه‌ای که خدا به هدیه‌دهنده صادق ارزانی می‌دارد که این عمل را از طریق پذیرفتن و تأیید هدیه او انجام می‌دهد، هدیه‌ای که منطبق بر قواعد آیینی باشد.

ب «قربانی سوختنی»: در این نوع قربانی، حیوان به طور کامل بر قربانگاه سوزانده می‌شود (جز پوست آن، ر.ک ۷:۸) این قربانی به بهترین وجه مفهوم «هدیه» را می‌رساند، چرا که هدیه‌دهنده چیزی از آن دریافت نمی‌دارد. معادل آن را نزد یونانیان و در اوگاریت مشاهده می‌کنیم، اما نه نزد سایر سامیان.

ج «یادمان»: این اصطلاحی است فنی که دلالت دارد بر بخشی از «هدیه نباتی» (همراه با بخور یا بدون آن) که بر قربانگاه سوزانده می‌شود. در خصوص مفهوم این نام، ر.ک. توضیح ۲:۲.

د «خوراک سوختنی» این اصطلاحی است کلی که شامل هر چیزی می‌شود که بر روی قربانگاه برای خدا سوزانده می‌شود، و در معنایی گسترده‌تر شامل تمامیت حیوانی است که در این نوع قربانی‌ها به کار می‌رود. اما به نظر می‌رسد که این اصطلاح هیچگاه به روشنی در خصوص بخش‌های سوختنی «قربانی گناه» به کار نرفته باشد. ریشه کلمه عبری آن ناشناخته است، اما از نظر آوایی، تداعی‌کننده کلمه عبری برای «آتش» است؛ به همین دلیل آن را «خوراک‌های سوختنی» ترجمه می‌کنند.

ه «هدیه نباتی» واژه عبری «مین‌ها» در

۴. این رقم احتمالاً کامل نیست.

نباتی»). در کتاب‌های لاویان و اعداد، کلمهٔ عبری «قربان» دلالت دارد بر هر هدیه‌ای که به خدا تقدیم می‌شود (۲:۱)، چه قربانی خونی باشد و چه نباشد. این اصطلاح در معنای لغوی آن، اشاره دارد به آنچه به خدا یا به قربانگاه «نزدیک می‌آورند» اما می‌تواند بر هر هدیه‌ای که به خدا تقدیم می‌شود نیز دلالت داشته باشد (اعداد ۷) حتی آنچه به خدا تخصیص می‌یابد (مر ۷:۱۱).

ک) «قربانی جبران»: این قربانی که به ندرت خارج از کتاب لاویان مورد اشاره قرار گرفته، زمانی ضروری می‌گردد که شخص از سر غفلت، آنچه را که از آن خدا است، از آن خود سازد؛ هدف آن جبران خطای به عمل آمده است و همراه است با استرداد یا بازپرداخت، با اضافهٔ یک پنجم. آیینی که با خون حیوان انجام می‌شود، با آیین «قربانی گناه» تفاوت دارد (ر.ک. ۲:۷) به نظر می‌رسد که این دو قربانی فقط در میان اسرائیلیان متداول بوده زیرا نزد هیچ یک از همجواران یا معاصران ایشان، گواهی محکم دال بر وجود این نوع قربانی به دست نیامده است.

ل) «مقدس»: کلمهٔ عبری «قُدش» بر چیزهای متعددی دلالت دارد یا آنها را توصیف می‌کند: اشخاص، مکان‌ها، زمان‌ها، اشیاء یا هدایا (ر.ک. بخش «تقدس» که در ذیل آمده است).

م) «بسیار مقدس» (یا «چیز بسیار مقدس»): گرچه اصطلاح عبری «قُدش» (یعنی مقدس مقدس‌ها یا قدس الاقداس) اغلب به مکان اشاره دارد و به طور خاص بر اتاق مقدس معبد که درونی‌ترین

او اهداء می‌شد، به شکل «دود معطر» بهره‌مند می‌گردید.

ح) «عطر آرام بخش» این اصطلاح اغلب به گونه‌ای تنگاتنگ موازی است با اصطلاح «خوراک‌های سوختنی» (ر.ک. نکته «د») و با تقریب یک اصطلاح (۳۱:۴) که قربانی گناه را توصیف می‌کند، به قربانی‌ای مربوط می‌شود که می‌توان آن را همچون «خوراک سوختنی» تلقی کرد. این اصطلاح شاید معادل عبری اصطلاحی آگدی بوده که در روایت بابلی طوفان نوح، به هنگام قربانی تقدیمی از سوی شخص رهایی‌یافته (ر.ک. پید ۲۱:۸)، به کار رفته است. آن بیانگر اشتیاق هدیه دهنده است برای حفظ رابطه‌ای صلح آمیز و آرام با خدایی خیرخواه.

ط) «قربانی گناه»: این قربانی قادر به کسب آموزش گناهی عمدی نیست، بلکه هدفش برقراری مجدد رابطه با خداست، رابطه‌ای که در اثر گناهان غیرعمد (ر.ک. توضیح ۲:۴)، یا به واسطه ناپاکی (ر.ک. ۱۹:۱۴) مخدوش شده است.

حیوان قربانی برحسب خصوصیات هدیه دهنده (کاهن، رئیس، یا فردی عادی از قوم) یا امکانات وی تفاوت می‌کند. خون مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند، چرا که آن است که کفاره و آموزش هدیه دهنده را تأمین می‌نماید؛ پیه‌ها مانند «قربانی آرامش» بر قربانگاه سوزانده می‌شود؛ گوش آن را کاهنان می‌خورند، جز در موردی که هدیه دهنده کاهن یا تمام قوم باشد، زیرا نمی‌توان در آن واحد، هم «قربانی گناه» تقدیم کرد و هم از آن بهره برد.

ی) «هدیه»: (ر.ک. نکته «ه»: هدایای

بخش پرستشگاه است (به عبری «دبیر» ر.ک. ۱- یاد ۱۶:۶) دلالت دارد، اما نویسنده کتاب لاویان از آن فقط برای اشاره به چیزی تخصیص یافته به خدا استفاده می کند، که در نتیجه، نمی توان از آن استفاده ای غیرمذهبی کرد. در نظر او، «چیزهای مقدس» اساساً آن بخش هایی از قربانی های «کفارهای» و هدایای نباتی هستند که منحصرأ مخصوص کاهنان است، و اینها «چیزها» یا «هدایای بسیار مقدس» هستند.

## کهنات

تصویری که کتاب لاویان از کهنات به دست می دهد، نتیجه تحولی است که در طول قرون متمادی صورت گرفته است. در طول این مدت، کهنات تحت تأثیرات متعدد قرار گرفته، چه در زمینه مذهبی و اخلاقی و چه اجتماعی- سیاسی.

در دوره های بسیار کهن، وظایف کهناتی، یعنی برقراری وساطت میان انسان و خدا از طریق انجام آیین ها و نیز ارائه اراده خدا، ظاهراً تنها به دست طبقه ای از متخصصان انجام نمی شده است. به همین جهت، مشاهده می کنیم که رؤسای خانواده ها خودشان اقدام به ذبح حیوان برای قربانی عید گذر می کردند (خروج ۱۲:۳-۷).

با این حال، خانواده های کهناتی در پیرامون مکان های عبادت استقرار می یابند (برای مثال، شیلوه در ۱- سمو ۱-۳؛ دان در داور ۱۸:۱۹ تا ۲۰:۲۷-۳۱) و خدمت پرستشگاه را انجام می دهند و سنت ها و آیین ها را حفظ می کنند. در اورشلیم، داود خانواده ای از کاهنان را یافت، یعنی خانواده صادوق را که

احتمالاً پیوند هایی با ملک یسودق، آن کاهن و پادشاه، داشتند (پید ۱۷:۱۴-۲۰). اهمیتی که اورشلیم یافت، سبب جذب بسیاری از کاهنان از سایر مکان های عبادت گردید، طوری که وقتی یوشیای پادشاه بر آن شد که کل مذهب اسرائیلیان را در اورشلیم متمرکز سازد، ایشان مجبور شدند خود را در آنجا گروه بندی کنند. اما شراکت چنین انبوهی از نفرات، باعث بروز اختلافاتی میان افراد مستقر در محل و تازه واردان گردید (۲- یاد ۲۳:۸-۹).

از همان زمان سلیمان نیز شاهد مبارزه قدرت میان دو خانواده کهناتی می باشیم، یعنی خانواده ابیاتار و خانواده صادوق که اصل و نسب آنان به روشنی مشخص نیست. گویا اعضای خاندان صادوق در نهایت موفق شدند رقیبان خود را تقریباً از میدان خدمات کهناتی در اورشلیم بیرون کند (۱- یاد ۲۶:۲-۲۷). واقعه تبعید به این منازعات خاتمه بخشید، چرا که هر دو گروه را به لحاظ نسب نامه به هارون پیوند دادند: هارون را نیز تبدیل کردند به عضوی از قبیله لاوی و نخستین کاهن اعظم و آغازگر هر گونه خدمت کهناتی (۱- توا ۲۴:۱-۶).

پس از بازگشت از تبعید (۵۳۸ ق.م) از آنجا که نظام سلطنت احیا نشد، سرنوشت قوم را کاهنان به دست گرفتند. کسی که سرانجام او را «کاهن اعظم» خواهند خواند، به تدریج نقشی معادل پادشاه را اشغال کرد: او نشانه های شاهی را حمل می کند (۹:۸)، و مانند پادشاهان پیش از تبعید، مسح می شود (۸:۱۲). از زمان آریستوبولوس (۱۰۴-۱۰۳ ق.م) آنچه که به روشنی بیان نمی شد، حالتی

از آن طاهر ساخت. جرم زمانی رخ می‌دهد که وقتی شخص ناپاک است، طوری عمل کند که گویی پاک است (۳۱:۱۵) حزقیال حتی از واژه «ناپاکی» استفاده می‌کند تا گناهان اورشلیم را توصیف کند، از جمله گناهایی که صرفاً علیه اخلاقیات انجام می‌شود (ر.ک. حزق ۷:۲۲). گناه در واقع آن ناپاکی بزرگ است که رابطه میان انسان و خدا را مخدوش می‌سازد.

ذکر منہیات در لاو ۱۱-۱۵ به شکل قانون‌مند، نشانه آن است که مردم آنها را به طور خودجوش به عمل نمی‌آوردند؛ لذا کتاب لاویان آنها را مرتبط می‌سازد به خدای عهد (۴۴:۱۱-۴۵) صاحب حیات، که باید خود را برای او پاک نگاه داشت.

در عهد جدید شاهد چندین مباحثه بر سر ارزش این منہیات هستیم (مر ۱:۷-۲۳؛ اع ۱۰:۱-۱۲:۶:۲۰).

### تقدس

«تقدس» یکی از مقولات اصلی کتاب لاویان، و نیز تمام عهد عتیق می‌باشد. برای انسان، مقوله پاکی نه فقط از جنبه آیینی آن، بلکه از جنبه اخلاقی نیز لازمه حیاتی تقدس می‌باشد.

«تقدس» به گونه‌ای بنیادین، دلالت دارد بر تمام راز کاوش ناپذیر خدای متعال و فرا بود، خدای مطلقاً متفاوت، قیاس ناپذیر، لمس نشدنی، آن وجود کاملاً دیگرگون و دست نیافتنی برای انسان. گفتن این که خداوند مقدس است، چندان به این معنا نیست که به او خصوصیت اخلاقی خاصی نسبت دهیم، بلکه بیشتر به این معنا است که

واضح به خود گرفت: کاهن اعظم عنوان پادشاه را دریافت می‌کند.

آنچه حائز اهمیت می‌باشد، و در تمام طول این دوره تحول ناپذیر باقی ماند، همانا خصوصیت «واسط بودن» کاهن می‌باشد، کاهنی که به واسطه تقدیش وارد عرصه امور مقدس می‌گردد، و به این پشتوانه، می‌تواند نقش واسط صاحب اختیار را ایفا کند.

### پاک و ناپاک

مقوله «ناپاکی» بسیار به مقوله «تابو» (محرّمات) نزدیک است، طوری که تاریخ نگاران مذاهب آن را نزد اقوام بسیار گوناگون باز یافته‌اند. این مقوله مفروض می‌دارد که انسان مشتاق آن است که زندگی‌اش را قواعدی ثابت در احاطه داشته باشد، زندگی‌ای که از اضطراب ناشناخته‌ها در امان باشد. بر اساس چنین تصویری، هر آنچه که استثنایی، غیر طبیعی و غیر معمول باشد، هر آنچه که تغییر به حساب آید و گذر از یک وضعیت به وضعیتی دیگر باشد، همچون تهدیدی به شمار می‌رود، همچون تجلی نیرویی که قواعد شناخته شده را به بازی می‌گیرد، همچون نجاست واگیردار که باید با اجتناب از آنها یا آزاد شدن از آنها از طریق تطهیر، خود را در مقابل آنها محفوظ نگاه داشت.

«ناپاکی» به معنی ارتکاب جرم نیست. در واقع، تکالیف زندگی (نظیر زایمان و آماده سازی جسد برای تدفین و غیره) الزاماً انسان را دچار حالت ناپاکی می‌کند، حالتی که مانع برقراری رابطه انسان با خدای مقدس از طریق آیین‌های مذهبی می‌گردد و باید خود را



تنها انسان‌ها نیستند که مقدس نامیده می‌شوند: هر آنچه که بیانگر حضور خدا است، می‌تواند «مقدس» توصیف شود: - «اشخاص» (برای مثال، کاهنان، یعنی آنانی که به شکلی عمیق‌تر وارد قلمرو خدا می‌شوند و باید از رسوم مشروع مختلف، اما غیرمذهبی، اجتناب کنند: (۲۱-۲۲)؛ - «زمان‌ها» (برای مثال، سبت، روز خداوند، که در طول آن باید از مشغولیات غیرمذهبی بپرهیزند تا آن را برای ستایش خدا تخصیص دهند: خروج ۲۰:۸-۱۱)؛ - «مکان‌ها» (برای مثال، پرستشگاهی که در آن غیرمذهبیون و بیگانگان اجازه ورود ندارند: عبر ۷:۹-۸:۲۱؛ اع ۲۸:۲۱)؛ - «اشیاء» (برای مثال، روغن مسح مقدس که برای آیین‌های تقدیس استفاده می‌شد و کاربردشان برای امور غیرمذهبی ممنوع بود: خروج ۳۰:۲۳-۳۳).

در مجموع، مقوله تقدس شامل سه مفهوم بنیادین است: «جدا شدن» از هر آنچه که غیرمذهبی است: «تخصیص یافتن» برای

او به شکلی ریشه‌ای با هر آنچه که انسان می‌شناسد یا تصور می‌کند، نامتشابه است. اما نکته دیگری که باید به آن توجه داشت و یکی از عناصر تشکیل‌دهنده تقدس است، این است که این خدای فرابود به انسان اجازه می‌دهد تا به او نزدیک شود (۲۳)؛ این خدای غیرقابل درک خود را می‌شناساند و اراده خود را اعلام می‌دارد (۱۹)؛ او تقدس خود را می‌تاباند و مایل است که انسان را در آن سهیم سازد: «مقدس خواهید بود زیرا من قدوس هستم...» (۲:۱۹). خدا با انتخاب قوم اسرائیل، می‌خواهد که ایشان با دیگران متفاوت باشند؛ او ایشان را جدا می‌سازد، متمایز می‌نماید، از سایر قوم‌ها مجزا می‌کند تا بتوانند با خدای مقدس وارد رابطه گردند. این انتخاب التزاماتی اخلاقی را به همراه می‌آورد، التزاماتی که چیزی جز نتیجه‌ای از تقدس قوم برگزیده نیست، اما در ضمن، ایشان را بر آن می‌دارد تا پیوسته خود را «تقدیس کنند» تا در این مشارکت حیاتی باقی بمانند و بدینسان تقدس خدای خود را بر سایر ملت‌ها متجلی سازند.

## اهمیت کتاب لاویان برای روزگار ما

جدید نقل قول‌های فراوان از آن به عمل نیامده است. بخش‌هایی که بیشتر نقل قول شده‌اند، بیشتر از «قانون تقدس» می‌باشند. اما تأثیر و اهمیت کتاب را فقط به تعداد نقل قول‌هایی که از آن به عمل آمده، نمی‌سنجند. از همین رو، اهمیت کتاب لاویان، گرچه غیرمستقیم است، اما قابل چشم‌پوشی نیست. واقعیت این است که مذهب و آیین‌هایی که

ورود به مشارکت با خدا؛ «متعهد شدن» به خدمت خدا برای انجام اراده او. کتاب لاویان نتوانسته تأثیر چندانی محسوس بر سایر کتاب‌های عهد عتیق بگذارد، چرا که بسیار دیر در حیات قوم اسرائیل وارد صحنه شد. از سوی دیگر، این کتاب حاوی جنبه‌هایی بسیار فنی از حیات مذهبی می‌باشد (برای مثال، قربانی‌ها و انتصاب کاهنان)؛ به همین جهت در عهد

خدایی که به نام او انبیا و تمام آنانی که بر خلوص ایمان بنی اسرائیل نظارت داشتند، دست به مبارزه می زدند. اعیاد و آیین ها و حرکات با زمان و مکان دچار تحول می گردند، البته بر حسب آنچه که افراد می کوشند ابراز دارند و امکاناتی که برای انجام آن را اختیار دارند. اما اشتیاق به ابراز ایمان از طریق عیدی جماعتی و زبان حرکات بدن کماکان باقی می ماند. سرزنش های انبیا بر علیه مذهبی که بد اجرا می شود، رها شدن آیین های لاویان از سوی یهودیتی که از معبد خود محروم شده و نیز از سوی مسیحیانی که برای قربانی مسیح ارزشی منحصر به فرد و نهایی قائل اند، هیچ یک این واقعیت را باطل نمی سازد که کتاب لاویان در کتاب مقدس حضور دارد. حضور آن بیانگر نیاز انسان به ابراز ایمانش از طریق حرکات مذهبی است، و در عین حال، نویدبخش و آماده کننده ظهور کسی است که مشارکت و مصاحبت انسان ها با خدا را با گفته هایش به ارمغان می آورد و با زندگی اش به آن تحقق می بخشد.

در معبد اورشلیم و بر اساس قواعد ارائه شده در کتاب لاویان به اجرا درمی آمد، دورنمایی را برای عهد جدید پدید می آورد تا بتوان مرگ عیسی و مفهوم کامل آن را درک کرد. بدون کتاب لاویان، عناصر بسیاری را برای درک بعضی از بخش های رسالات پولس قدیس یا استدلال رساله به عبرانیان در خصوص مسیحی در مقام کاهن اعظم را در دست نمی داشتیم (ر.ک. عبر «مقدمه» نکته ۸).

مسیحیان در روزگار ما، شاید کتاب لاویان را کمتر از هر کتاب دیگری در عهد عتیق بخوانند. اولاً به این دلیل که درکش آسان نیست و نیز چون ظاهراً از رسومی سخن می گوید که با آمدن مسیح منسوخ شده اند. اما باید معنی این «نسخ» را درک کرد. قوم اسرائیل با به عاریت گرفتن حرکات مذهبی از همسایگانش یا با پدید آوردن حرکاتی جدید، کوشیده تا مذهبی را با ایمانی که اعتراف می کردند، منطبق سازد؛ مذهب و آیین هایش می بایست مصالحه و شراکت «قوم مقدس» را با «خدای مقدس» بیان کند و تحقق بخشد،

# کتاب لاویان

## ۱- آیین های مربوط به قربانی ها

۶-۲:۶

ذبح خواهد کرد<sup>d</sup>، و کاهنان بنی هارون خون را تقدیم خواهند کرد؛ ایشان از این خون<sup>e</sup> دور تا دور قربانگاه که در ورودی خیمه ملاقات است، خواهند پاشید. <sup>۶</sup> او پوست قربانی را خواهد کند و آن را به قطعات تکه تکه خواهند کرد، و نیز سر و دل و جگر و قلوه را، بر روی هیزمی که روی آتش قربانگاه می باشد. <sup>۹</sup> و او روده و ران ها<sup>f</sup> را در آب خواهد شست، و کاهن تمام آنها را بر قربانگاه خواهد سوزاند؛ این قربانی سوختنی به آتش است، عطر آرام بخش<sup>g</sup> برای یهوه. <sup>۱۰</sup> اگر هدیه او برای قربانی سوختنی، از احشام کوچک باشد، بره یا بز، حیوان نر و بی عیب تقدیم خواهد کرد. <sup>۱۱</sup> آن را بر

### ۱. قربانی سوختنی<sup>a</sup>

<sup>۱</sup> یهوه موسی را فرا خواند و از خیمه ملاقات با او به این مضمون سخن گفت: <sup>۲</sup> «با بنی اسرائیل سخن بگو؛ به ایشان خواهی گفت: هنگامی که یکی از شما هدیه ای به یهوه تقدیم می کند، اگر از احشام باشد، از احشام بزرگ یا کوچک هدیه تقدیم خواهید کرد. <sup>۳</sup> اگر هدیه او، قربانی سوختنی از احشام بزرگ باشد، حیوانی نر و بی عیب<sup>b</sup> تقدیم خواهد کرد؛ آن را در ورودی خیمه ملاقات تقدیم خواهد کرد تا در حضور یهوه مقبول واقع شود. <sup>۴</sup> دست خود را بر سر قربانی<sup>c</sup> تکیه خواهد داد تا برای او مقبول شود و به کار کفاره آید. <sup>۵</sup> گاو نر را در حضور یهوه

خروج ۲۵:۲۲

a. ر.ک. «مقدمه»

b تحت اللفظی: «کامل» (ر.ک. ۹:۳). این اصطلاح بر تمامیت جسم قربانی دلالت دارد، و ایجاب می کند که حیوان از عیوب طبیعی یا تصادفی (ر.ک. ملا ۸:۱) و از اخته بودن عاری باشد.

c تحت اللفظی: «بر سر قربانی سوختنی» این اصطلاح در آن واحد بر حیوان و به قربانی شدن او دلالت دارد. در خصوص «تکیه دادن دست»، ر.ک. توضیح ۴:۴.

d این ذبحی است آیینی که تقدیم کننده به انجام می رساند. ترجمه یونانی، فعل را در وجه جمع آورده و به این ترتیب، انجام ذبح را مختص کاهنان می سازد که این امر با ۲. توا ۲۹:۲۲-۲۴ توافق دارد. حزق ۱۱:۴۴ و ۲- توا ۶:۳۵ لاویان را مسئول این کار می سازد. این تنوع بیانگر این است که نحوه انجام این رسم در دوره های گوناگون مورد تردید قرار داشته است.

e در خصوص مفهوم خون در قربانی ها، ر.ک. توضیح ۱۷:۱۱.

f محتوای روده (و حتی محتوای چینه دان پرنده، ر.ک. آیه ۱۶) که موادی است در حال تجزیه، می بایست از قربانی زوده شود، و نیز هر نوع کثافتی که به پاهای حیوان می چسبد.

g. ر.ک. «مقدمه».

هیزمی که بر روی آتش است: این قربانی سوختنی به آتش است، عطر آرام بخش برای یهوه.

## ۲. هدیه آردی<sup>۱</sup>

۲ چون شخصی هدیه ای آردی همچون هدیه به یهوه تقدیم می کند، هدیه او از آرد تازه خواهد بود؛ بر روی آن روغن خواهد ریخت و بر آن بخور خواهد نهاد. <sup>۲</sup> او آن را نزد بنی هارون، نزد کاهنان خواهد آورد. [کاهن] مشتی پر از این آرد تازه و از این روغن، با تمام بخورش، خواهد گرفت و این یادمان<sup>m</sup> را بر قربانگاه خواهد سوزاند: این قربانی آتشین است، عطر آرام بخش برای یهوه. <sup>۳</sup> آنچه از هدیه آردی باقی بماند، برای هارون و برای پسرانش خواهد بود: [سهم] بسیار مقدس<sup>n</sup> از قربانی های آتشین برای یهوه.

<sup>۴</sup> چون هدیه آردی از خمیر پخته شده در تنور همچون هدیه تقدیم می کنی، با آرد تازه به شکل شیرینی های سرشته شده فطیر، سرشته شده با روغن، و به شکل کلوچه های فطیر مالیده شده به روغن خواهد بود.

پهلوی قربانگاه، به سوی شمال<sup>h</sup>، در حضور یهوه، ذبح خواهد کرد، و کاهنان بنی هارون از خون او بر قربانگاه خواهند پاشید، دور تا دور آن. <sup>۱۲</sup> او آن را به قطعات تکه تکه خواهد کرد، با سرش و دل و جگر و قلوه اش، و کاهن، آنها را بر روی هیزمی که روی آتش قربانگاه است مرتب خواهد کرد. <sup>۱۳</sup> و روده و ران ها را در آب خواهد شست، و کاهن تمام آنها را تقدیم خواهد کرد و بر قربانگاه خواهد سوزاند: این قربانی سوختنی به آتش است، عطر آرام بخش برای یهوه.

<sup>۱۴</sup> اگر هدیه او برای یهوه، قربانی سوختنی از پرندگان<sup>۱</sup> باشد، برای هدیه خود قمری یا کبوتر جوان تقدیم خواهد کرد. <sup>۱۵</sup> کاهن [پرنده] را نزدیک قربانگاه خواهد آورد و سرش را خواهد کند، سپس آن را بر قربانگاه خواهد سوزاند و خوش<sup>l</sup> بر جداره قربانگاه پاشیده خواهد شد. <sup>۱۶</sup> چینه دان آن را با پرهایش خواهد کند و آن را به کنار قربانگاه خواهد انداخت، به سوی مشرق، در محل خاکستر چرب<sup>k</sup>. <sup>۱۷</sup> [پرنده] را از بال هایش خواهد شکافت، بدون آنکه آنها را جدا سازد، و کاهن آن را بر قربانگاه خواهد سوزاند، بر

پید۱۰:۱۵

**h** این احتمالاً قاعده ای کلی برای قربانی های سوختنی بود: ر. ک. به دلیل احتمالی آن در حرق ۳۸:۴۰، ۴۳.

**i** به نظر می رسد که قربانی کردن پرندگان در اسرائیل چندان به عمل نمی آمده است: ر. ک. ۷:۵-۱۰.

**j** خون نمی بایست سوخته می شد؛ می بایست آن را با فشار، خارج سازند.

**k** منظور باقی مانده قربانی های سوخته شده می باشد.

**l** ر. ک. «مقدمه».

**m** آن بخش از هدیه که مختص خدا بود، «یادمان» نامیده می شد. اما این اصطلاح بر حسب معنایی که به فعل عبری «ذکر» داده می شود، می تواند تعبیرات مختلفی بیابد، به این ترتیب که یا خدا باید هدیه دهنده را «به یاد آورد»، یا اینکه بخش تقدیم شده «یادآور» تمامیت هدیه است، یا اینکه بر دعایی دلالت دارد که هدیه را همراهی می کند.

**n** ر. ک. «مقدمه» با سوزاندن «یادمان» تمامیت هدیه تقدیس می شد، یعنی هر نوع کاربرد غیرمقدس آن ممنوع می گردید؛ فقط کاهنان که تخصیص شده بودند (یا تقدیس شده اند، ر. ک. خروج ۲۸:۴۱)، می توانستند از آن بخورند.

<sup>۱۲</sup> اینها را همچون هدیه نوبر به یهوه خواهید کرد، اما همچون عطر آرام بخش بر قربانگاه بر نخواهند آمد.

<sup>۱۳</sup> هر آنچه همچون هدیه آردی تقدیم کنی، آن را به نمک P نمکین خواهی ساخت، و نخواهی گذارد که هدیه آردی ات فاقد نمک عهد خدایت باشد؛ بر تمامی هدایایت، نمک تقدیم خواهی کرد.

<sup>۱۴</sup> چنانچه هدیه ای آردی از میوه های نخستین<sup>۹</sup> به یهوه تقدیم می کنی، آنچه همچون هدیه آردی میوه های نخستین تقدیم خواهی کرد، از خوشه های برشته شده به آتش، از دانه های تازه آسیاب شده<sup>۲</sup> خواهد بود.<sup>۱۵</sup> بر آن روغن قرار خواهی داد و بخور خواهی گذارد؛ این هدیه ای آردی است.<sup>۱۶</sup> کاهن یادمانش را که از دانه های آسیاب شده و روغنش گرفته شده، خواهد سوزاند، با تمام بخورش، همچون قربانی آتشین برای یهوه.

### ۳. قربانی آرامش<sup>۸</sup>

۷:۱۱-۲۱:  
۱۹:۵-۸:

۲۲:۲۱-۲۵:

<sup>۱</sup> چنانچه هدیه او قربانی آرامش باشد، اگر آنچه تقدیم می کند از احشام بزرگ باشد، نر یا ماده، آنچه به

<sup>۵</sup> اگر هدیه تو هدیه آردی پخته شده بر ساج باشد، از آردی تازه سرشته شده به روغن، بدون خمیر مایه، خواهد بود.<sup>۶</sup> آن را به تکه های کوچک خواهی شکست و بر آن روغن خواهی ریخت: این هدیه آردی است.

<sup>۷</sup> اگر هدیه تو هدیه آردی پخته شده بر تابه باشد، آن با آرد تازه با روغن درست خواهد شد.

<sup>۸</sup> هدیه آردی ای را که این چنین آماده شده، برای یهوه خواهی آورد؛ آن را به کاهن تقدیم خواهند کرد و او آن را نزدیک قربانگاه خواهد آورد. کاهن از هدیه آردی، یادمان را پیش برداشت خواهد کرد که بر قربانگاه خواهد سوزاند: این قربانی آتشین است، عطر آرام بخش برای یهوه.<sup>۹</sup> آنچه از هدیه آردی باقی بماند، برای هارون و پسرانش خواهد بود: [سهم] بسیار مقدس از قربانی های آتشین برای یهوه.

<sup>۱۱</sup> هیچ یک از هدایای آردی که به یهوه تقدیم خواهید کرد، از مواد تخمیر شده درست نخواهد شد، زیرا از هیچ خمیر مایه<sup>۱۰</sup> و از هیچ عسلی، چیزی همچون قربانی آتشین برای یهوه نخواهد سوزاند.

O ممنوعیت «خمیر مایه» و «عسل» می تواند نشانه ای باشد از مبارزه با مذهب کنعانیان که چنین هدایایی را مجاز می داشت. P «نمک» مفهومی دو گانه دارد: (۱) بر خلاف خمیر مایه (ر.ک. مت ۱۳:۳۳؛ ۱- قرن ۵:۶) و عسل، نمک خواص حفظ کنندگی، و حتی پاک کنندگی دارد (ر.ک. ۲- باد ۲:۱۹-۲۲): (۲) نمک نوعی چاشنی است؛ چنانچه هدیه حالت خوراکی را بگیرد که به الوهیت تقدیم می شود، جایگاهش در کنار خوراک هایی است که به شکل قربانی تقدیم می شود. اصطلاح «نمک عهد» (و نیز «عهد نمک» در اعد ۱۸:۱۹ و ۲- توا ۱۳:۵) از همین جا ناشی می شود و منظور، عهدی است دائمی که نماد آن نمک است که طعم خود را همیشه حفظ می کند.

Q «میوه های نخستین» یا نوبر درو، قانوناً از آن خداوند بود، در همان مقیاس که «نخست زادگان» انسان و حیوان نیز از آن خداوند بودند (ر.ک. خروج ۱۳:۱-۱۶) در عبری، این دو کلمه در واقع ریشه ای مشترک دارند.

R چنانچه تفسیر ما از این دو کلمه نادر و دشوار درست باشد، می توان نتیجه گرفت که مردم شروع کرده بودند به برشته کردن سطحی خوشه های تازه تا آنها را پوست بکنند و سپس به شکلی ابتدایی آسیاب کنند. (دانه تازه را که هنوز نرم است، نمی توان به شکلی ریز و ظریف آسیاب کرد).

S ر.ک. «مقدمه».

پاشید، دور تا دور آن.<sup>۹</sup> او از قربانی آرامش همچون قربانی آتشین به یهوه تقدیم خواهد کرد: پیهش را، تمام دم<sup>w</sup> که آن را از نزدیک مهره پشت خواهد کند، پیهی را که روده را می پوشاند، تمام پیهی را که روی روده است،<sup>۱۰</sup> دو قلوه را با پیهی که روی آنها است، در نزدیکی تهیگاه، و توده پیهی را که روی جگر است که آن را با قلوه ها خواهد کند.<sup>۱۱</sup> کاهن آن را بر قربانگاه خواهد سوزاند: این خوراکی است که با آتش به یهوه تقدیم می شود.<sup>۱۲</sup> اگر هدیه او بز ماده باشد، آن را به حضور یهوه تقدیم خواهد کرد.<sup>۱۳</sup> دستش را بر سر آن تکیه خواهد داد و آن را در مقابل خیمه ملاقات ذبح خواهد کرد. بنی هارون از خون آن بر قربانگاه خواهند پاشید، دور تا دور.<sup>۱۴</sup> او از [قربانی اش] برای هدیه خود، همچون قربانی آتشین به یهوه تقدیم خواهد کرد: پیهی را که روده را می پوشاند، تمام پیهی را که روی روده است،<sup>۱۵</sup> دو قلوه را با پیهی که روی آنها است، نزدیک تهیگاه، و توده پیهی را که روی جگر است، آن را با قلوه ها خواهد کند.<sup>۱۶</sup> کاهن آنها را بر قربانگاه خواهد سوزاند: این خوراکی است تقدیم شده با آتش، همچون عطر آرام بخش. تمامی پیه از آن یهوه می باشد.

حضور یهوه تقدیم می کند باید حیوانی بی عیب باشد.<sup>۲</sup> او دست خود را بر سر حیوان تقدیمی تکیه خواهد داد و آن را در ورودی خیمه ملاقات ذبح خواهد کرد. بنی هارون، کاهنان از این خون بر قربانگاه خواهند پاشید، دور تا دور آن.<sup>۳</sup> از قربانی آرامش همچون قربانی آتشین به یهوه تقدیم خواهد کرد: پیهی<sup>t</sup> را که روده را می پوشاند، تمام پیهی را که بر روی روده است،<sup>۴</sup> دو قلوه با پیهی را که روی آن است، نزدیک تهیگاه، و توده پیهی را که روی جگر است<sup>u</sup> که آن را با قلوه ها بر خواهد کند.<sup>۵</sup> بنی هارون این را بر قربانگاه خواهند سوزاند، بر روی قربانی سوختنی<sup>v</sup> که بر هیزم قرار دارد و روی آتش است، همچون قربانی آتشین، عطر آرام بخش برای یهوه.

اگر هدیه او همچون قربانی آرامش برای یهوه، از احشام کوچک باشد، آنچه تقدیم خواهد کرد، نریا ماده بی عیب خواهد بود.<sup>۷</sup> اگر آنچه همچون هدیه تقدیم می کند بره باشد، آن را به حضور یهوه تقدیم خواهد کرد.<sup>۸</sup> او دست خود را بر سر حیوان تقدیمی تکیه خواهد داد و آن را در مقابل خیمه ملاقات ذبح خواهد کرد. بنی هارون از خون آن بر قربانگاه خواهند

t زمانی که تمامیت حیوان را به خداوند تقدیم نمی کردند، یعنی کاری که برای قربانی سوختنی انجام می دادند، قسمت های پیه دار را به او تقدیم می داشتند چرا که آنها را بهترین قسمت ها تلقی می کردند (ر.ک. ۱۶:۳؛ پید ۱۸:۴۵؛ اش ۶:۲۵؛ مز ۹:۳۶؛ ۶:۶۳)؛ در ضمن، پیه را تا حدی مانند خون، همچون جایگاه برخی از نیروهای حیاتی می انگاشتند (ر.ک. ۱۷:۳).  
 u در خصوص این عبارت، مباحثاتی وجود دارد (ر.ک. آیه ۱۰) برخی آن را (نرمه جگر) ترجمه می کنند (ر.ک. خروج ۱۳:۲۹).  
 در این صورت، می توان حدس زد که علت چنین نهی ای، بازداشتن اسرائیلیان از عمل کردن به روش بابلی ها بوده است؛ ایشان با بررسی نرمه جگر حیوانات، دست به طالع بینی می زدند.  
 v منظور قربانی سوختنی ای است که هر صبح تقدیم می شد (ر.ک. ۵:۶؛ خروج ۳۸:۲۹-۴۲).  
 w «دم» گوسفند در برخی از نژادهای آنها، حاوی پیه فراوان است (همان دنبه).

خواهد آورد. او دست خود را روی سر گاو  
 نر تکیه خواهد داد<sup>c</sup> و گاو نر را در حضور  
 یهوه ذبح خواهد کرد.<sup>۵</sup> کاهنی که مسح را  
 دریافت داشته، از خون گاو نر خواهد  
 گرفت و آن را به خیمه ملاقات خواهد  
 آورد. کاهن انگشت خود را در خون تر

خواهد کرد و از این خون هفت بار به حضور  
 یهوه خواهد پاشید، در مقابل پرده [مکان]  
 مقدس.<sup>۷</sup> کاهن از این خون بر شاخ‌های  
 قربانگاه بخور معطر که در حضور یهوه در  
 خروج ۳۱:۲۶-۳۵  
 خیمه ملاقات است خواهد گذارد، و تمام  
 خون گاو نر را بر بنیاد قربانگاه قربانی  
 سوختنی که در ورودی خیمه ملاقات است  
 خواهد ریخت.<sup>۸</sup> و تمام پیه گاو نر قربانی  
 گناه را پیش برداشت خواهد کرد: پیهی که  
 روده را می‌پوشاند و تمام پیهی را که بر  
 روی روده است،<sup>۹</sup> دو قلوه را با پیهی که بر

<sup>۷</sup> این نهادی است دائمی برای تمامی  
 نسل‌های شما، در تمام مکان‌هایی که در  
 آنها ساکن خواهید بود<sup>x</sup>: نه پیه خواهید  
 خورد و نه خون.

#### ۴. قربانی گناه<sup>۷</sup>

یهوه به این مضمون با موسی  
 سخن گفت:<sup>۲</sup> با بنی اسرائیل به این  
 مضمون سخن بگو: چون شخصی در اثر  
 غفلت<sup>z</sup>، بر علیه یکی از احکام یهوه گناه  
 کند و یکی از کارهایی را انجام دهد که  
 نباید انجام شود<sup>a</sup>؛<sup>۳</sup> اگر کاهنی گناه کند که  
 مسح را دریافت کرده<sup>b</sup>، و بدینسان قوم را  
 مجرم سازد، برای گناهی که کرده، گاو نر  
 جوان و بی‌عیب را همچون قربانی گناه به  
 یهوه تقدیم خواهد کرد.<sup>۴</sup> او گاو نر را به  
 ورودی خیمه ملاقات، به حضور یهوه

X. ر. ک. ۲۶:۷؛ ۳:۲۳؛ ۱۴، ۲۱، ۳۱. حاکمیت خدای اسرائیل محدود به سرزمینی خاص و به ساکنان آن نمی‌شود؛ او خداوند  
 قومی است که ایشان را برای خود برگزیده است (خروج ۲:۲۰) و هر جا که این قوم در آن مسکن گزیند، او کماکان خداوند  
 ایشان باقی می‌ماند زیرا «تمامی زمین از آن من است» (خروج ۵:۱۹). لذا ممنوعیت خوردن پیه و خون در هر مکانی معتبر  
 است، حتی اگر آیین قربانی‌ها فقط در اورشلیم قابل اجرا باشد.

Y. ر. ک. «مقدمه».

Z. گناه «در اثر غفلت» یا «غیر عمد» در نقطه مقابل گناه «با دست بلند شده» یا «عمدی» قرار دارد (ر. ک. اعد ۱۵:۲۲-۳۱).  
 بحث درباره گناه غیر عمد نشان می‌دهد که به عواقب عینی یک عمل همانقدر اهمیت داده می‌شود که به انگیزه‌های غیرعینی  
 کننده آن. گناه، حتی اگر غیر عمد باشد، موجب بی‌نظمی‌ای می‌شود که مستلزم جبران از طریق قربانی و آیین کفاه می‌باشد.

a منظور از عبارت «یکی از کارهایی را انجام دهد که نباید انجام شود» حکمی منفی یا «تهی» است (برای مثال، «نخواهی  
 کشت» خروج ۱۳:۲۰)؛ احکام منفی (نهی از منکر) در مقابل احکام مثبت (امر به معروف) قرار دارد (مانند «پدر و مادرت  
 را حرمت خواهی داشت»، خروج ۱۲:۲۰).

b تحت اللفظی: «کاهن مسح شده» این عنوان دلالت دارد بر کاهن اعظم که به هنگام تقدیسش (ر. ک. ۸:۱۲؛ توضیح خروج  
 ۱:۲۹)، با روغن مقدس «مسح» می‌شود. در ابتدا، این آیین جزئی از مراسم تقدیس پادشاه بود (ر. ک. ۱ سمو ۱۰:۱۰؛  
 ۱۲:۱۶-۱۳). پس از فروپاشی سلطنت، این آیین وارد مراسم تقدیس کاهن اعظم شد که رئیس جامعه به حساب می‌آمد. در  
 خصوص اسناد عناوین مسیح موعود و کاهن اعظم به عیسی، ر. ک. عبر، مقدمه، و فصل‌های ۹-۱۰.

c نهادن دست (یا «تکیه دادن دست») هدفش این نیست که گناهان انسان را به حیوان منتقل سازد؛ اگر چنین می‌بود، محال بود  
 تصور کرد که بتوان گوشت حیوانی را خورد که گناه را حمل می‌کند (ر. ک. ۱۸:۶-۱۹)؛ و مهم‌تر از آن، نمی‌شد چنین  
 حیوانی را برای خداوند قربانی کرد (ر. ک. توضیح ۲۱:۱۶). این عمل را که قبلاً در آیین قربانی سوختنی (۴:۱) و قربانی  
 آرامش (۳:۳، ۸، ۱۳) مشاهده می‌کنیم، بیانگر این نیت تقدیم کننده است که می‌خواهد حیوانی را که برای قربانی آورده، به  
 خدا تقدیم کند.

آنها است، نزدیک تهیگاه، و توده چربی را که روی جگر است، که آن را با قلوها بر خواهد داشت.<sup>۱۰</sup> همه را مانند پیش برداشتی که بر گاو نر قربانی آرامش انجام می شود و کاهن آنها را بر روی قربانگاه قربانی سوختنی خواهد سوزاند.<sup>۱۱</sup> و پوست گاو نر را، تمام گوشتش را، با سر و رانهایش، روده و تپاله اش را،<sup>۱۲</sup> خلاصه تمامیت گاو نر را بیرون از اردوگاه، در مکانی پاک<sup>d</sup>، در زباله دانی خاکستر چرب، خواهد برد، و آن را بر آتشی از هیزم خواهد سوزاند؛ آن در زباله دانی خاکستر چرب سوزانده خواهد شد.

<sup>۱۳</sup> اگر [گناه را] تمامی جماعت اسرائیل در اثر غفلت [انجام داده باشند]، و این امر از نظر جماعت دور مانده باشد، و با انجام یکی از کارهایی که احکام یهوه انجام آنها را منع کرده باشد مجرم شده باشند،<sup>۱۴</sup> و اینکه بعداً متوجه گناهی که مرتکب شده اند شده باشند، جماعت، گاو نر جوان و بی عیبی همچون قربانی گناه تقدیم خواهند کرد. آن را به مقابله خیمه ملاقات خواهند آورد.<sup>۱۵</sup> مشایخ جماعت<sup>e</sup> دست خود را بر سر گاو نر تکیه خواهند داد، در حضور یهوه، و گاو نر را در حضور یهوه ذبح

خواهند کرد.<sup>۱۶</sup> کاهنی که مسح را دریافت کرده، از خون گاو نر به خیمه ملاقات خواهد آورد.<sup>۱۷</sup> کاهن انگشت خود را در خون تر خواهد کرد و از آن هفت بار در حضور یهوه خواهد پاشید، روبه روی پرده.<sup>۱۸</sup> و از این خون بر شاخ های قربانگاهی که در حضور یهوه در خیمه ملاقات است خواهد مالید، و تمام خون را بر بنیاد قربانگاه قربانی سوختنی که در ورودی خیمه ملاقات است خواهد ریخت.<sup>۱۹</sup> و تمام پیه آن را پیش برداشت خواهد کرد و آن را بر قربانگاه خواهد سوزاند.<sup>۲۰</sup> برای این گاو نر آنچه خواهد کرد که برای گاو نر قربانی گناه کرده است؛ برای آن نیز چنان خواهد کرد. بدینسان، کاهن برای ایشان کفاره<sup>e\*</sup> را به انجام خواهد رساند، و ایشان بخشوده خواهند شد.<sup>۲۱</sup> او گاو نر را بیرون اردوگاه خواهد برد، و آن را خواهد سوزاند، آنچه که گاو نر قبلی را سوزانده بود: این قربانی ای است برای گناه جماعت.

<sup>۲۲</sup> وقتی رئیسی<sup>f</sup> گناه کند و در اثر غفلت، با انجام یکی از کارهایی که احکام یهوه، خدایش، انجامش را منع کرده باشد، مجرم شده باشد،<sup>۲۳</sup> به مجرد اینکه گناهی

d قطعاتی از حیوان را که نه بر روی قربانگاه سوزانده می شود و نه خورده می شود، نمی توان در هر جایی قرار داد، زیرا آنها به سبب قربانی بودن، تقدیس شده اند. مکانی بیرون از اردوگاه برای این منظور در نظر گرفته شده، مکانی «پاک» یعنی دور از هر نوع کاربرد غیر مذهبی (ر.ک. ۴:۶)؛ در آنجا، بقایای حیوان، بدون حالت قربانی، سوزانده می شود.

e «مشایخ» نمایندگان تمامی جماعت بودند.

e\* این اصطلاح که قبلاً در ۱:۴ مشاهده شده، ظاهراً دلالت دارد بر آیینی که در مفهوم ابطال گناه، و لذا آمرزش الهی می باشد. ر.ک. ۴:۳۱، ۳:۳۵، ۶:۵، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۸ و غیره.

f عنوان «رئیس» (به عبری «ناسی») در حالت جمع، به رؤسای قبایل اقوام همجوار اسرائیل اطلاق شده است (پید ۱۶:۲۵؛ ر.ک. اعد ۱۸:۲۵) و نیز به مسئولان قبایل در متون متأخر (اعد ۲:۷؛ ۱۳:۲). کاربرد آن در حالت مفرد در کتاب لاویان، مطابق است با کاربرد آن از سوی حزقیال و عزرا (ر.ک. حزق ۴۵ و توضیحات؛ توضیح عز ۸:۱)، که در آنها این اصطلاح بر رئیس قوم در دوره ای دلالت دارد که از استفاده از اصطلاح پادشاه اجتناب می شد.



سوزاند. بدینسان کاهن برای این شخص کفاره را انجام خواهد داد، و او بخشوده خواهد شد.

<sup>۳۲</sup> اگر کسی بره‌ای همچون هدیه برای گناه بیاورد، آنچه خواهد آورد، ماده و بی عیب خواهد بود. <sup>۳۳</sup> او دستش را بر سر حیوان قربانی گناه تکیه خواهد داد و آن را همچون قربانی گناه در مکانی که قربانی سوختنی را ذبح می‌کنند، ذبح خواهد کرد. <sup>۳۴</sup> کاهن با انگشت خود از خون حیوان قربانی گناه خواهد گرفت و آن را بر شاخ‌های قربانگاه قربانی سوختنی خواهد مالید، و تمام خون را بر بنیاد قربانگاه خواهد ریخت. <sup>۳۵</sup> و تمام پیه آن را بر خواهد داشت، همان‌گونه که پیه بره قربانی آرامش را بر می‌دارند، و کاهن آن را بر قربانگاه خواهد سوزاند، بر روی قربانی‌های آتشین که برای یهوه انجام می‌شود. بدینسان کاهن کفاره را برای این مرد انجام خواهد داد، برای گناهی که مرتکب شده، و آن از او بخشوده خواهد شد.

### الف) نمونه‌های ملموس

**۵** وقتی شخصی گناه می‌کند، زیرا قاعده بیان لعنت را شنیده، و همچون شاهد امری که دیده یا شنیده، آن امت ۲۴:۲۹ را افشا نسازد و بدینسان متحمل خطای آن بشود؛ <sup>۲</sup> یا وقتی شخصی هر چیز ناپاک را لمس کند - لاشه حشم نجس، لاشه حیوان ۴۷-۱:۱۱

را که مرتکب شده به آگاهی او برسانند، برای هدیه خود بزی خواهد آورد، و بی عیب. <sup>۲۴</sup> او دست خود را بر سر بز تکیه خواهد داد و آن را در مکانی که قربانی سوختنی را ذبح می‌کنند، ذبح خواهد کرد، در حضور یهوه: این قربانی ای است برای گناه. <sup>۲۵</sup> کاهن با انگشت خود از خون حیوان قربانی گناه خواهد گرفت و بر شاخ‌های قربانگاه قربانی سوختنی خواهد مالید، و خونس را بر بنیاد قربانگاه قربانی سوختنی خواهد ریخت. <sup>۲۶</sup> و تمام پیهش را بر قربانگاه خواهد سوزاند، مانند پیه قربانی آرامش. بدینسان، کاهن، کفاره گناه او را انجام خواهد داد و او بخشوده خواهد شد.

اعداد ۲۷:۲۸-۲۸

<sup>۲۷</sup> اگر شخصی از قوم <sup>g</sup> باشد که در اثر غفلت گناه کند و با انجام یکی از کارهایی که احکام خدا انجام آن را منع می‌کند، مجرم شود، <sup>۲۸</sup> به مجرد آنکه گناهی را که مرتکب شده به آگاهی او برسانند، برای هدیه خود بزی را خواهد آورد، ماده و بی عیب، برای گناهی که مرتکب شده است. <sup>۲۹</sup> او دست خود را بر سر حیوان قربانی گناه تکیه خواهد داد و حیوان قربانی را در مکانی که قربانی سوختنی را [ذبح می‌کنند] ذبح خواهد کرد. <sup>۳۰</sup> کاهن با انگشتش از خون آن خواهد داشت، همان‌گونه که پیه را از روی قربانی آرامش بر می‌دارند، <sup>۳۱</sup> و کاهن آن را بر قربانگاه، همچون عطر آرام بخش برای یهوه خواهد

<sup>g</sup> منظور شخصی عادی است (ر.ک. توضیح ۲-۱۱:۱۴). این اصطلاح هنوز معنای طعنه آمیزی را که بعدها در نوشته‌های ربی‌ها به خود گرفت، نداشت. طبق کاربرد ربی‌ها، این اصطلاح به معنی کسانی است که «شریعت را نمی‌دانند» یا «آن را به عمل نمی‌آورند».

برای کاهن خواهد آورد و وی اول حیوان قربانی گناه را تقدیم خواهد کرد. وی سر آن را خواهد برید، اما بدون آنکه آن را از تنش جدا کند.<sup>۹</sup> او خون حیوان قربانی را روی جدارهٔ قربانگاه خواهد پاشید، و آنچه از خون باقی می ماند بر بنیاد قربانگاه ریخته خواهد شد: این قربانی ای است برای گناه.<sup>۱۰</sup> در خصوص دومی، او آن را قربانی سوختنی خواهد ساخت، مطابق قواعد. بدینسان، کاهن برای او کفاره گناهی را که مرتکب شده انجام خواهد داد، و آن از او بخشوده خواهد شد.<sup>۱۱</sup>

اگر امکانات این را ندارد که دو قمری یا دو کبوتر جوان برای خود تهیه کند، او همچون هدیه برای گناه خود، یک دهم ایفه آرد تازه همچون قربانی گناه<sup>۱۲:۲</sup> خواهد آورد؛ بر آن، روغن نخواهد ریخت و بخور قرار نخواهد داد؛ زیرا این قربانی ای است برای گناه.<sup>۱۲</sup> آن را برای کاهن خواهد آورد، و کاهن مشتی پر از آن خواهد گرفت، همچون یادمان و آن را بر روی قربانی های آتشین برای یهوه خواهد سوزاند: این قربانی ای است برای گناه.<sup>۱۳</sup>

بدینسان، کاهن برای او کفاره را انجام خواهد داد، برای گناهی که در یکی از این موارد مرتکب شده است، و او بخشوده خواهد شد. کاهن [سهم خود] را همچون برای هدیه آردی خواهد داشت.<sup>۱۴</sup>

نحس، لاشه خزنده نحس - اما بدون اطلاع خودش ناپاک و مجرم شود؛<sup>۳</sup> یا وقتی شخصی هر ناپاکی بشری را که نحس می سازد لمس کند، اما بدون اطلاع خودش باشد، و بعد از آن آگاهی یابد و مجرم شود؛<sup>۴</sup> یا وقتی شخصی به هنگام سخن گفتن به طور بی ملاحظه، سوگندی یاد کند، خواه برای نیکی، خواه برای بدی، در هر چیزی که شخص می تواند بدون ملاحظه سوگند بخورد، اما بدون اطلاع خودش باشد، و بعد از آن آگاهی یابد و در خصوص یکی از این چیزها مجرم شود؛<sup>۵</sup> لازم خواهد بود که آن کس که در خصوص یکی از این چیزها مجرم شده، به گناهی که مرتکب شده اعتراف کند.<sup>۶</sup> او قربانی جبران خود را برای گناه برای یهوه خواهد آورد: حیوان ماده ای از احشام کوچک، بره ماده یا بز ماده، همچون قربانی گناه؛ و کاهن برای او کفاره گناهی را انجام خواهد داد.

### ب) برای مستمندان<sup>۱</sup>

<sup>۷</sup> اگر چیزی نداشته باشد که برای خود رأسی از احشام کوچک تهیه کند، قربانی خود را برای جبران برای گناهی که مرتکب شده برای یهوه خواهد آورد: دو قمری یا دو کبوتر جوان، یکی برای قربانی گناه و دیگری برای قربانی سوختنی.<sup>۸</sup> آنها را

h خطا به خاطر سهل انگاری.

i این احکام با در نظر گرفتن رسمی ارزانتر برای فقیران، به خوبی نشان می دهد که آیین ها دلیل واقعی تطهیر نیستند (چرا که در این صورت، می بایست به هر قیمتی انجام می شد)، بلکه فقط نمادی هستند از تطهیر. همین کاهش را در ۸:۱۲؛ ۲۱:۱۴؛ ۲۷:۸ مشاهده می کنیم. آیات ۱۱-۱۳ به معنی کاهشی اضافی نیست، زیرا یک دهم ایفه آرد (حدود ۴ لیتر)، بهایی چندان پایین تر از بهای دو برنده نداشت، اما آرد را همیشه می توانستند در دسترس داشته باشند.

j ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های قدیمی. قرائت متن عبری: «کاهن این آیین را همانند آیین هدیه اجرا خواهد کرد».

۵. قربانی جبران<sup>k</sup>

۷-۱۰:۷

بخشوده خواهد شد:<sup>۱۹</sup> این قربانی جبران است؛ آن شخص به راستی در حق یهوه مجرم بود.

<sup>۲۰</sup> یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت:<sup>۲۱</sup> وقتی شخصی گناه می کند و مرتکب بی وفایی ای در حق یهوه می شود، خواه به همسایه اش<sup>n</sup> در خصوص امانتی، یا شیئی که به محافظت او سپرده شده باشد، یا شیئی دزدیده شده دروغ بگوید، خواه به همسایه اش ظلم کند:<sup>۲۲</sup> یا اگر شیئی گمشده را پیدا کرده و در خصوص آن دروغ بگوید؛ اگر در مورد هر چیزی که انسان می تواند گناه کند، سوگند دروغ یاد کند،<sup>۲۳</sup> از آنجا که گناه کرده و مجرم شده، لازم

خواهد بود که بازگرداند آن شیء را که مز ۵:۶۹ دزدیده یا به زور ستانده امانتی را که به او سپرده شده، شیء گمشده را که او آن را یافته،<sup>۲۴</sup> یا شیئی را که هر چه باشد در خصوص آن سوگند دروغ یاد کرده است. آن را به طور کامل باز خواهد گرداند و به آن یک پنجم خواهد افزود، و آن را در روز قربانی جبران خود، به صاحبش تحویل خواهد داد.<sup>۲۵</sup> سپس، قربانی جبران خود را برای یهوه خواهد آورد: قوچی بی عیب که از گله گرفته شده باشد، بر اساس تخمین تو، همچون قربانی جبران که به کاهن

<sup>۱۴</sup> یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت:<sup>۱۵</sup> وقتی شخصی بی وفایی ای مرتکب شود و در اثر غفلت گناه کند و چیزهای تخصیص یافته<sup>۱</sup> به یهوه را منحرف سازد، قربانی جبران خود را برای یهوه خواهد آورد: قوچی بدون عیب که از گله گرفته شده، بر اساس تخمین تو به مثقال نقره، مطابق مثقال پرستشگاه<sup>m</sup>، همچون قربانی جبران.<sup>۱۶</sup> و آنچه که گنااهش از چیزهای تخصیص یافته منحرف ساخته باشد، آن را جبران خواهد کرد و یک پنجم به آن خواهد افزود، و آن را به کاهن خواهد داد. کاهن با قوچی قربانی جبران، کفاره را برای او انجام خواهد داد، و او بخشوده خواهد شد.

<sup>۱۷</sup> اگر شخصی گناه کند و بدون آنکه بداند، یکی از چیزهایی را انجام دهد که احکام یهوه انجامش را منع کرده، مجرم می شود و بدینسان خطای خود را متحمل خواهد شد.<sup>۱۸</sup> او قوچی بی عیب، همچون قربانی جبران، برای کاهن خواهد آورد، قوچی که از گله گرفته شده باشد، بر اساس تخمین تو. کاهن برای او کفاره را انجام خواهد داد، برای غفلتی که بدون آنکه بداند مرتکب شده است، و آن از او

۲توا ۲۶:۱۶-۱۸

اعد ۵:۶-۱۰:  
۲پا ۱۷:۱۲

k. ر. ک. «مقدمه».

l منظور از «چیزهای تخصیص یافته به یهوه» عمدتاً نوبرها و ده یک ها می باشد (ر. ک. ۲۷:۹-۳۳: ۱۴-۲۲-۲۹: ۱:۲۶-۱۵). به اینها می توان هدایای مقدس را اضافه کرد (که خوردن آنها اختصاص به خانواده کاهنان دارد، ر. ک. ۱۶:۱-۲۲)، و نیز آنچه که شخص نذر کرده، یا تحت ممنوعیت قرار دارد. وقتی شخص در اثر غفلت گناه می کند، امکان باز خرید و جبران آن وجود دارد، اما اگر گناه عمدی باشد (ر. ک. یوشع ۷)، فقط مرگ می تواند کفاره کند.

m. ر. ک. توضیح اعد ۳:۴۷.

n خطا در حق همسایه (هم وطن)، خطا در حق حاکمیت خود خدا، سرور اسرائیل، تلقی می شود؛ هرگاه عضوی از قوم او آزار ببیند، گویی خود او آزار دیده است.

سوزاند. <sup>۶</sup> آتشی دائمی بر روی قربانگاه خواهد سوخت و خاموش نخواهد شد.

<sup>۷</sup> این است قانون هدیه آردی. پسران ۱۶-۱:۲ هارون آن را در حضور یهوه تقدیم خواهند کرد، در مقابل قربانگاه. <sup>۸</sup> از آن مشتی از آرد تازه هدیه آردی و روغنش با تمام بخوری که روی هدیه آردی است، پیش برداشت خواهند کرد و بر قربانگاه خواهند سوزاند، همچون عطر آرام بخش، یادمانش برای یهوه. <sup>۹</sup> و آنچه از آن باقی بماند، هارون و پسرانش آن را خواهند خورد؛ این به شکل فطیر در مکانی مقدس خورده خواهد شد؛ آن را در صحن خیمه ملاقات خواهند خورد. <sup>۱۰</sup> آن را با خمیر مایه نخواهند پخت؛ این سهم ایشان است که از قربانی‌های آتشین خود به ایشان می‌دهم. این چیزی است بسیار مقدس، مانند قربانی گناه و مانند قربانی جبران. <sup>۱۱</sup> هر ذکوری <sup>۱۲</sup> از میان پسران هارون می‌تواند از آن بخورد؛ این فرمانی است دائمی برای تمامی نسل‌های شما، در خصوص قربانی‌های آتشین برای یهوه. هر که آن را لمس کند، تقدیس خواهد شد.

<sup>۱۳</sup> یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت: <sup>۱۴</sup> این است هدیه‌ای که هارون و پسرانش به یهوه تقدیم خواهند داشت آن ۳۶-۱:۸ روز که او مسح را دریافت دارد: یک دهم ایفه آرد تازه، همچون هدیه آردی دائمی،

تحويل داده می‌شود. <sup>۱۵</sup> کاهن برای او به حضور یهوه کفاره را انجام خواهد داد، و او بخشوده خواهد شد، خطایی که با آن مجرم شده هر چه می‌خواهد باشد.

## ۶. دستور العمل‌های آیینی اضافی مربوط به کاهنان<sup>P</sup>

**۶** یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت: <sup>۱</sup> این را به هارون و به پسرانش امر کن: این است قانونی قربانی سوختنی. قربانی سوختنی بر روی زغال خود بر قربانگاه خواهد ماند، تمام شب تا صبح، و آتش قربانگاه در آنجا خواهد سوخت. <sup>۲</sup> کاهن جامه کتان خود را خواهد پوشید و شلوارهای کتان را بر روی گوشت <sup>۳</sup> خود خواهد پوشید؛ او خاکستر چرب قربانی سوختنی را که آتش بر قربانگاه سوزانده بر خواهد داشت و آن را در کنار قربانگاه خواهد گذارد. <sup>۴</sup> او جامه‌های خود را خواهد کند و جامه‌های دیگری خواهد پوشید، و خاکستر چرب را به بیرون از اردوگاه، به مکانی پاک حمل خواهد کرد. <sup>۵</sup> آتشی که بر روی قربانگاه است بدون اینکه خاموش شود، در آنجا خواهد سوخت؛ کاهن هر بامداد در آنجا هیزم خواهد سوزاند؛ او در آنجا قربانی سوختنی را مرتب خواهد کرد و در آنجا پیه‌های قربانی‌های آرامش را خواهد

P فصل‌های ۱-۵ آیین قربانی‌ها را اساساً از دیدگاه تقدیم‌کننده هدیه تشریح می‌کند. فصل‌های ۶-۷ عمدتاً وظایف و حقوق اجراکنندگان آیین را شرح می‌دهد.

Q این احتمالاً اصطلاحی است مؤدبانه که دلالت دارد بر آلت تناسلی و در ۲:۱۵ نیز تکرار شده. ر.ک. خروج ۲۰:۲۶؛ ۲۸:۴۲.

R.ک. ۲۲:۶ و ۶:۷. سایر قسمت‌های حیوان قربانی را دختران خانواده کاهنان نیز می‌توانستند بخورند (ر.ک. ۱۰:۱۴؛ ۱۲:۲۲؛ ۱۳:۱۰).

خواهد شد<sup>۷</sup>. ۲۲هر ذکوری را میان کاهنان می‌تواند از آن بخورد؛ این چیزی است بسیار مقدس. ۲۳اما هر حیوان قربانی گناه را که از خورش به خیمه ملاقات برای انجام کفاره در [مکان] مقدس آورده شده باشد، نخواهند خورد: آن به آتش سوخته خواهد شد.

این است قانون قربانی جبران:

این چیزی است بسیار مقدس. ۲۴:۵-۱۴-۲۶  
 ۱ حیوان قربانی جبران را در مکانی ذبح خواهند کرد که قربانی سوختنی را ذبح می‌کنند، و از خون آن بر قربانگاه خواهند پاشید، دور تا دور آن. ۳سپس تمام پیه آن را تقدیم خواهند کرد: دم را پیهی را که روده را می‌پوشاند، ۴دو قلوه را با پیهی که روی آنها است، نزدیک تهیگاه، و توده پیهی را که روی جگر است، که آن را با قلوه‌ها بر خواهد کند. ۵کاهن آنها را بر قربانگاه خواهد سوزانید، همچون قربانی آتشین برای یهوه: این قربانی جبران است. ۲۲:۶  
 ۶هر ذکوری از میان کاهنان می‌تواند از آن بخورد: آن را در مکانی مقدس خواهند خورد: این چیزی است بسیار مقدس.  
 ۷آن گونه که قربانی گناه است، همان گونه نیز قربانی جبران خواهد بود: قانون برای آنها یکی است: حیوان قربانی از آن

نیمی بامدادان و نیمی شامگاهان<sup>۵</sup>. ۴آن روی ساج تهیه خواهد شد، با روغن. آن را کاملاً آغشته خواهی آورد و آن را تکه تکه خواهی کرد و تقدیم خواهی نمود - هدیه آردی تکه‌ای<sup>۱</sup> - همچون عطر آرام بخش برای یهوه. ۵کاهنی که از میان پسرانش، به جای او مسح شود، همین کار را خواهد کرد. این فرمانی است دائمی: برای یهوه تماماً به دود تبدیل خواهد شد: ۶هر هدیه آردی کاهن، کامل خواهد بود<sup>۱۱</sup>؛ از آن نخواهند خورد.

۱۷یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت: ۱۸با هارون و با پسرانش به این مضمون سخن بگو: این است قانون قربانی گناه. قربانی گناه، در حضور یهوه، در مکانی ذبح خواهد شد که قربانی سوختنی ذبح می‌شود. این چیزی است بسیار مقدس. ۱۹کاهنی که حیوان قربانی گناه را تقدیم می‌کند، از آن خواهد خورد: در صحن خیمه ملاقات خورده خواهد شد. ۲۰هر چه که گوشش را لمس کند، تقدیس خواهد شد و اگر از خورش بر لباسی پاشیده شده، در مکانی مقدس پاک خواهی کرد. ۲۱ظرف خاک رس که در آن پخته می‌شود خرد خواهد شد، و چنانچه در ظرفی مفرغی پخته شود، با آب فراوان تمیز و آب کشی

۱۳:۵-۱۴:۴

حجی: ۱۱-۱۲

S متن مبهم است: نمی‌دانیم آیا منظور هدیه‌ای است که کاهن اعظم باید از زمان مسح شدنش، هر روزه تقدیم کند، یا اینکه هدیه‌ای است که فقط در آن روز، به هدیه دائمی اضافه می‌کند.  
 t در مورد ترجمه این عبارت قطعی وجود ندارد. برخی چنین ترجمه می‌کنند: «تکه‌های این هدیه آردی را همچون عطر آرام بخش برای یهوه تقدیم خواهیم کرد».  
 u کاهنان، در مقام نمایندگان خدا، بخشی از قربانی‌ها را دریافت می‌دارند؛ اما وقتی خودشان قربانی‌ای تقدیم می‌کنند، منطقی است که نتوانند در عین حال از آن بهره‌ای ببرند.  
 v هدف این آیین‌ها این است که اثرات تماس گوشت‌های مقدس را با اشیاء متفرقه خنثی سازد. همین اصول برای ظروفی که ناپاک شده‌اند، صدق می‌کند (ر.ک. ۳۲:۱۱-۳۳).

کاهنی است که به واسطه آن کفار را انجام می دهد. <sup>۸</sup>W کاهنی که قربانی سوختنی شخص را تقدیم می کند، پوست قربانی سوختنی که تقدیم کند، به همین کاهن تعلق خواهد داشت.<sup>۹</sup> هر هدیه آردی که در تنور پخته شده باشد، هر هدیه آردی که در تابه یا روی ساج تهیه شده باشد، به همان کاهنی تعلق خواهد داشت که آن را تقدیم می کند.

۱۰ هر هدیه آردی سرشته شده به روغن یا خشک، متعلق به تمامی پسران هارون خواهد بود، به هر یک مانند دیگری<sup>۱۱</sup> ل.

۱۶ چنانچه قربانی ای که تقدیم می کند، قربانی نذری یا هدیه داوطلبانه<sup>a</sup> باشد، حیوان قربانی در آن روزی خورده خواهد شد که آن را تقدیم می کنند، و آنچه از آن باقی بماند، روز بعد خورده خواهد شد؛

۱۱ این است قانون قربانی آرامش که به یهوه تقدیم خواهند کرد. <sup>۱۲</sup> چنانچه آن را برای ستایش<sup>z</sup> تقدیم کنند، علاوه بر قربانی ستایش، شیرینی های فطیر سرشته شده به روغن، کلوچه های فطیر مالیده شده به روغن و آرد تازه آغشته به روغن، تقدیم خواهند کرد. <sup>۱۳</sup> علاوه بر شیرینی های نان تخمیر شده، هدیه خود را تقدیم خواهند کرد، علاوه بر قربانی آرامش برای ستایش. <sup>۱۴</sup> از هر هدیه ای سهمی هم چون پیش برداشت برای یهوه تقدیم خواهند کرد؛ این از آن همان کاهنی خواهد بود که

۱۷ اما آنچه از گوشت حیوان قربانی برای روز سوم باقی بماند، به آتش سوزانده خواهد شد. <sup>۱۸</sup> اگر از گوشت قربانی آرامش در روز سوم بخورند، آن مقبول نخواهد افتاد؛ برای کسی که آن را تقدیم می کند، به حساب نخواهد آمد؛ این چیزی متعفن می باشد و شخصی که از آن بخورد، متحمل خطای خود می شود.

آیات ۸-۱۰ که از چارچوب قربانی جبران خارج می شود، ظاهراً به این دلیل در این جا گنجانده شده که فعل «تعلق داشتن» در آن به کار رفته، فعلی که حقوق برگزار کننده مراسم را تعیین می کند.

X در موقع قربانی سوختنی (ر.ک. ۱:۱۰-۱۳) حیوان پوست کنی شده می سوزانند و پوستش به کاهن داده می شد. اما در موقع قربانی گناه (۴:۱۱، ۲۱) یا نوعهای دیگر قربانی (۱۶:۲۷؛ ۸:۱۷؛ ۹:۱۱؛ ۱۹:۵) پوست بیرون از لشکرگاه می سوزانند. Y تحت اللفظی: «هر یک مانند برادرش»

Z قربانی «ستایش» گویا قربانی آرامشی بوده که به مناسبت مراسمی خاص تقدیم می شده (ر.ک. اعد ۱۵:۳). این احتمالاً کامل ترین تبلور قربانی اسرائیلیان می باشد؛ ذبح حیوان قربانی (ر.ک. مز ۵۰:۱۴، ۲۳؛ ۵۶:۱۳) همراه بود با «ستایش» یعنی اقرار به اعمال عظیم خدا به شکل شکرگزاری (برای مثال، ر.ک. مز ۱۰۵؛ ۱۰۶؛ ۱۰۷). نام های قربانی های «نذری» و «داوطلبانه» بیشتر به انگیزه قربانی ها اشاره دارد تا به دسته های خاصی از قربانی آرامش. چنان که از اسامی آنها پیدا است، اولی به منظور تحقق نذری صورت می گیرد، و دومی بدون ارتباط با هیچ دستور العمل یا وعده ای.

b ممنوعیت خوردن گوشت پاک یک قربانی می تواند دو علت داشته باشد: یکی می تواند وضعیت خود گوشت باشد (گوشت ضایع شده، آیات ۱۷-۱۹ a) و دیگری، حالت ناپاکی مصرف کننده (آیات b۱۹-۲۱). لذا «گوشت دیگر» مذکور در b۱۹ به آیه ۱۵ باز می گردد و اشاره دارد به گوشتی که مخصوص قربانی و خوردن می باشد.

باشد خواه حیوان.<sup>۲۷</sup> هر شخصی که هر نوع خونی بخورد، این شخص از میان خویشانش منقطع خواهد شد.

<sup>۲۸</sup> یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت: <sup>۲۹</sup> با بنی اسرائیل به این مضمون سخن بگو: آن کس که قربانی آرامش را به یهوه تقدیم می‌دارد، برای هدیه اش به یهوه، [سهمی] از قربانی آرامش را خواهد آورد.<sup>d</sup> <sup>۳۰</sup> دست‌های خودش آنچه را که باید با آتش به یهوه تقدیم شود خواهد آورد؛ پیه را با سینه خواهد آورد، سینه را برای اینکه تکان دادن<sup>e</sup> در حضور یهوه انجام شود. <sup>۳۱</sup> کاهن پیه را بر قربانگاه خواهد سوزاند، و سینه برای هارون و پسرانش خواهد بود. <sup>۳۲</sup> ران راست را همچون پیش برداشت<sup>f</sup> از قربانی‌های آرامستان به کاهن خواهید داد. <sup>۳۳</sup> آن کس از پسران هارون که خون و پیه قربانی‌های آرامش را تقدیم کرده باشد، ران راست را همچون سهم خود خواهد داشت. <sup>۳۴</sup> زیرا این سینه تکان داده شده و این ران پیش برداشت شده را از قربانی‌های آرامش بنی اسرائیل می‌گیرم و آنها را به هارون کاهن، و به پسرانش می‌دهم: این دینی است تث: ۱۸:۳ و دائمی از سوی بنی اسرائیل».

از آن بخورد.<sup>۲۰</sup> اما شخصی که گوشت قربانی آرامش را که به یهوه تقدیم شده بخورد، حال آنکه در حالت ناپاکی باشد، این شخص از میان خویشانش منقطع خواهد شد.<sup>۲۱</sup> و شخصی که هر آنچه را که ناپاک باشد لمس کرده باشد - ناپاکی انسان، ناپاکی حیوان ناپاک، هر آلودگی ناپاک - و از گوشت قربانی آرامش که به یهوه تقدیم شده بخورد، این شخص از میان خویشانش منقطع خواهد شد.

## ۷. دستور العمل‌های آیینی کلی برای قوم

<sup>۲۲</sup> یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت: <sup>۲۳</sup> با بنی اسرائیل به این مضمون سخن بگو: هیچ پیه گاو و بره و بز نخواهید خورد. <sup>۲۴</sup> پیه حیوانی مرده و پیه حیوانی دریده شده می‌تواند برای هر کاربردی به کار آید، اما نمی‌توانید آن را بخورید. <sup>۲۵</sup> فی الواقع هر که پیه حیوانی را بخورد که از آن قربانی‌ای آتشین برای یهوه تقدیم می‌کنند، شخصی که بخورد از میان خویشانش منقطع خواهد شد. <sup>۲۶</sup> در تمام مکان‌هایی که در آن سکونت گزینید، هیچ نوع خون نخواهید خورد، خواه خون پرنده

۸:۲۲؛ ۱۵:۱۷  
خروج ۳۰:۲۲  
تث: ۱۴:۱۴  
حزق ۱۴:۴

۱۷:۳  
۱۰:۱۷-۱۴  
۲۶:۱۹  
پید: ۹:۴  
تث: ۱۲:۱۶، ۲۳:۱۵

c «منقطع شدن از خویشان» قاعداً به معنی اعدام نیست (اعدامی که با حکم «کشته خواهد شد» مشخص شده، ر.ک. (۲:۲۰) در اصل، این اصطلاح می‌توانسته به اخراج شخص خطاکار از جامعه قبیله‌ای خود اشاره داشته باشد؛ بعدها، گویا دلالت داشته به اخراج از جامعه مذهبی. به هر حال، شخص خطاکار از روابط حیاتی‌اش با جامعه بشری محروم می‌شده و به دست‌های خدا سپرده می‌شده و خدا مطابق عدالتش با او رفتار می‌کرده است (ر.ک. (۶:۲۰).

d احتمالاً منظور چنین چیزی است: «آن کس که قربانی آرامش خود را به یهوه تقدیم می‌دارد، سهمی را که باید به او تقدیم دارد، برای او خواهد آورد».

e فعل عبری که برای «تکان دادن» به کار برده شده، به معنی جلو بردن و بعد عقب کشیدن است. آیین «تکان دادن» نشانه این است که شیء به خدا تقدیم می‌شود و او آن را به کاهن باز می‌گرداند چرا که کاهن نماینده او در میان قوم است.

f ران راست «پیش برداشتی» است برای برگزار کننده آیین (آیینی که در توضیح قبلی به آن اشاره شد). این قسمت از بدن حیوان نه فقط بهترین قسمت است، بلکه به آلات تناسلی نیز نزدیک است یعنی به راز حیات.

<sup>۳۷</sup>قربانی سوختنی، هدیه آردی، قربانی گناه، قربانی جبران، قربانی انتصاب، و قربانی آرامش.<sup>۳۸</sup> این است آنچه یهوه به موسی بر کوه سینا امر کرد، آن روز که به بنی اسرائیل امر کرد که هدایای خود را به یهوه در بیابان سینا تقدیم کنند.

<sup>۳۵</sup>چنین بود سهم هارون و سهم پسرانش از قربانی های آتشین برای یهوه، در آن روز که آنان را برای انجام کهنانت در حضور یهوه آوردند.<sup>۳۶</sup> این است آنچه یهوه به بنی اسرائیل امر کرده تا به ایشان بدهند، آن روز که ایشان را مسح کرد: این نهادی است دائمی برای تمامی نسل هایشان.<sup>۳۹</sup>

## ۲. روایت انتصاب نخستین کاهنان<sup>h</sup>

اوریم و توّمیم را در سینه بند قرار داد. دستار را بر سر وی گذارد و گل طلا،<sup>۱</sup> (یعنی) نیم تاج مقدس را بر جلو دستار گذاشت مطابق آنچه که یهوه به موسی امر کرده بود.

<sup>۱۰</sup>موسی روغن مسح را گرفت و مسکن و خروج ۳۰:۲۲-۳۳ هر آنچه را که در آن یافت می شد مسح کرد و آنها را تقدیس نمود.<sup>۱۱</sup> او از آن، هفت بار بر قربانگاه پاشید و قربانگاه و همه متعلقاتش را مسح کرد، حوضچه و پایه اش را، تا آنها را تقدیس کند.<sup>۱۲</sup> او از روغن مسیح بر سر هارون ریخت و او را برای تقدیس کردن مسح نمود.<sup>۱۳</sup> موسی پسران هارون را نزدیک آورد و ایشان را به پیراهن ها پوشانید و کمر ایشان را با کمربندی بست و کلاه هایی را برای ایشان گره زد، مطابق آنچه که یهوه به موسی امر کرده بود.

### ۱. تقدیس هارون و پسرانش

<sup>۱</sup>یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت: <sup>۲</sup>«هارون و پسرانش را با وی بگیر، و نیز جامه ها و روغن مسح، گاو نر قربانی گناه، دو قوچ و سید فطیر را.<sup>۳</sup> سپس، تمامی جماعت را در ورودی خیمه ملاقات گرد آور.»

<sup>۴</sup>موسی مطابق آنچه که یهوه به او امر کرده بود به عمل آورد، و جماعت در ورودی خیمه ملاقات گرد آمدند.<sup>۵</sup> موسی به جماعت گفت: «این است چیزی که یهوه امر به انجامش فرموده است.»<sup>۶</sup> موسی هارون و پسرانش را نزدیک آورد و ایشان را با آب شست.<sup>۷</sup> او پیراهن را بر وی قرار داد و کمر او را با کمر بند بست، و او را عبا پوشانید و ایفود را بر وی قرار داد. او وی را با حمایل ایفود بست و با ایفود احاطه کرد.<sup>۸</sup> او سینه بند را بر وی گذارد و

خروج ۲۹:۱-۳۷:  
۱۵-۹:۴۰

g مقررات مذکور در فصل های ۶ و ۷، در مورد دیونی که باید به کاهنان داده شود، یادآور متون نج ۱۰ و ۱۲:۴۴ تا ۱۳:۳۱ می باشد. تاریخ نگارش آن می تواند به دوره بعد از تبعید باز گردد، دوره ای که طی آن، کاهنان با مشکلات مالی ای مواجه بودند که بازتاب آن را در ملا ۳:۷-۱۰ مشاهده می کنیم.

h. ر. ک. «مقدمه».

i در خصوص ایفود و سینه بند و اوریم و توّمیم و گل طلا، ر. ک. توضیحات خروج ۲۸:۶، ۱۵، ۳۰، ۳۶.



۲۴ او پسران هارون را نزدیک آورد، و موسی از این خون بر نرمه گوش راست ایشان، بر شست دست راست ایشان و بر شست پای راستشان مالید. موسی از این خون بر قربانگاه پاشید، دور تا دور آن. ۲۵ او پیه، دم، تمام پیهی که روی روده است، توده پیه جگر، دو قلوه و پیه آنها، و نیز ران راست را گرفت. ۲۶ از سبد فطیر که در حضور یهوه است، شیرینی فطیر، شیرینی نان روغنی و کلوجه ای گرفت و آنها را روی پیه ها و روی ران راست گذارد. ۲۷ او تمام اینها را روی کف دست هارون و روی کف دست پسرانش قرار داد و تکان دادن را در حضور یهوه به جا آورد. ۲۸ موسی آنها را از روی کف دست ایشان گرفت و آنها را بر قربانگاه سوزانید، روی قربانی سوختنی. این قربانی انتصاب با عطر آرام بخش بود، قربانی آتشین برای یهوه. ۲۹ موسی سینه را گرفت و در حضور یهوه تکان دادن را به جا آورد. از قوچ انتصاب، این سهم موسی بود، مطابق آنچه که یهوه به موسی امر کرده بود. ۳۰ موسی از روغن مسح و از خونی که بر قربانگاه بود گرفت، و از آن بر هارون، بر جامه هایش، بر پسرانش و بر جامه های پسرانش با وی، پاشید؛ بدینسان او هارون و جامه هایش و پسرانش و جامه های پسرانش را با وی تقدیس کرد. ۳۱ موسی به هارون و به پسرانش گفت: «گوشت را در ورودی خیمه ملاقات ببزید، و آن را در آنجا خواهید خورد، و نیز نانی را که در سبد انتصاب هست، مطابق آنچه که

۱۴ او گاو نر قربانی گناه را جلو آورد. هارون و پسرانش دست های خود را بر سر گاو نر قربانی گناه تکیه دادند. ۱۵ موسی آن را ذبح کرد و خون را گرفت و از آن بر شاخ های قربانگاه مالید، دور تا دور آن، با انگشتش، و قربانگاه را از گناه زدود. خون را بر بنیاد قربانگاه ریخت و با انجام کفاره برای آن، آن را تقدیس نمود. ۱۶ او تمام پیهی را که بر روی روده بود، و توده پیه جگر را، دو قلوه و پیه آنها را گرفت و موسی آنها را بر قربانگاه سوزانید. ۱۷ اما گاو نر، پوستش، گوشتش و تپاله اش را بیرون از اردوگاه به آتش سوزانید، مطابق آنچه که یهوه به موسی امر کرده بود. ۱۸ او قوچ قربانی سوختنی را نزدیک آورد. هارون و پسرانش دست های خود را بر سر قوچ تکیه دادند. ۱۹ موسی آن را ذبح کرد و بر قربانگاه خون پاشید، دور تا دور آن. ۲۰ سپس قوچ را به قطعات تکه کرد، و موسی سر و قطعات و دل و جگر و قلوه را سوزانید. ۲۱ و روده و ران ها را با آب شست، و موسی تمام قوچ را بر قربانگاه سوزانید. این قربانی سوختنی با عطر آرام بخش بود، این قربانی آتشین برای یهوه بود، مطابق آنچه که یهوه به موسی امر کرده بود. ۲۲ او قوچ دوم را نزدیک آورد، قوچ انتصاب را. هارون و پسرانش دست های خود را بر سر قوچ دادند. ۲۳ موسی آن را ذبح کرد و از خونش گرفت و آن را به نرمه گوش راست هارون، بر شست دست راستش و بر شست پای راستش مالید.

حزق ۴۳:۲۰-۲۲

از این قربانی نخستین قربانی ای است که بر قربانگاه تقدیم می شود (ر.ک. توضیح ۱:۹)؛ لذا قربانگاه باید ابتدا از خصوصیت غیر مذهبی اش (گناهش) زدوده شود؛ برای این کار، آیین کفاره و تقدیس ضرورت داشت.

ببین، [هر دو] بی عیب، و آنها را به حضور یهوه تقدیم کن.<sup>۳</sup> و با بنی اسرائیل به این مضمون سخن خواهی گفت: بزنی برای قربانی گناه بگیرید، یک گوساله یک ساله و یک بره یک ساله<sup>n</sup>، بی عیب، برای قربانی سوختنی،<sup>۴</sup> یک گاو نر و یک قوچ برای قربانی آرامش تا در حضور یهوه قربانی شوند، و هدیه ای آردی سرشته شده به روغن؛ زیرا امروز یهوه بر شما ظاهر خواهد شد.»

<sup>۵</sup>ایشان آنچه را که موسی امر کرده بود تا در مقابل خیمه ملاقات [بیاورند] گرفتند، سپس تمام جماعت نزدیک آمدند و در حضور یهوه ایستادند.<sup>۶</sup> موسی گفت: «این است چیزی که یهوه به شما امر کرده است؛ آن را انجام خواهید داد تا جلال<sup>o</sup> یهوه بر شما ظاهر شود»<sup>۷</sup> موسی به هارون گفت: «به قربانگاه نزدیک شو، و قربانی گناه<sup>عبر ۲۷:۷</sup> خود و قربانی سوختنی خود را انجام بده، و کفاره را برای خود و برای خاندانت<sup>p</sup> اجرا کن؛ سپس هدیه قوم را به عمل آور و برای ایشان کفاره را انجام بده، مطابق آنچه که یهوه امر کرده است.»

به این مضمون امر کردم: هارون و پسرانش این را خواهند خورد.<sup>۳۲</sup> آنچه که از گوشت و از نان باقی بماند، آن را به آتش خواهید سوزانید.<sup>۳۳</sup> از ورودی خیمه ملاقات هفت روز حرکت نخواهید کرد، تا روزی که روزهای انتصابتان تکمیل شود، زیرا شما را به مدت هفت روز منصوب خواهند کرد<sup>k</sup>.<sup>۳۴</sup> آنچه امروز انجام دادند، یهوه امر به انجامش فرمود، تا برای شما کفاره حاصل شود.<sup>۳۵</sup> روز و شب در ورودی خیمه ملاقات خواهید ماند، به مدت هفت روز، و حکم یهوه را اجرا خواهید کرد، تا نمیرید: من همین امر را دریافت داشتم».<sup>۳۶</sup> هارون و پسرانش همه چیزهایی را که یهوه به واسطه خدمت موسی امر کرده بود، به جا آوردند.

## ۲. نخستین قربانی های تقدیمی از سوی کاهنان<sup>۱</sup>

۹ پس در روز هشتم<sup>m</sup>، موسی هارون و پسرانش را فرا خواند، و نیز مشایخ اسرائیل را،<sup>۲</sup> و به هارون گفت: «برای خود گوساله ای جوان برای قربانی گناه و قوچی برای قربانی سوختنی تدارک

k تحت اللفظی: «دست هایتان را پر خواهند ساخت»، این کار نشانه انتصاب بود. ر.ک. داور ۱۷:۵-۱۲. l مطابق سنت «کهناتی» به غیر از قربانی های لازم برای انتصاب هارون و پسرانش که به دست موسی به انجام رسید (فصل ۸)، هیچ قربانی ای پیش از این زمان تقدیم نشده بوده. روایات قربانی هایی که نوح (پید ۸:۲۰-۲۱) و ابراهیم (پید ۱۲:۷-۱۳:۲۲) تقدیم کردند، متعلق به سنت های دیگری است.

m این هشت روز، مراسمی واحد را تشکیل می دهند: هفت روز اول چیزی جز آمادگی برای روز هشتم نیست که طی آن، کاهنانی که به تازگی تقدیس شده اند، برای نخستین بار کهنات خود را به عمل می آورند، و این کار در تمامیتش انجام می دهند، یعنی اینکه در مراسمی واحد، هر چهار نوع قربانی اصلی را تقدیم می دارند.

n ر.ک. توضیح خروج ۱۲:۵.

o آیه ۴ درباره ظهور خود خداوند سخن می گوید. «جلال» نشانه دیدنی از حضور خدایی است که نمی توان او را دید و زنده ماند (ر.ک. داور ۱۳:۲۲). توجه کنید که حضور نزدیک الهی با چه حکمت و ترتیب موزونی بیشتر می شود: در خروج ۱۰:۱۶، «جلال یهوه» در دوردست ها در ابر ظاهر می شود؛ در خروج ۱۶:۲۴، این جلال بر کوه سینا استقرار می یابد و موسی به آن داخل می شود؛ در خروج ۳۴:۴۰-۳۸، مسکن را بر می سازد؛ و در لاو ۹:۶، ۲۳، از نزدیک بر تمام قوم ظاهر می شود. p قرائت عبری می گوید: «برای قومت» ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی که احتمالاً متن بهتری را حفظ کرده است.

خود را با آن پر کرد، سپس آن را بر قربانگاه سوزانید، علاوه بر قربانی سوختنی صبح.

<sup>۱۸</sup> او گاو نر و قوچ را همچون قربانی آرامش برای قوم ذبح کرد؛ پسران هارون خون را به او تحویل دادند، و او از آن بر قربانگاه پاشید، دور تا دور آن. <sup>۱۹</sup> پیه های گاو نر و قوچ، دم، [پیهی] که می پوشانند<sup>۱۹</sup>، قلوها و توده پیه جگر، <sup>۲۰</sup> این پیه ها را بر روی سینه قرار دادند، و او پیه ها را بر قربانگاه سوزانید. <sup>۲۱</sup> و اما سینه ها و ران راست، هارون با آنها تکان دادن را در حضور یهوه به جا آورد، مطابق آنچه که یهوه به موسی امر کرده بود.

<sup>۲۲</sup> هارون دست های خود را به سوی قوم بلند کرد و ایشان را برکت داد؛ سپس، بعد از آنکه قربانی گناه، قربانی سوختنی و قربانی آرامش را انجام داد، پایین آمد. <sup>۲۳</sup> موسی و هارون داخل خیمه ملاقات شدند و چون بیرون آمدند، قوم را برکت دادند. جلال یهوه بر تمام قوم ظاهر شد؛ <sup>۲۴</sup> آتشی از حضور یهوه بیرون آمد و قربانی سوختنی و پیه ها را بر قربانگاه بلعید<sup>s</sup>. با دیدن این، تمام قوم فریادهای شادی بر آوردند<sup>t</sup>، و به روی صورت خود افتادند.

<sup>۸</sup> هارون به قربانگاه نزدیک شد و گوساله قربانی برای گناه خودش را ذبح کرد. <sup>۹</sup> پسران هارون خون را برای او آوردند، او انگشت خود را در خون تر کرد و از آن به شاخ های قربانگاه مالید، سپس خون را بر بنیاد قربانگاه ریخت. <sup>۱۰</sup> پیه، قلوها، توده پیهی که از جگر حیوان قربانی گناه بر کشیده شده بود، و آنها را بر قربانگاه سوزانید، مطابق آنچه یهوه به موسی امر کرده بود. <sup>۱۱</sup> گوشت و پوست را بیرون از اردوگاه به آتش سوزانید.

<sup>۱۲</sup> او قربانی سوختنی را ذبح کرد و پسران هارون، خون را به او تحویل دادند و او آن را بر قربانگاه پاشید، دور تا دور آن. <sup>۱۳</sup> ایشان قربانی سوختنی قطعه شده را نیز به او تحویل دادند، همچنین سر را، و او آنها را بر قربانگاه سوزانید. <sup>۱۴</sup> او روده و ران ها را شست و آنها را روی قربانی سوختنی، بر قربانگاه، سوزانید.

<sup>۱۵</sup> او هدیه قوم را تقدیم نمود: بز قربانی گناه قوم را گرفت، آن را ذبح کرد و با آن قربانی گناه را انجام داد، مانند [حیوان قربانی] اول. <sup>۱۶</sup> او قربانی سوختنی را تقدیم کرد و آن را مطابق قاعده انجام داد. <sup>۱۷</sup> او هدیه آردی را تقدیم کرد و کف دست

q ترجمه ما قرائت تحت اللفظی را ارائه می دهد. احتمالاً منظور پیهی است که احشاء را می پوشاند.  
r فرمول هایی برای برکت دادن قوم، در کتاب مقدس حفظ شده است؛ برای مثال، ر. ک. اعد ۶:۲۴-۲۶؛ ۱-۸:۵۶-۵۸؛ مز ۱۳۴:۳؛ بنسی ۵۰:۲۳-۲۴.

s وقتی گفته می شود که آتشی که قربانی سوختنی را می سوزاند، مستقیماً از طرف خدا می آید (نیز ر. ک. قربانی های پید ۱۵:۱۷؛ داور ۶:۲۱؛ ۱-پاد ۱۸:۳۸؛ ۱-توا ۲۱:۲۶)، یعنی اینکه قربانی مقبول واقع شده و مقصود خود را عملی ساخته است. اگر نخستین قربانی ای که هارون پس از استقرار پرستشگاه و نظام کهنات تقدیم کرده به این شکل مقبول افتاده باشد، تمامی قربانی هایی که بر پایه همین امر تقدیم می شوند، به نوعی مشروعیت می یابند.

t قوم با دیدن و فریاد بر آوردن و سجده کردن، در این مراسم الهی شراکت می کنند. اما با اینکه در این فصل به «قربانی آرامش» اشاره رفته (آیات ۴، ۱۸، ۲۲)، ذکری از شرکت قوم در ضیافتی گروهی به میان نیامده است (ر. ک. به خلاف این امر در خروج ۱۸:۱۲؛ ۱۱:۲۴). علت این امر، گرایش کتاب لاویان به برتر شمردن قربانی سوختنی نسبت به قربانی آرامش است. فریادهای شادمانی قوم فریادهایی فاقد نظم و ترتیب نبود، بلکه هلهله ای آیینی بود (مثلاً ر. ک. مز ۹۵:۱).

### ۳. قواعد مربوط به سوگواری، نوشیدنی های تخمیر شده و خوردن قربانی ها

۱۰ ناداب و ابیهو، پسران هارون، هر یک آتشدان های خود را گرفتند و

اعد ۱۷:۲۰

در آن آتش نهادند و بر روی آن بخور قرار دادند، و آتشی نامقدس به حضور یهوه تقدیم کردند که به ایشان امر فرموده بود<sup>۱</sup>.

اعد ۱۶:۳۵؛  
یا ۱۰:۱۴-۱۰

آتشی از حضور یهوه بیرون آمد و ایشان را درید، و ایشان در حضور یهوه مردند.

۳ موسی به هارون گفت: «این همان است که یهوه به این مضمون فرموده است:

در آنانی که به من تقرب می جویند، خود را مقدس نشان خواهم داد،

و در برابر تمام قوم جلال خواهم یافت.»  
هارون خاموش ماند<sup>۷</sup>.

۴ موسی، میشائیل و الصافان، پسران عوزیئیل، عموی هارون را فرا خواند و به

ایشان گفت: «نزدیک آیید و برادران خود را از مقابل [مکان] مقدس به بیرون

اردوگاه ببرید». ۵ ایشان نزدیک آمدند و ایشان را در پیراهن هایشان به بیرون

اردوگاه بردند، مطابق آنچه موسی گفته بود.

۶ موسی به هارون و به پسرانش، العازار و ایتامار گفت: «موهای خود را باز منماید

حزق ۴۴:۲۰

و جامه های خود را پاره نکنید، تا نمیرید و

تا او بر تمام جماعت به خشم نیاید. بر

توا ۲۴:۱۸؛

۱۵:۲۵؛

۱۱:۲۸؛

نخ ۱۳:۱۸

برادران شما و بر تمام خاندان اسرائیل است که بر آنانی که یهوه سوزانده گریه

کنند<sup>۷</sup>. ۷ از ورودی خیمه ملاقات بیرون مروید مبدا که بمیرید؛ زیرا روغن مسح

۱:۳۶-۱:۸

یهوه بر شما است». ایشان مطابق سخن موسی عمل کردند.

۸ یهوه به این مضمون با هارون سخن گفت: ۹ «چون داخل خیمه ملاقات شوید،

نه شراب خواهی نوشید و نه نوشیدنی سکرآور، نه تو و نه پسرانت با تو، مبدا که

اش ۲۸:۷؛

حزق ۴۴:۲۱

بمیرید. این نهادی است ابدی برای تمامی نسل های شما - ۱۰ و تا میان مقدس و

حزق ۴۴:۲۳

نامقدس تشخیص قائل شوید، میان ناپاک و پاک، ۱۱ و تا تمامی اوامری را که یهوه به

واسطه خدمت موسی مقرر کرده، به بنی اسرائیل تعلیم دهید».

۱۲ موسی با هارون و العازار و ایتامار، پسرانی که برای او باقی مانده بودند سخن

۱۶-۱۲:۶

گفت: «هدیه آردی را که از قربانی های آتشین برای یهوه باقی مانده بگیری، و آن

را به شکل فطیر در کنار قربانگاه بخورید، زیرا این چیزی است بسیار مقدس. ۱۳ آن را

در مکانی مقدس خواهید خورد، زیرا این ۱۰، ۳:۲

دین تو و دین پسرانت از قربانی های آتشین

u آگاهی از اینکه هدیه ناداب و ابیهو در چه امری ناسازگار بود چندان مهم نیست؛ هدف حکایت کوتاه مذکور در آیات ۱-۵ این

است که قانون سوگواری کاهنان را مطرح سازد (آیات ۶-۷) به حکایتی مشابه در ۲۴:۱۰-۲۳ توجه کنید.

v ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های قدیمی، تارگوم ها و تفسیرهای کهن. قرائت عبری: «هارون نوحه ای سرداد» وانگهی نباید فراموش کرد که موسی در اینجا دستوراتی می دهد تا آیین های سوگواری انجام نشود. لذا تردید میان این دو قرائت مجاز است، چرا که در عبری افعال «خاموش ماندن» و «نوحه گری کردن» هم آوا می باشند.

w باز کردن گره موها (با تراشیدن موها، کاری که بیشتر صورت می گرفت، ر.ک. ایوب ۱:۲۰)، و پاره کردن جامه (پید ۳۷:۳۴)، و مرثیه خواندن (پید ۲۳:۲)، تجلیات سنتی و مشروع سوگواری بود (اما مجروح کردن بدن به طور مطلق از سوی سنت «کهانتی» منع شده بود؛ لاو ۱۹:۲۸). انجام این رسوم برای کاهنان مجاز نبود، زیرا ایشان در مقام نمایندگان خدای زنده و مقدس، نمی توانستند با مرگ و هر چیز ناپاک ناشی از آن، ارتباط داشته باشند.

پسرانی که برای هارون باقی مانده بودند، خشم گرفت،<sup>۱۷</sup> و گفت: «چرا حیوان قربانی گناه را در مکان مقدس نخورید؟!» زیرا این چیزی است بسیار مقدس، و او آن را به شما داده تا خطای جماعت را بردارید، تا برای ایشان در حضور یهوه کفاره را انجام دهید.<sup>۱۸</sup> اینک خون [حیوان قربانی] به داخل [مکان] مقدس برده نشده، حال آنکه می بایست آن را در [مکان] مقدس می خوردید، مطابق آنچه امر کردم»<sup>۱۹</sup> هارون با موسی سخن گفت: «اینک امروز ایشان قربانی گناه و قربانی سوختنی خود را به حضور یهوه تقدیم کرده اند. اما بعد از آنچه برای من رخ داد، اگر امروز حیوان قربانی گناه را خورده بودم، آیا این در نظر یهوه نیکو می بود؟»<sup>۲۰</sup> موسی شنید، و این در نظرش نیکو بود.

برای یهوه است: امر را این چنین دریافت داشته ام.

<sup>۱۴</sup> اما درباره سینه مخصوص تکان دادن و ران پیش برداشت، آنها را در مکانی پاک<sup>x</sup> خواهید خورد، تو و پسرانت و دخترانت با تو، زیرا آنها همچون دین تو و دین پسرانت از قربانی های آرامش بنی اسرائیل داده شده اند.<sup>۱۵</sup> ران پیش برداشت و سینه مخصوص تکان دادن را علاوه بر پیه های قربانی های آتشین خواهند آورد تا تکان دادن را در حضور یهوه به عمل آورید، و آنها به تو و به پسرانت با تو تعلق خواهند داشت، همچون دینی دائمی مطابق آنچه یهوه امر فرموده است.»

<sup>۱۶</sup> موسی در خصوص بز تقدیمی برای قربانی گناه جویا شد، و اینک آن را سوزانده بودند! او بر العازار و بر ایتامار،

۳۴-۳۰:۷

### ۳) دستور العمل های مربوط به پاك و ناپاك<sup>a</sup>

این است حیواناتی که می توانید از میان تمامی حیواناتی که روی زمین هستند بخورید.<sup>۳</sup> هر چه که از میان حیوانات، سم منشعب و شکافته به دو ناخن دارد<sup>c</sup>، و

#### ۱. حیوانات پاك و ناپاك<sup>b</sup>

یهوه به این مضمون با موسی و هارون سخن گفت:<sup>۲</sup> «با بنی اسرائیل به این مضمون سخن بگویید:

تث ۱۴:۳-۲۰:  
مر ۷:۱۹:  
اع ۱۰:۹-۱۶:

<sup>x</sup> مکان «پاک» مذکور در آیه ۱۴ را نباید با مکان «مقدس» مذکور در آیه ۱۳ اشتباه کرد: مکان مقدس همانا صحن خیمه بود (۹:۶، ۱۹).

<sup>y</sup> لاو ۱۸:۶-۲۲ تجویز کرده که کاهنان گوشت قربانی گناه را بخورند.

<sup>z</sup> متن مبهم است و ترجمه آن فاقد قطعیت می باشد.

<sup>a</sup> در فصل های ۱۱-۱۶ مقررات سنتی اسرائیلیان در خصوص «پاک» و «ناپاک» گرد آورده شده، به همان شکل که برای مثال در تث ۱۴ می بینیم. در خصوص مقوله ناپاکی، ر.ک. «مقدمه».

<sup>b</sup> اگر خوردن برخی از حیوانات منع شده، به دلایل زیبایی شناختی یا بهداشتی نیست، و نه به این دلیل که به مذاهب بت پرستی مرتبط بوده اند. احتمالاً دلیلش این است که در گذشته ای دور، این حیوانات به طور نمادین به قدرت های تهدید کننده مرتبط می شده اند، که بعدها دلایل آن ناشناخته باقی مانده است. در سده های نخست مسیحیت، تفسیر به روش تمثیلی (رساله آریسته، فیلون، اورجن) کوشیده دلیلی اخلاقی برای این ممنوعیت ها قائل شود: برای مثال، حیوانات درنده حرام شده اند تا انسان بدانند که باید از خشونت بپرهیزد و نظایر این ترجمه نام های برخی از حیوانات حالتی فرضی دارد.

<sup>c</sup> تحت اللفظی: «که دارای سم هستند و سمشان شکاف دارد».

لاشه‌شان را نجس خواهید شمرد.<sup>۱۲</sup> هر چه که در آب بال و فلس ندارد، برای شما چیزی است نجس.

<sup>۱۳</sup> این است آنچه که از بپرندگان، نجس خواهید شمرد: آنها را نخواهند خورد، این چیزی است نجس: عقاب، کرکس، استخوان خوار،<sup>۱۴</sup> لاشخور و انواع مختلف لاشخورها،<sup>۱۵</sup> همه انواع کلاغ‌ها،<sup>۱۶</sup> شتر مرغ، مرغ حق، مرغ نوروزی، انواع مختلف شاهین،<sup>۱۷</sup> جغد، مرغ ماهی خوار، بوتیمار،<sup>۱۸</sup> غاز<sup>h</sup>، مرغ سقا<sup>۱۹</sup>، رخ،<sup>۹</sup> لملق، انواع مختلف گلنگ، هدهد و خفاش.

<sup>۲۰</sup> همه حشرات بالدار که روی چهار [پا] راه می‌روند، برای شما چیز نجس می‌باشند.<sup>۲۱</sup> از تمام حشرات بالدار که روی چهار [پا] راه می‌روند، فقط این است آنهایی که می‌توانید بخورید: آنهایی که بالای پاهایشان، ساق پا برای پریدن روی زمین دارند.<sup>۲۲</sup> این است آنچه که از میان آنها می‌توانید بخورید: انواع مختلف ملخ «اربه» انواع مختلف ملخ «سولثام» انواع مختلف ملخ «هرگل» انواع مختلف ملخ «هگب»<sup>۲۳</sup>. اما هر حشره بالدار دیگر چهار پا برای شما چیزی نجس است.

نشخوار می‌کند، می‌توانید آن را بخورید.<sup>۴</sup> فقط این است آنهایی که نخواهید خورد، از میان آنهایی که نشخوار می‌کنند یا سم منشعب دارند؛ شتر که نشخوار می‌کند اما سمش منشعب نیست: آن برای شما ناپاک است؛<sup>۵</sup> و نک<sup>d</sup> که نشخوار می‌کند اما سمش منشعب نیست: آن برای شما ناپاک است؛<sup>۶</sup> خرگوش صحرایی که نشخوار می‌کند<sup>e</sup> اما سمش منشعب نیست: آن برای شما ناپاک است؛<sup>۷</sup> خوک که سمش منشعب است و سمش به دو ناخن شکافته است، اما نشخوار نمی‌کند: آن برای شما ناپاک است.<sup>۸</sup> از گوشت آنها نخواهید خورد و لاشه آنها را لمس نخواهید کرد: آنها برای شما ناپاک هستند.

<sup>۹</sup> از میان تمام آنچه که در آب‌ها است، این است آنچه می‌توانید بخورید؛ هر چه که در آب‌ها - دریا یا رودخانه - بال و فلس دارد، می‌توانید آن را بخورید.<sup>۱۰</sup> اما هر آنچه که در دریا یا در رودخانه بال و فلس ندارد، از میان هر آنچه که در آب‌ها تکثیر می‌شود و تمام موجودات زنده‌ای که در آنها یافت می‌شود<sup>f</sup>، برای شما چیزی نجس می‌باشد.<sup>۱۱</sup> آنها برای شما چیزی نجس خواهند بود: از گوشتشان نخواهید خورد و

۴۳:۱۱

d حیوانی با پوست کلفت به اندازه خرگوش که در آفریقای شمالی و در خاور نزدیک، به صورت گروهی در صخره‌ها زندگی می‌کنند.

e حرکات لب‌های خرگوش صحرایی باعث شده که آن را جزو نشخوارکنندگان به شمار آورند.

f در عبری، منظور از «هر آنچه که در آب‌ها تکثیر می‌شود» احتمالاً آبزیانی است که در گروه‌های غیرقابل شمارش زندگی می‌کنند، و «تمام موجودات زنده‌ای که در آنها یافت می‌شود» آبزیانی است که می‌تواند تک تک شمرد.

h ترجمه یونانی این موجود را نوعی مرغ تلقی کرده، و ترجمه وولگات، «فو».

i به طور سنتی، تصور می‌شود که منظور «پلیکان» باشد؛ اما مطابق اش ۱۱:۳۴ و صف ۱۴:۲، این پرنده در ویرانه‌ها ساکن است، و مطابق مز ۷:۱۰۲، در بیابان.

j متن عبری از چهار نوع ملخ نام می‌برد که برای ما ناشناخته است و ما اسامی عبری آنها را در ایجاد آوانویسی کرده‌ایم. اما این چهار نوع ملخ با آنچه که در یول ۱-۲ آمده متفاوت است.

را خیس خواهند کرد و تا شامگاه ناپاک خواهند بود، سپس پاک خواهد بود.<sup>۳۳</sup> اگر یکی از میان آنها به داخل ظرفی گلی بیفتد، هر آنچه در آن یافت می شود، ناپاک خواهد بود و [ظرف را] خواهید شکست.<sup>۳۴</sup> هر خوراکی که می خورند، اگر آب [این ظرف] بر آن بیاید، ناپاک خواهد بود؛ هر نوشیدنی که نوشیده می شود، ظرف آن هر چه باشد، ناپاک خواهد بود.<sup>۳۵</sup> هر چه که بر آن چیزی از لاشه آنها بیفتد، ناپاک خواهد بود؛ تنور و کوره خراب خواهند شد: آنها ناپاک هستند و برای شما ناپاک خواهند بود.<sup>۳۶</sup> اما چشمه ها و منبع های آب که در آنها آب جمع می شود، پاک خواهند بود، اما هر که لاشه<sup>m</sup> آنها را لمس کند، ناپاک خواهد بود.<sup>۳۷</sup> اگر چیزی از لاشه آنها روی بذری بیفتد که باید کاشته شود، آن پاک است؛<sup>۳۸</sup> اما اگر بر روی بذر آب ریخته باشند<sup>n</sup>، و چیزی از لاشه آنها بر آن بیفتد، آن برای شما ناپاک خواهد بود.<sup>۳۹</sup> اگر یکی از حیواناتی که به کار خوراکتان می آید بمیرد، آن کس که لاشه شان را لمس کند، تا شامگاه ناپاک خواهد بود.<sup>۴۰</sup> آن کس که از لاشه او بخورد، جامه های خود را پاک خواهد ساخت و او تا شامگاه ناپاک خواهد بود؛ آن کس که لاشه او را حمل کند، جامه های خود را پاک خواهد ساخت، و تا شامگاه ناپاک خواهد بود.

<sup>۲۴</sup> اینها نیز شما را ناپاک خواهند ساخت - هر که لاشه آنها را لمس کند، تا شامگاه ناپاک خواهد بود،<sup>۲۵</sup> هر که چیزی از لاشه آنها را حمل کند، جامه های خود را پاک خواهد کرد و تا شامگاه ناپاک خواهد بود.<sup>۲۶</sup> هر حیوانی که سم منشعب دارد اما (سمش) به دو ناخن شکافته نیست، و نشخوار نمی کند، برای شما ناپاک است: هر که آن را لمس کند، ناپاک خواهد بود.<sup>۲۷</sup> تمام چهارپایانی که روی کف پایشان راه می روند، برای شما ناپاک هستند؛ هر که لاشه آنها را لمس کند، تا شامگاه ناپاک خواهد بود،<sup>۲۸</sup> هر که لاشه آنها را لمس کند، جامه های خود را پاک خواهد ساخت، و تا شامگاه ناپاک خواهد بود. آنها برای شما ناپاک هستند.<sup>۲۹</sup> از میان موجودات تکثیر شونده که بر روی زمین تکثیر می شوند، این است آنهايي که برای شما ناپاک هستند: موش کور<sup>k</sup>، موش، و انواع مختلف مارمولک:<sup>۳۰</sup> «اناقه»، «کوهه»، «لتعه»، «هومت» و «تنشمت». <sup>۳۱</sup> از میان تمام موجودات تکثیر شونده، اینها برای شما ناپاک هستند؛ هر که آنها را لمس کند، وقتی مرده باشند، تا شامگاه ناپاک خواهد بود.<sup>۳۲</sup> هر چه که یکی از میان آنها بر آن بیفتد، وقتی مرده باشد، ناپاک خواهد بود؛ هر وسیله چوبی، یا جامه، یا پوست، یا کیف، هر وسیله ای که به کاری می آید. آن

k ترجمه یونانی و وولگات، این را «راسو» برداشت کرده اند.  
l چشمه های آب خود به خود عامل پاک کننده هستند.  
m برای آنکه آن را از آب بیرون بکشند.  
n به منظور پختن و خوردن.

## ۲. تطهیر زنی که وضع حمل کرده<sup>۵</sup>

۱۲ سخن گفت: <sup>۲</sup> با بنی اسرائیل به این مضمون سخن بگو: چون زنی آبستن شود و پسری بزاید، او به مدت هفت روز ناپاک خواهد بود، او مانند روزهای ناپاک نجاستش، به هنگام کسالتش، ناپاک خواهد بود. <sup>۳</sup> روز هشتم، گوشت قلفه<sup>۴</sup> [کودک] را ختنه خواهند کرد، <sup>۴</sup> سپس آن زن باز سی و سه روز خواهد ماند تا خود را از خون خویش طاهر نماید<sup>۵</sup>؛ هیچ چیز مقدس را لمس نخواهد کرد و داخل پرستشگاه نخواهد شد تا اینکه روزهای طهارتش تکمیل شود.

<sup>۵</sup> اگر آنچه بزاید دختر باشد، آن زن به مدت دو هفته ناپاک خواهد بود، مانند روزهای نجاستش، سپس باز شصت و شش روز خواهد ماند تا خود را از خون خویش طاهر نماید<sup>۹</sup>.

<sup>۶</sup> و چون روزهای تطهیرش تکمیل شد، برای پسر یا دختر، برای کاهن، در ورودی خیمه ملاقات، بره‌ای خواهد آورد که در همان سال زاده شده باشد، همچون قربانی سوختنی، و کبوتری جوان یا قمری، همچون قربانی گناه. <sup>۷</sup> [کاهن] آنها را در حضور یهوه تقدیم خواهد کرد و برای او کفاره را انجام خواهد داد، و وی از چشمه خونس

<sup>۱</sup> هر موجود تکثیر شونده‌ای که روی زمین تکثیر می‌شود، نجس است: از آن نخواهند خورد. <sup>۲</sup> هر چه که بر روی شکم راه رود، هر چه که روی چهار پا یا تعداد بیشتری راه رود، خلاصه، هر موجود تکثیر شونده‌ای که بر روی زمین تکثیر می‌شود، آن را نخواهید خورد، زیرا نجس هستند.

<sup>۳</sup> خویشتن را با هر موجود تکثیر شونده‌ای که تکثیر می‌شود نجس مسازید: خود را با آنها ناپاک نخواهید ساخت: با آنها ناپاک خواهید شد.

<sup>۴</sup> زیرا منم، یهوه، که خدای شما هستم، خود را تقدیس خواهید کرد و مقدس خواهید بود، زیرا من قدوسم، و خویشتن را با هر موجود تکثیر شونده‌ای که روی زمین می‌خزد، ناپاک نخواهید ساخت. <sup>۵</sup> زیرا منم یهوه که شما را از سرزمین مصر بر آوردم تا خدای شما باشم؛ پس مقدس خواهید بود، زیرا من قدوسم.

<sup>۶</sup> این چنین است قانون مربوط به حیوانات، پرندگان، هر موجود زنده‌ای که در آب‌ها حرکت می‌کند و هر موجودی که روی زمین تکثیر می‌شود، <sup>۷</sup> تا میان ناپاک و پاک تشخیص قائل شوند، میان حیوانی که خورده می‌شود و حیوانی که خورده نمی‌شود.

۱۱:۱۱

۲:۱۹  
خروج ۲۲:۳۰  
۱ پط ۱۶:۳

۳۳:۲۲  
۳۸:۲۵  
۴۵:۲۶  
۴:۱۱ ا  
۷:۲۴

o برای درک ناپاکی ناشی از زایمان، باید به مفهوم اولیه ناپاکی توجه کرد که با مفهوم ناپاکی در مفهوم اخلاقی آن متفاوت است (ر.ک. «مقدمه») زایمان به این دلیل موجب ناپاکی است که همراه است با از دست دادن غیر ارادی خون، و این امر همواره پدیده‌ای نگران‌کننده تلقی می‌شده است. لذا برای بیان این تجدید حیات در گروه اجتماعی، تعیین آیینی خاص ضروری به نظر رسیده است.

p تحت اللفظی: «او در خون تطهیر خود خواهد ماند» یعنی منتظر می‌ماند تا از جریان خون خود طاهر شود.  
q تولد دختر معمولاً برکنی کوچکتر از تولد پسر تلقی می‌شد. لذا مدت طولانی‌تری برای تطهیر ضروری بود.



[کسی را که مبتلا به] زخم است، به مدت هفت روز توقیف خواهد کرد. <sup>۵</sup> کاهن روز اعد ۱۲:۱۴-۱۵ هفتم او را آزمایش خواهد کرد: چنانچه زخم در نظرش ساکن بیاید، اگر زخم بر روی پوست پخش نشده باشد، کاهن او را به مدت هفت روز توقیف خواهد کرد، برای بار دوم. <sup>۶</sup> کاهن او را روز هفتم آزمایش خواهد کرد، برای بار دوم: چنانچه زخم رنگ پریده شده باشد و اگر زخم بر روی پوست پخش نشده باشد، کاهن او را پاک اعلام خواهد داشت: این یک قوبا است. او جامه هایش را تمیز خواهد کرد و پاک خواهد بود.

<sup>۷</sup> اما چنانچه قوبا واقعاً روی پوست پخش شود، پس از آنکه خود را به کاهن نشان داده باشد تا پاک اعلام شود، برای بار دوم خود را به کاهن نشان خواهد داد. <sup>۸</sup> کاهن آزمایش خواهد کرد: چنانچه قوبا روی پوست پخش نشده باشد، کاهن او را ناپاک اعلام خواهد داشت: این جذام است.

<sup>۹</sup> وقتی بر شخصی زخم جذام باشد، او را نزد کاهن خواهند آورد. <sup>۱۰</sup> کاهن آزمایش خواهد کرد: چنانچه روی پوست آماسی سفید باشد که مورا سفید کند و در آماس، گوشت زنده رشد کند، <sup>۱۱</sup> این جذامی است مزمن در پوست بدنش. کاهن او را

طاهر خواهد شد. این چنین است قانون برای زنی که پسر یا دختری می‌زاید.

<sup>۱۲</sup> چنانچه چیزی نداشته باشد که رأسی از احشام کوچک برای خود تهیه کند، دو قمری یا دو کبوتر جوان <sup>۱۳</sup> خواهد گرفت، یکی همچون قربانی سوختنی و دیگری برای قربانی گناه. کاهن برای وی کفاره را انجام خواهد داد و وی پاک خواهد بود.

### ۳. جذام<sup>s</sup>

#### الف) جذام انسان

اعد ۱۰:۱۲  
تث ۸:۲۳-۹  
پا ۵:  
مز ۳۸:۱۰ یوب ۲

<sup>۱۳</sup> یهوه به این مضمون با موسی و هارون سخن گفت: <sup>۱۴</sup> وقتی شخصی روی پوست بدنش، آماس، قوبا یا لکه ای براق داشته باشد، و پوست بدنش نشانه‌هایی <sup>۱۵</sup> از زخم جذام را نمودار سازد، او را نزد هارون کاهن، یا یکی از کاهنان، (یعنی) پسرانش، خواهند آورد. <sup>۱۶</sup> کاهن زخمی را که روی پوست بدنش هست، امتحان خواهد کرد: اگر مویی که روی زخم هست سفید شده باشد و زخم عمیق‌تر از پوست بدنش باشد، این زخم جذام است. کاهن او را آزمایش خواهد کرد و او را ناپاک اعلام خواهد داشت. <sup>۱۷</sup> اگر لکه براقی که روی پوست بدنش دارد سفید باشد، اما عمیق‌تر از پوست بدنش به نظر نیاید و موی آن سفید نشده باشد، کاهن

r. ک. توضیح ۵:۷.

s «جذام» در اینجا دلالت دارد بر ناراحتی‌های مختلف پوستی، و نه فقط بر بیماری‌ای که ما امروز به این نام می‌شناسیم، این کلمه حتی به کبکی هم که می‌تواند جامه یا دیوار را بخورد، اطلاق می‌شود. سلامتی حالتی عادی است، اما جذام، مانند هر بیماری دیگری، حالتی غیر عادی است؛ با اعلام ناپاکی شخص یا شی بیمار، باید گروه را از نیروهای اسرارآمیزی که در آن عمل می‌کنند محافظت کرد. کاهن در اینجا نقش متخصص را ایفا می‌کند که وظیفه دارد تشخیص دهد که آیا ناپاکی وجود دارد یا نه.

t تحت اللفظی: «ضربه» همین کلمه دلالت دارد بر بیماری و بیمار (آیه ۴)، یا لکه روی جامه (آیه ۴۷).

رنگ پریده شده، کاهن این شخص را به مدت هفت روز توقیف خواهد کرد.<sup>۲۲</sup> اگر آن واقعاً روی پوست پخش شده باشد، کاهن او را ناپاک اعلام خواهد داشت: این زخم است.<sup>۲۳</sup> اما چنانچه لکه براق در جای خود ساکن باقی بماند بی آنکه پخش شود، این اثر زخم دمل است: کاهن او را پاک اعلام خواهد داشت.<sup>۲۴</sup>

<sup>۲۴</sup> باز موردی دیگر: وقتی شخصی روی پوستش سوختگی ای در اثر آتش داشته باشد و در جای این سوختگی، لکه ای براق و سفید متمایل به قرمز یا سفید رنگ تشکیل شود،<sup>۲۵</sup> کاهن او را آزمایش خواهد کرد: چنانچه مو در لکه براق سفید شده باشد و این لکه عمیق تر از پوست به نظر آید، این جذامی است که در سوختگی تزیید می یابد: کاهن او را ناپاک اعلام خواهد داشت: این زخم جذام است.<sup>۲۶</sup> اما چنانچه، پس از آزمایش، کاهن ببیند که در لکه براق، مویی سفید نیست و لکه براق فرو رفته تر از پوست نیست و رنگ پریده شده است، کاهن او را به مدت هفت روز توقیف خواهد کرد.<sup>۲۷</sup> روز هفتم کاهن او را آزمایش خواهد کرد. چنانچه لکه واقعاً روی پوست پخش شده باشد، کاهن او را ناپاک اعلام خواهد داشت: این زخم جذام است.<sup>۲۸</sup> اما اگر لکه براق در جای خود ساکن باقی بماند، بی آنکه روی پوست پخش شده باشد، و اگر رنگ پریده شده باشد، این آماس سوختگی است. کاهن او را پاک اعلام خواهد داشت: زیرا این اثر زخم سوختگی است.

ناپاک اعلام خواهد داشت؛ او را توقیف نخواهد کرد، زیرا ناپاک است.

<sup>۲</sup> اما چنانچه جذام واقعاً روی پوست تزیید یابد و جذام تمام پوست زخم را بپوشانید، از سر تا پا، هر جا که چشمان کاهن بنگرد،<sup>۳</sup> کاهن آزمایش خواهد کرد: اگر جذام تمام بدنش را پوشانده باشد، او [کسی را که مبتلا به] زخم است، پاک اعلام خواهد داشت: او تماماً سفید شده است: او پاک است.

<sup>۴</sup> اما روزی که بر او گوشت زنده ظاهر شود، او ناپاک خواهد بود.<sup>۵</sup> کاهن این گوشت زنده را آزمایش خواهد کرد، و او را ناپاک اعلام خواهد داشت: گوشت زنده ناپاک است؛ این جذام است.<sup>۶</sup> یا گوشت زنده تغییر یابد و سفید شود، و شخص نزد کاهن برود.<sup>۷</sup> کاهن او را آزمایش خواهد کرد: چنانچه زخم سفید شده باشد، کاهن [کسی را که مبتلا به] زخم است، پاک اعلام خواهد داشت: او پاک است.

<sup>۸</sup> وقتی شخصی بر روی پوستش، دملی داشته باشد که بهبود یافته باشد،<sup>۹</sup> و در جای این دمل، آماسی سفید یا لکه ای براق و سفید متمایل به قرمز باشد، خود را به کاهن نشان خواهد داد.<sup>۱۰</sup> کاهن آزمایش خواهد کرد: چنانچه لکه فرو رفته تر از پوست به نظر آید و مو در اثر آن سفید شده باشد، کاهن او را ناپاک اعلام خواهد داشت: این زخم جذام است که در دمل تزیید یافته است.<sup>۱۱</sup> اما چنانچه بعد از آزمایش، کاهن ببیند که در آن مویی سفید نیست، و فرو رفته تر از پوست نیست و

u در ترجمه یونانی، همان جمله اختتامیه ای برای این آیه به کار رفته در آیه ۲۰ مورد استفاده قرار گرفته است.

شفا یافته است: او پاک است، و کاهن او را پاک اعلام خواهد داشت.

<sup>۳۸</sup> وقتی مردی یا زنی روی پوست بدن خود لکه های براق داشته باشند، لکه هایی سفید، <sup>۳۹</sup> کاهن آزمایش خواهد کرد: چنانچه روی پوست بدنشان لکه های براق و سفید رنگ پریده باشد، این لکه ای است که روی پوست تراید یافته است: ایشان پاک هستند.

<sup>۴۰</sup> وقتی موی سر مردی می ریزد، این طاسی است: او پاک است. <sup>۴۱</sup> اگر موهای سر در جلو بریزد، این طاسی پیشانی است: او پاک است. <sup>۴۲</sup> چنانچه روی قسمت طاس کله یا پیشانی زخمی به رنگ سفید متمایل به قرمز باشد، این جذام است که روی قسمت طاس کله یا پیشانی تراید می یابد. <sup>۴۳</sup> کاهن او را آزمایش خواهد کرد: چنانچه آماس زخم روی قسمت طاس کله یا پیشانی به رنگ سفید متمایل به قرمز باشد، با همان جلوه جذام پوست بدن، <sup>۴۴</sup> یعنی اینکه مرد جذامی است: او ناپاک است. کاهن باید او را ناپاک اعلام دارد: زخم بر سر او است.

<sup>۴۵</sup> جذامی ای که مبتلا به این زخم است، جامه های خود را پاره خواهد کرد و موهای خود را پریشان خواهد ساخت، و سبیل خود را خواهد پوشاند و فریاد خواهد زد: «ناپاک! ناپاک!» <sup>۴۶</sup> به تعداد روزهایی که زخمش به طول بینجامد، او ناپاک خواهد بود: این یک ناپاک است: او جدا ساکن خواهد شد؛ مسکن او بیرون از اردوگاه خواهد بود.<sup>۷</sup>

اعداد ۲: ۵  
۲ یا ۱۵: ۵

<sup>۲۹</sup> وقتی مردی یا زنی زخمی بر سر یا چانه خود داشته باشد، <sup>۳۰</sup> کاهن زخم را آزمایش خواهد کرد: اگر آن عمیق تر از پوست به نظر آید و بر آن موی زرد و نازک باشد، کاهن او را ناپاک اعلام خواهد کرد: این جرب است، جذام سر یا چانه. <sup>۳۱</sup> اگر کاهن این زخم جرب را آزمایش کند و ببیند که عمیق تر از پوست به نظر نمی آید و موی سیاه نباشد، کاهن [کسی را که مبتلا به] این زخم جرب است به مدت هفت روز توقیف خواهد کرد. <sup>۳۲</sup> کاهن زخم را روز هفتم آزمایش خواهد کرد: چنانچه جرب پخش نشده باشد، اگر بر آن موی زرد یافت نشود، و جرب عمیق تر از پوست به نظر نیاید، <sup>۳۳</sup> [این مرد] موی خود را خواهد تراشید، بی آنکه قسمت جرب دار را بتراشد، و کاهن [کسی را که مبتلا به] جرب است، به مدت هفت روز، برای بار دوم توقیف خواهد کرد. <sup>۳۴</sup> کاهن جرب را روز هفتم آزمایش خواهد کرد: اگر جرب روی پوست پخش نشده باشد و عمیق تر از پوست به نظر نیاید، کاهن این شخص را پاک اعلام خواهد داشت؛ این شخص جامه های خود را تمیز خواهد کرد، و او پاک خواهد بود. <sup>۳۵</sup> اما چنانچه جرب واقعاً روی پوست پخش شده باشد، پس از آنکه پاک اعلام شده باشد، <sup>۳۶</sup> کاهن او را آزمایش خواهد کرد: چنانچه جرب روی پوست پخش شده باشد، کاهن نیازی نخواهد داشت بگردد که آیا موی زرد وجود دارد یا نه: این شخص ناپاک است. <sup>۳۷</sup> اما بر عکس، اگر در نظرش جرب ساکن مانده باشد و بر آن موی سیاه روییده باشد، جرب

۷. ر. ک. ایوب ۲: ۷-۸ بر شخص «جذامی» آیین هایی تحمیل می شود که به دیگران هشدار می دهد که خود را از شخص ناپاک دور نگاه دارند؛ در ضمن، این آیین ها به این معنی است که این شخص از دنیای عادل زندگان بیرون رانده شده است.

## ب) جذام جامه‌ها

<sup>۵۵</sup>سپس کاهن زخم را پس از آنکه تمیز شده باشد آزمایش خواهد کرد: چنانچه زخم تغییر جلوه نداده باشد و چنانچه زخم پخش نشده باشد، آن شیء ناپاک است؛ آن را به آتش خواهی سوزانید: در جایش و در پشتش<sup>X</sup> خورندگی وجود دارد.

<sup>۵۶</sup>اما چنانچه کاهن پس از آزمایش، ببیند که زخم بعد از تمیز کردن، رنگ پریده شده، آن را از جامه، یا از چرم، یا از تار، یا از پود بر خواهد کند.<sup>۵۷</sup> چنانچه روی جامه یا روی تار یا روی پود یا روی هر شیء چرمی مجدداً ظاهر شود، تراید وجود دارد؛ شیء مبتلا به زخم را با آتش خواهی سوزانید.<sup>۵۸</sup> اما جامه، یا تار، یا پود، یا هر شیء چرمی که تمیز کرده باشی و زخمش از میان رفته باشد، برای بار دوم تمیز کرده خواهد شد، و آن پاک خواهد بود.

<sup>۵۹</sup>این چنین است قانون برای زخم جذام جامه ای پشمی یا کتانی، یا تار، یا پود، یا هر شیء چرمی، وقتی که موضوع، پاک یا ناپاک اعلام کردن آنها باشد.

ج) تطهیر جذامی<sup>Y</sup>

مت ۸: ۴ موازی؛  
لو ۱۷: ۱۴

**۱۴** <sup>۱</sup>یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت: <sup>۲</sup>این است قانون جذامی در روز تطهیرش<sup>Z</sup>. او را نزد کاهن خواهند آورد،<sup>۳</sup> و کاهن به بیرون از اردوگاه

<sup>۴۷</sup>وقتی روی جامه ای زخمی از جذام باشد، روی جامه پشمی یا روی جامه ای کتانی،<sup>۴۸</sup> یا روی زنجیر<sup>W</sup>، یا روی تار و پود کتان یا پشم، یا روی چرم، یا روی هر کار چرمی،<sup>۴۹</sup> چنانچه زخم متمایل به سبزی یا قرمزی باشد، روی جامه، یا روی چرم، یا روی تار، یا روی پود، یا روی هر شیئی از چرم، یا زخم جذام است؛ آن را به کاهن نشان خواهند داد.<sup>۵۰</sup> کاهن زخم را آزمایش خواهد کرد و [شیء مبتلا به] زخم را به مدت هفت روز توقیف خواهد کرد.<sup>۵۱</sup> او زخم را روز هفتم آزمایش خواهد کرد؛ اگر زخم روی جامه پخش شده باشد، یا روی تار، یا روی پود، یا روی چرم برای هر کاری که از چرم ساخته می شود، زخم جذام بدخیم است: آن شیء ناپاک است.<sup>۵۲</sup> او جامه را، یا تار را، یا پود پشمی یا کتانی را، یا هر شیء چرمی را که زخم روی آن یافت شود، خواهد سوزانید، زیرا این جذامی است بدخیم؛ آن به آتش سوزانیده خواهد شد.

<sup>۵۳</sup>اما چنانچه کاهن، پس از آزمایش، ببیند که زخم روی جامه یا روی تار یا روی پود یا روی هر شیء چرمی پخش نشده است،<sup>۵۴</sup> کاهن دستور خواهد داد که شیء مبتلا به زخم را تمیز کنند و آن را برای بار دوم، به مدت هفت روز توقیف خواهد کرد.

W ترجمه دیگری برای «زنجیر» و «تار و پود» چنین است: «پارچه» و «باقی» یا «پارچه» و «پوشش» تلمود و عبری مدرن این دو کلمه را در معنای «تار و پود» می گیرند.

X تحت اللفظی: «در نوک سر و روی پیشانی» همین اصطلاح در آیه ۴۳ به کار رفته است.

Y مراسم تطهیر جذامی، عناصری کهن را حفظ کرده که به شکلی نمادین، بیانگر رفع ناپاکی است: رها کردن پرند زنده (ر.ک. بز «عزازئیل»، ۱۶: ۲۰-۲۶) تراشیدن موهای بدن و شستن لباس ها. در چشم انداز سنت «کهنانی»، این آیین ها فقط مرحله آمادگی را برای قربانی های روز هشتم تشکیل می دهد.

Z این متن، مجموعه ای از مواردی را که باید رعایت شود، بر می شمارد. سبک آن، خواننده را به یاد یادداشت های کاری می اندازد.

خواهد گرفت.<sup>۱۱</sup> کاهنی که تطهیر را انجام می دهد، شخصی را که خود را تطهیر می کند، و نیز این [هدایا را] در حضور یهوه، در ورودی خیمه ملاقات قرار خواهد داد.<sup>۱۲</sup> کاهن یکی از بره ها را خواهد گرفت و آن را همچون قربانی جبران تقدیم خواهد کرد، همچنان لُج روغن را، و با آنها، تکان دادن را در حضور یهوه به جا خواهد آورد.<sup>۱۳</sup> بره را در مکانی ذبح خواهد کرد که حیوان قربانی گناه و قربانی سوختنی را ذبح می کنند، در مکان مقدس؛ زیرا در قربانی جبران، مانند قربانی گناه، حیوان قربانی از آن کاهن است: این چیزی است بسیار مقدس.<sup>۱۴</sup> کاهن از خون حیوان قربانی جبران خواهد گرفت، و کاهن آن را بر نرمه گوش راست کسی که خود را تطهیر می کند، روی شست دست راستش و روی شست پای راستش خواهد مالید.<sup>۱۵</sup> کاهن از لُج روغن خواهد گرفت و از آن بر کف دست چپش خواهد ریخت.<sup>۱۶</sup> کاهن انگشت دست راست خود را بر روغنی که در کف دست چپش هست تر خواهد کرد و از این روغن، با انگشت خود، هفت بار در حضور یهوه خواهد پاشید.<sup>۱۷</sup> کاهن از بقیه روغنی که روی کف دستش هست، روی نرمه گوش راست کسی که خود را تطهیر می کند، روی شست دست راستش، و روی شست پای راستش، بر روی خون حیوان قربانی جبران خواهد مالید.<sup>۱۸</sup> و آنچه را روغن بر کف دستش بماند، کاهن آن را روی سر کسی که خود را تطهیر می کند خواهد مالید؛ بدینسان، کاهن کفاره را برای او در حضور یهوه انجام خواهد داد.<sup>۱۹</sup> کاهن قربانی گناه را انجام

خارج خواهد شد. کاهن آزمایش خواهد کرد: اگر جذامی از زخم جذام شفا یافته باشد،<sup>۴</sup> کاهن دستور بدهد که برای آن کسی که باید تطهیر شود، دو پرنده زنده طاهر، و چوب سدر، سرخ جگری، و زوفا بگیرند.<sup>۵</sup> کاهن دستور خواهد داد که یکی از پرندگان را روی ظرفی از خاک رس ذبح کنند، بر بالای آب جاری.<sup>۶</sup> در خصوص پرنده زنده، او آن را خواهد گرفت، و همچنین چوب سدر، سرخ جگری، و زوفا را، و آنها را با پرنده زنده در خون پرنده ای که بر بالای آب جاری ذبح شده، تر خواهد کرد.<sup>۷</sup> از آن، هفت بار بر روی کسی که خود را از جذام تطهیر می کند خواهد پاشید، و او را پاک اعلام خواهد داشت، و پرنده زنده را در وسط صحرا رها خواهد کرد.<sup>۸</sup> کسی که خود را تطهیر می کند، جامه های خود را تمیز خواهد کرد، و تمام موهای بدنش را خواهد تراشید، و در آب استحمام خواهد کرد، و پاک خواهد بود. سپس وارد اردوگاه خواهد شد و به مدت هفت روز، بیرون از خیمه اش خواهد ماند.<sup>۹</sup> سپس، روز هفتم، تمام موهای بدنش را خواهد تراشید، سرش را، ریشش را، و ابروانش را؛ تمام موی بدن خود را خواهد تراشید، و جامه های خود را تمیز خواهد کرد، و بدن خود را در آب استحمام خواهد داد، و پاک خواهد بود.<sup>۱۰</sup> روز هشتم، دو بره نروبی عیب، یک بره ماده که در همان سال زاده شده باشد، بی عیب، سه ده‌م‌رد تازه سرشته شده با روغن، برای هدیه آردی، و یک لُج<sup>a</sup> روغن

اعداد: ۱۹:۶، ۱۸:  
خروج: ۱۲:۲۲،  
مزامیر: ۵:۹،  
عبر: ۹:۱۹

۲۲-۲۰، ۱۰:۱۶

a واحد حجم که اندکی بیش از نیم لیتر می باشد.

<sup>۲۷</sup> و کاهن با انگشت دست راستش، از روغنی که روی کف دست چپش هست، هفت بار در حضور یهوه خواهد پاشید. <sup>۲۸</sup> کاهن از روغنی که روی کف دستش هست، بر نرمه گوش راست کسی که خود را تطهیر می کند، و روی شست دست راستش و روی شست پای راستش، در همان جای خون قربانی جبران، خواهد مالید. <sup>۲۹</sup> و آنچه که از روغن روی کف دستش باقی بماند، کاهن آن را بر سر کسی که خود را تطهیر می کند خواهد مالید، تا برای او کفاره را در حضور یهوه انجام دهد. <sup>۳۰</sup> با یکی از قمری ها یا یکی از کبوترهای جوان - با آنچه که امکاناتش به او اجازه می دهد. <sup>۳۱</sup> با یکی قربانی گناه را انجام خواهد داد، و با دیگری قربانی سوختنی، با هدیه آردی؛ بدینسان، کاهن برای کسی که خود را تطهیر می کند، کفاره را در حضور یهوه انجام خواهد داد. <sup>۳۲</sup> این چنین است قانون برای کسی که زخم جذام داشته و به هنگام تطهیر خود، امکانات نداشته باشد.

#### د) جذام در خانه ها<sup>۳</sup>

<sup>۳۳</sup> یهوه به این مضمون با موسی و هارون سخن گفت: <sup>۳۴</sup> چون وارد سرزمین کنعان شوید، که آن را به مالکیت شما می دهم، چنانچه زخم جذام بر خانه ای از سرزمین که در ملکیت شما خواهد بود وارد آورم، <sup>۳۵</sup> آن

خواهد داد و کفاره را برای کسی که خود را از ناپاکی اش تطهیر می کند انجام خواهد داد؛ پس از آن قربانی سوختنی را ذبح خواهد کرد. <sup>۳۰</sup> کاهن قربانی سوختنی و هدیه آردی را بر قربانگه تقدیم خواهد کرد؛ بدینسان، کاهن کفاره را برای این شخص انجام خواهد داد و او پاک خواهد بود.

<sup>۲۱</sup> چنانچه وی فقیر باشد<sup>b</sup> و امکانات نداشته باشد، فقط یک بره که برای عمل تکان دادن مقرر شده، همچون قربانی جبران خواهد گرفت، تا کفاره برای او انجام شود، به علاوه یک دهم آرد تازه سرشته شده با روغن، برای هدیه آردی، و یک لج روغن، <sup>۲۲</sup> سپس دو قمری یا دو کبوتر جوان، آنچه که امکاناتش به او اجازه دهد؛ یکی برای قربانی گناه خواهد بود و دیگری برای قربانی سوختنی. <sup>۲۳</sup> روز هشتم، آنها را به منظور تطهیر خود برای کاهن خواهد آورد، در ورودی خیمه ملاقات، به حضور یهوه. <sup>۲۴</sup> کاهن، بره قربانی جبران را خواهد گرفت، همچنین لج روغن را، و کاهن با آن تکان دادن را در حضور یهوه به جا خواهد آورد. <sup>۲۵</sup> کاهن پس از آنکه بره قربانی جبران را ذبح کرد، از خون حیوان قربانی جبران خواهد گرفت و آن را بر نرمه گوش راست کسی که خود را تطهیر می کند، و روی شست دست راستش و روی شست پای راستش خواهد مالید. <sup>۲۶</sup> کاهن از آن روغن، روی کف دست چپ خود خواهد ریخت،

b. ر. ک. توضیح ۷:۵.

c باز در اینجا شاهد رسومی کهن هستیم که کاهنان اورشلیم آنها را از سر می گیرند. لکه های غیرعادی که روی دیوار خانه ها تشکیل می شود، گویی از سوی همان نیروهای خطرناکی پدید می آید که انسان باید خود را در مقابل آنها محافظت کند (ر. ک. «مقدمه») این نمونه به خوبی نشان می دهد که ناپاکی امری اخلاقی نیست.

<sup>۴۴</sup> کاهن خواهد آمد تا آن را آزمایش کند: چنانچه زخم در خانه پخش شده باشد، این جذامی بدخیم در خانه است: آن خانه ناپاک است.<sup>۴۵</sup> خانه را خواهند کوبید: سنگ هایش را، چوب هایش را، تمام اندود خانه را، و آنها را به بیرون شهر خواهند برد، در مکانی ناپاک.<sup>۴۶</sup> کسی که وارد خانه شود، در یکی از روزهایی که توقیف شده باشد، تا شامگاه ناپاک خواهد بود،<sup>۴۷</sup> کسی که در خانه بخوابد، جامه های خود را تمیز خواهد کرد، کسی که در خانه (چیزی) بخورد، جامه های خود را تمیز خواهد کرد.

<sup>۴۸</sup> اما چنانچه کاهن ولد شود و ببیند که زخم در خانه پخش نشده است، پس از آنکه خانه مجدداً اندود شده باشد، کاهن خانه را پاک اعلام خواهد داشت زیرا زخم شفا یافته است.<sup>۴۹</sup> او برای زدودن گناه خانه<sup>d</sup>، دو پرنده، چوب سدر، سرخ جگری و زوفا خواهد گرفت.<sup>۵۰</sup> یکی از پرندهگان را روی ظرفی از گل رس، بر بلای آب جاری ذبح خواهد کرد.<sup>۵۱</sup> او چوب سدر و زوفا و سرخ جگری را خواهد گرفت، همچنین پرنده زنده را، و آنها را در خون پرنده ذبح شده و در آب جاری تر خواهد کرد، و از آن هفت بار بر خانه خواهند پاشید.<sup>۵۲</sup> و چون گناه خانه را با خون پرنده، و با آب جاری، پرنده زنده، چوب سدر، زوفا، و سرخ جگری زدوده باشد،<sup>۵۳</sup> پرنده زنده را بیرون از شهر، در وسط صحرا رها خواهد کرد بدینسان، کفاره را برای خانه انجام خواهد داد، و آن پاک خواهد بود.

کس که خانه متعلق به او است، خواهد رفت و آن را به این مضمون به کاهن اعلام خواهد داشت: «به نظرم می آید که مثل زخم [جذام] در خانه است»<sup>۳۶</sup> کاهن پیش از آنکه برای آزمایش زخم وارد آنجا شود، دستور خواهد داد که خانه را تخلیه کنند، تا چیزی از آنچه در خانه است ناپاک نشود؛ پس از آن، کاهن وارد خواهد شد تا خانه را آزمایش کند.<sup>۳۷</sup> آن زخم را آزمایش خواهد کرد: اگر زخمی که در دیوارهای خانه است، دارای حفره هایی متمایل به سبز یا قرمز باشد و به نظر آید که در دیوار فرو رفته اند،<sup>۳۸</sup> کاهن از خانه خارج خواهد شد، تا ورودی خانه، و خانه را هفت روز توقیف خواهد کرد.<sup>۳۹</sup> کاهن روز هفتم باز خواهد گشت، و اگر پس از آزمایش، ببیند که زخم بر روی دیوارهای خانه پخش شده است،<sup>۴۰</sup> کاهن دستور خواهد داد که سنگ های مبتلا به زخم [جذام] را بردارند و آنها را بیرون از شهر، در مکانی ناپاک ببندازند.<sup>۴۱</sup> سپس دستور خواهد داد که خانه را از داخل بتراشند، دور تا دور آن را، و اندودی را که کنده اند، بیرون از شهر در مکانی ناپاک پخش خواهند کرد.<sup>۴۲</sup> سنگ هایی دیگر خواهند گرفت و در جای سنگ های [اولی] خواهند گذاشت: همچنین اندودی دیگر خواهند گرفت تا خانه را مجدداً اندود کنند.

<sup>۴۳</sup> اگر زخم بار دیگر در خانه تزیاید یابد، پس از آنکه سنگ ها را برداشته باشند، پس از آنکه خانه را تراشیده باشند، و پس از آنکه آن را مجدداً اندود کرده باشند،

d سنت «کهناتی»، ناپاکی خانه ها را همچون «گناه» تلقی می کند که مستلزم اجرای «آیین کفاره» می باشد (آیه ۵۳).

را تمیز خواهد کرد و در آب استحمام خواهد نمود و تا شامگاه ناپاک خواهد بود.<sup>۸</sup> اگر مرد مبتلا به ترشح بر کسی که پاک است آب دهان بیندازد، این شخص جامه های خود را تمیز خواهد کرد و در آب استحمام خواهد نمود و تا شامگاه ناپاک خواهد بود.<sup>۹</sup> هر زینی که مرد مبتلا به ترشح بر آن برآید، ناپاک خواهد بود.<sup>۱۰</sup> هر کس که به شیئی که زیر او بوده است دست بزند، هر چه باشد، تا شامگاه ناپاک خواهد بود. کسی که یکی از این اشیاء را حمل کند، جامه های خود را تمیز خواهد کرد و در آب استحمام خواهد نمود و تا شامگاه ناپاک خواهد بود.<sup>۱۱</sup> هر کس که از سوی مرد مبتلا به ترشح لمس شود و دست های خود را در آب نشسته باشد، جامه های خود را تمیز خواهد کرد و در آب استحمام خواهد نمود و تا شامگاه ناپاک خواهد بود.<sup>۱۲</sup> ظرف گلی که مرد مبتلا به ترشح آن را لمس کند، خرد خواهد شد، و هر ظرف چوبی در آب شسته خواهد شد.<sup>۱۳</sup> وقتی مرد مبتلا به ترشح از ترشح خود ظاهر شود، برای خود هفت روز برای تطهیر خود خواهد شمرد؛ او جامه های خود را تمیز خواهد کرد و گوشت خود را در آب جاری استحمام خواهد داد، و پاک خواهد بود.<sup>۱۴</sup> (روز هشتم، او برای خود دو قمری یا دو کبوتر جوان تهیه خواهد کرد؛ او به حضور

<sup>۱۵</sup> این چنین است قانون برای هر زخم جذام و برای جرب،<sup>۱۵</sup> برای جذام جامه ها و جذام خانه ها،<sup>۱۶</sup> برای آماس ها و سوداها و لکه های براق؛<sup>۱۷</sup> تا روزی که مردمان پاک هستند و روزی که مردمان ناپاک هستند، تعلیم داده شود. این چنین است قانون در مورد جذام.

#### ۴. ناپاکی های جنسی<sup>e</sup>

**۱۵** یهوه به این مضمون با موسی و هارون سخن گفت: <sup>۱</sup> با بنی اسرائیل سخن بگویند؛ به ایشان خواهید گفت: وقتی مردی، هر که باشد، ترشچی داشته باشد که از بدنش<sup>f</sup> بیرون می آید، ترشح او ناپاک است.<sup>۲</sup> این است ناپاکی ترشح او: اگر بدنش بگذارد ترشح بیرون بیاید یا آن را باز دارد، برای او ناپاکی هست.<sup>۳</sup> هر بستری که مرد مبتلا به ترشح بر آن بخوابد ناپاک است و هر چه بر آن بنشینند ناپاک است.<sup>۴</sup> هر کس که بسترش را لمس کند، جامه های خود را تمیز خواهد کرد و در آب استحمام خواهد نمود، و تا شامگاه ناپاک خواهد بود.<sup>۵</sup> کسی که روی شیئی بنشیند که مرد مبتلا به ترشح بر آن نشسته است، جامه های خود را تمیز خواهد کرد و در آب استحمام خواهد نمود و تا شامگاه ناپاک خواهد بود.<sup>۶</sup> هر کس بدن مرد مبتلا به ترشح را لمس نماید، جامه های خود

اعد ۵: ۲؛  
۲ سمو ۳: ۲۹

e احکامی که ارائه شده، هم مربوط می شود به امراض مقاربتی (آیات ۲-۱۵)، و هم تجلیات روابط عادی زناشویی (آیات ۱۶-۳۰) هر چه که مربوط به امور جنسی باشد، انسان را در مقابل راز ولادت و حیات قرار می دهد. این منهیات نوعی «حفاظ بهداشتی» است که وظیفه اش ایجاد مانع بر سر راه این قدرت های اسرارآمیز است تا برای انسان، در قلمرو حیات عادی، آزار و اذیتی ایجاد نکنند، آزاری که می تواند حالت مسری داشته باشد.

f این کلمه شکل مؤدیانه است برای اشاره به آلات تناسلی.

g متن «سم» چنین قرائت می کند: «اگر آلتش ترشح را بیرون بدهد یا خود را مسدود کند، او ناپاک است. تمام مدتی که آلتش ترشح را بیرون بدهد یا خود را مسدود کند، ناپاکی او به شرح زیر است». ترجمه یونانی این متن طولانی را اخذ کرده است. وولگات، مانند اکثر موارد موجود در کتاب لاویان، متنی آزاد و خلاصه ارائه می دهد.



بستر یا شیئی که او بر آن می‌نشیند چیزی باشد، با لمس آن تا شامگه ناپاک خواهند بود.<sup>۲۴</sup> اگر مردی با او بخوابد، نجاست او به وی سرایت خواهد کرد: وی به مدت هفت روز ناپاک خواهد بود، و هر بستری که وی بر آن بخوابد ناپاک خواهد بود.

<sup>۲۵</sup> وقتی زنی چندین روز ترشح خون داشته باشد، خارج از وقت نجاستش، یا اگر ترشحش فراتر [از زمان] نجاستش طول بکشد، تمام روزهایی که ناپاکی اش جریان داشته باشد، او مانند روزهای نجاستش ناپاک خواهد بود.<sup>۲۶</sup> هر بستری که او در تمام مدت روزهای ترشحش روی آن بخوابد، برای او مانند بستر نجاستش خواهد بود؛ هر شیئی که بر روی آن بنشیند، مانند ناپاکی نجاستش ناپاک خواهد بود.<sup>۲۷</sup> هر کس آنها را لمس کند، ناپاک خواهد بود؛ وی جامه‌های خود را تمیز خواهد کرد و در آب استحمام خواهد نمود، و تا شامگاه ناپاک خواهد بود.

<sup>۲۷</sup> وقتی از ترشح خود طاهر شود، برای خود هفت روز خواهد شمرد، و بعد از آن پاک خواهد بود.<sup>۲۹</sup> روز هشتم، برای خود دو قمری یا دو کبوتر جوان تهیه خواهد کرد، و آنها را نزد کاهن، در وروی خیمه ملاقات خواهد آورد.<sup>۳۰</sup> کاهن با یکی قربانی گناه را انجام خواهد داد، و با دیگری قربانی سوختنی را؛ بدینسان، کاهن برای او کفاره را در حضور

یهوه خواهد آمد، در وودی خیمه ملاقات و آنها را به کاهن خواهد داد.<sup>۱۵</sup> کاهن با یکی از آنها قربانی گناه را انجام خواهد داد و با دیگری قربانی سوختنی را؛ بدینسان، کاهن برای او کفاره را در حضور یهوه انجام خواهد داد، به سبب ترشحش.

تث ۱۱:۲۳-۱۲ <sup>۱۶</sup> وقتی مردی ریزش منی داشته باشد، باید تمام بدنش را در آب استحمام دهد، و تا شامگاه ناپاک خواهد بود.<sup>۱۷</sup> هر جامه‌ای و هر پوستی که ریزش منی با آن تماس داشته باشد، در آب تمیز خواهد شد، و تا شامگاه ناپاک خواهد بود.<sup>۱۸</sup> وقتی زنی با مردی رابطه جنسی داشته باشد، ایشان باید در آب استحمام کنند، و تا شامگاه ناپاک خواهند بود.<sup>h</sup>

<sup>۱۹</sup> وقتی زنی<sup>i</sup> توشیحی داشته باشد، ترشح خون از بدنش، به مدت هفت روز در نجاست خود باقی خواهد ماند. هر کس او را لمس کند، تا شامگه ناپاک خواهد بود.<sup>۲۰</sup> هر آنچه که او در طول نجاستش بر روی آن بخوابد، ناپاک خواهد بود؛ هر چه که او بر آن بنشیند، ناپاک خواهد بود.<sup>۲۱</sup> هر کس بستر او را لمس کند، جامه‌های خود را تمیز خواهد کرد و در آب استحمام خواهد نمود، و تا شامگاه ناپاک خواهد بود.<sup>۲۲</sup> هر کس شیئی را لمس کند، هر چه باشد، که او بر آن بنشیند، جامه‌های خود را تمیز خواهد کرد و در آب استحمام خواهد نمود و تا شامگه ناپاک خواهد بود.<sup>۲۳</sup> اگر روی

<sup>h</sup> این بدان معنی نیست که روابط جنسی در زناشویی گناه به حساب آید (ر.ک. پید ۱:۲۸)، زیرا «ناپاکی» به معنی «گناه» نیست. ر.ک. توضیح ۱:۱۵.

<sup>i</sup> تقریباً در تمام جوامع بدوی، عادت ماهانه زنان هولناک‌ترین ناپاکی تلقی می‌شده است. این عادت ماهانه، هم هیجان‌ناشی از هر گونه تجلیات زندگی زناشویی را بر می‌انگیخته، و هم نگرانی در مقابل خونی که بدون خواست خود شخص جاری می‌شده. خصوصیت قاعده مند این کسالت کافی نبود تا آن را همچون رویدادی «طبیعی» زندگی تلقی کنند. <sup>j</sup> یعنی وقتی ترشحش قطع شود.

یهوه انجام خواهد داد، به سبب ترشح ناپاکش.

<sup>۳۱</sup> بنی اسرائیل را از ناپاکی هایشان آگاه خواهید ساخت<sup>k</sup>، مبدا که با ناپاک ساختن مسکن من که در میان ایشان است، به سبب ناپاکی هایشان بمیرند.

<sup>۳۲</sup> این چنین است قانون برای کسی که ترشچی دارد و ریزش منی ناپاکش ساخته باشد،<sup>۳۳</sup> برای زنی که به دنبال نجاستش ناخوش باشد، برای هر کس، مرد یا زن، که ترشچی دارد، و برای مردی که با زنی ناپاک بخوابد.

## ۵. روز بزرگ کفاره<sup>۱</sup>

**۱۶** <sup>۱</sup>یهوه با موسی سخن گفت، پس از مرگ دو پسر هارون که وقتی به

حضور یهوه نزدیک شدند<sup>m</sup> مردند.<sup>۲</sup> یهوه به موسی گفت: با برادرت هارون سخن بگو تا در همه اوقات<sup>n</sup> وارد [مکان] مقدس نشود، به درون پرده، در مقابل تخت کفاره<sup>o</sup> که روی صندوق است، اگر نمی خواهد که بمیرد؛ زیرا من در ابری بر بالای تخت کفاره ظاهر می شوم.

<sup>۳</sup> این است آن گونه که هارون وارد [مکان] مقدس خواهد شد: با یک گاو نر جوان به منظور قربانی گناه و یک قوچ برای قربانی سوختنی.<sup>۴</sup> او پیراهن مقدس کتانی خروج ۲۸:۳۹-۳۳ بر تن خواهد کرد، و بر بدنش شلوار کتانی خواهد داشت، و کمربندی کتانی به کمر خواهد بست، و دستاری کتانی بر سر خواهد گذارد<sup>p</sup>. اینها جامه های مقدس هستند: پیش از بر تن کردن اینها، بدن خود

۳۲-۲۶:۲۳  
اعد ۲۹:۷-۱۱  
عبر ۹:۷

k تحت اللفظی: «بنی اسرائیل را به سبب ناپاکی شان از خودشان دور خواهید ساخت». می توان این گونه نیز برداشت کرد: بنی اسرائیل را «از ناپاکی شان» دور خواهید ساخت، یعنی ناپاکی کسانی که در این فصل به آنان اشاره شده است.  
l لاو ۱۶ به موضوع «روز کفاره» یا «روز آمرزش مرگ» (به عبری: «یوم کیپور») می پردازد، جشنی که چنان اهمیت خواهد یافت که سنت یهود آن را اغلب به شکل مخفف «روز» می خوانند. اما این جشن در دوره ای نسبتاً متأخر وارد گناه شمار اسرائیل گردید، احتمالاً بعد از اصلاحات عزرا؛ در نج ۸ نیز به آن اشاره نشده، با اینکه در آن فعالیت های آیینی مربوط به همان ماه هفتم مورد بحث قرار گرفته است (اما بزرگی بود که هر سال امکان زدودن ناپاکی ها از هر نوع آن از اسرائیل را فراهم می ساخت، ناپاکی هایی که ناشی بود از ضروریات زندگی با غفلت. این جشن تحول یافت و رفته رفته تبدیل شد بیشتر به آیینی برای آموزش گناهان در معنای خاص آن، و طی آن، اسرائیلیان هشیاری خود را از اینکه گناهکار هستند، و نیز ایمان خود را به خدایی بخشاینده ابراز می کنند. اما سنت یهود این آموزش را امری خود به خودی تلقی نکرد؛ میشنا در پایان بخش «روز» (یعنی روز کفاره) می گوید: «اگر کسی بگوید: «گناه خواهم کرد، اما در روز کفاره، گناهم کفاره خواهد شد» روز کفاره آن را کفاره نخواهد کرد. برای خطاهایی که میان انسان و خدا اتفاق افتاده، روز بزرگ کفاره، آنها را کفاره خواهد کرد؛ اما برای خطاهایی که میان انسان و همنوعش روی می دهد، تا زمانی که شخص با طرف مصالحه نکرده باشد، روز کفاره بزرگ آنها را کفاره نخواهد کرد» (میشنا یوما، ۹:۸). در لاو ۱۶، آیین «بزرگماشته شده» (آیات ۸-۱۰، ۲۰-۲۲، ۲۶) که احتمالاً از سوی کاهنان اورشلیم، از رسوم محلی کهن الهام یافته، با ترتیبات قربانی ها مطابق با اندیشه لاو ۱-۴، در هم آمیخته شده است.

m این تذکر کوتاه که به لاو ۱۰:۱-۲ باز می گردد، آشکار می سازد که قواعد مربوط به تقرب به یهوه (آیات ۲-۵) احتمالاً قبلاً به مقررات لاو ۱۰ مرتبط بوده، و پس از ارائه لاو ۱۱-۱۵، از آنها جدا شده است.

n روز کفاره بزرگ تنها روزی بود در طول سال که کاهن اعظم می توانست وارد پشت پرده ای شود که قدس الاقداس را پنهان می ساخت. ر.ک. بنسی ۵:۵۰؛ عبر ۹:۷.

o ر.ک. توضیح خروج ۲۵:۱۷.

p باید توجه داشت که کاهن اعظم جامه های پرشکوهی را که در خروج ۲۸ توصیف شده، بر تن نمی کند. او برای برگزاری آیین های تطهیر بزرگ، در سادگی کتان سفید ظاهر می شد.

از حضور یهوه، دو مشت پر از بخور معطر به شکل گرد، که آن را به درون پرده خواهد برد.<sup>۱۳</sup> بخور را روی آتش در حضور یهوه قرار خواهد داد تا ابر بخور تخت کفاره را که روی شهادت<sup>۱</sup> هست بیوشاند، تا نگیرد.<sup>۱۴</sup> از خون گاو نر خواهد گرفت و آن را با انگشت خود روی سطح تخت کفاره خواهد پاشید، به سوی مشرق؛ و در مقابل تخت کفاره هفت بار از این خون خواهد پاشید<sup>۱۵</sup>، با انگشتش.

<sup>۱۵</sup> او بز قربانی گناه قوم را ذبح خواهد کرد، و از خونسش به درون پرده خواهد برد، و با این خون همان خواهد کرد که با خون گاو نر کرده و از آن بر روی تخت کفاره و عبر: ۹:۱۲ مقابل تخت کفاره خواهد پاشید.

<sup>۱۶</sup> بدینسان، کفاره را برای [مکان] مقدس انجام خواهد داد، به سبب ناپاکی های بنی اسرائیل و خطاهای ایشان، برای تمام گناهانشان. برای خیمه ملاقات که در میان ایشان ساکن است، در میان ناپاکی هایشان نیز چنین خواهد کرد.

<sup>۱۷</sup> هیچ کس نباید در خیمه ملاقات باشد آن هنگام که او وارد می شود تا کفاره را انجام دهد، در [مکان] مقدس، و تا زمانی که از آن خارج شود. او کفاره را برای خود،

را در آب استحمام خواهد داد.<sup>۱۵</sup> از جماعت بنی اسرائیل دو بز به منظور قربانی گناه، و یک قوچ به منظور قربانی سوختنی خواهد گرفت.

<sup>۱۶</sup> هارون گاو نر قربانی را برای گناه خود خواهد گرفت، و برای خود و برای خاندانش کفاره را انجام خواهد داد.<sup>۱۷</sup> آن دو بز را خواهد گرفت و آنها را در حضور یهوه قرار خواهد داد، در ورودی خیمه ملاقات<sup>۱۸</sup> هارون قرعه ها را بردو بز قرار خواهد داد، یک قرعه «برای یهوه» و یک قرعه «برای عزازیل<sup>۱۹</sup>». <sup>۲۰</sup> هارون بزى را که بر آن قرعه «برای یهوه» افتاده است تقدیم خواهد کرد و با آن قربانی گناه را به عمل خواهد آورد.<sup>۲۱</sup> و اما بزى که بر آن قرعه «برای عزازیل» افتاده است، آن را زنده در حضور یهوه قرار خواهند داد، تا بر روی آن کفاره را انجام دهند، تا آن را برای عزازیل به بیابان بفرستند.<sup>۲۲</sup>

<sup>۲۳</sup> هارون گاو نر قربانی را برای گناه خودش تقدیم خواهد کرد، و برای خود و برای خاندانش کفاره را انجام خواهد داد: او گاو نر قربانی را برای گناه خودش ذبح خواهد کرد.<sup>۲۴</sup> آتشدانی پر از ذغالهای فروزان از روی قربانگاه بر خواهد گرفت،

q ترجمه های یونانی و وولگات این کلمه را همچون «بز گماشته شده برداشت کرده اند: ترجمه های دیگر (راشی، ترجمه عربی) آن را محلی جغرافیایی تلقی کرده اند؛ اما سایر ترجمه ها احتمالاً با دلایلی موجه، آن را نام روح خبیثی می دانند، نوعی جن که در مکان های بی آب رفت و آمد می کند.

r آیین هایی مشابه در بسیاری از تمدن ها یافت می شود. این آیین ها اساساً دو عنصر را در بر دارند: انتقال نمادین ناپاکی ها و گناهان بر یک موجود یا یک شیء و دفع آن (ر.ک. آیات ۲۱-۲۲).

s در آیات ۶-۱۰، کل مراسم به شکل خلاصه ارائه شده؛ در آیات ۱۱-۲۸ همه موارد با ذکر جزئیات از سر گرفته شده است. t ابر بخور یادآور «ابری» است که خدا در آن، به طور همزمان، هم حاضر است، هم پنهان (ر.ک. توضیح خروج ۹:۱۹). به این ترتیب، بخور به این معنی بود که خدا حاضر است (که بدون آن، عبادت معنی نمی داشت)، اما در عین حال، نادیدنی است (که در غیر این صورت، نمی شد زنده ماند؛ ر.ک. خروج ۳۳:۲۰). در مورد «شهادت»، ر.ک. توضیح خروج ۲۵:۱۶.

u در خصوص نقش تهطیر کننده خون، ر.ک. توضیح ۱۱:۱۷.

خواهد داد و جامه های خود را بر تن خواهد کرد. او بیرون خواهد آمد و قربانی سوختنی خود را قربانی سوختنی قوم را تقدیم خواهد کرد، و کفاره را برای خود و برای قوم انجام خواهد داد.<sup>۲۵</sup> و اما پیه قربانی گناه، آن را بر قربانگاه خواهد سوزانید.

<sup>۲۶</sup> آن کس که بز را به سوی عزازیل رها کرده، جامه های خود را تمیز خواهد کرد و بدن خود را در آب استحمام خواهد داد؛ پس از آن، وارد اردوگاه خواهد شد.

<sup>۲۷</sup> و اما گاو نر قربانی گناه و بز قربانی گناه که خونشان برای انجام کفاره وارد [مکان] مقدس گردیده، آنها را بیرون از اردوگاه خواهند برد و پوستشان، گوششان و تپاله شان را در آتش خواهند سوزانید. عبر ۱۳:۱۱، ۱۳

<sup>۲۸</sup> کسی که آنها را می سوزاند، جامه های خود را تمیز خواهد کرد و بدن خود را در آب استحمام خواهد داد؛ پس از آن، وارد اردوگاه خواهد شد.

<sup>۲۹</sup> این است آنچه برای شما نهادی دائمی خواهد شد: ماه هفتم، دهم ماه، جان های خود را اندوهگین خواهید ساخت و هیچ کاری نخواهید کرد، نه شخص بومی، نه بیگانه ای که در میان شما ساکن است.<sup>۳۰</sup> زیرا آن روز، کفاره را برای شما انجام خواهند داد: از تمامی گناهانتان در حضور یهوه پاک خواهید شد.<sup>۳۱</sup> این برای شما سبب است، استراحتی به حالت سبت،

برای خاندان خود، و برای تمام جماعت اسرائیل انجام خواهد داد.

<sup>۱۸</sup> به هنگام خروج، به سوی قربانگاه که در حضور یهوه است خواهد رفت، و کفاره را برای این [قربانگاه] انجام خواهد داد: از خون گاو نر و از خون بز خواهد گرفت و از آن بر شاخ های قربانگاه خواهد مالید، دور تا دور آن.<sup>۱۹</sup> از این خون با انگشتش هفت بار بر [قربانگاه] خواهد پاشید؛ بدینسان، آن را تطهیر خواهد کرد و از ناپاکی های بنی اسرائیل تقدیس خواهد نمود.

<sup>۲۰</sup> پس از اتمام کفاره [مکان] مقدس، خیمه ملاقات و قربانگاه، بز زنده را نزدیک خواهد آورد.<sup>۲۱</sup> هارون دو دست خود را بر سر بز زنده تکیه خواهد داد و بر آن اعتراف تمام خطاهای بنی اسرائیل و تمام جرم هایشان، خلاصه تمام گناهانشان را به عمل خواهد آورد؛ و آنها را بر سر بز خواهد نهاد و آن را به دست شخصی حاضر به بیابان خواهد فرستاد.<sup>۲۲</sup> بز تمام خطاهای ایشان را بر خود خواهد برد، به سوی زمینی خشک، و بز را در بیابان رها خواهند کرد.

<sup>۲۳</sup> هارون وارد خیمه ملاقات خواهد شد، و جامه های کتانی را که به هنگام ورود به [مکان] مقدس پوشیده بود از تن به در خواهد کرد و چون آنها را در آنجا قرار داد، بدن خود را در مکانی مقدس استحمام

۷ با نهادن دو دست، انتقال گناه قوم بر «بز گماشته شده» صورت می پذیرد. این حرکت را نباید با نهادن دست در ۴:۴ (ر.ک. توضیح آن) اشتباه کرد. این بز که دیگر نمی تواند به کار قربانی بیاید، به بیابان برده می شود، یعنی به مسکن روح خبیث عزازیل و کلاً نیروهای شیطانی.

۸ آیات ۲۹-۳۴ توضیحات اضافی می دهد: تاریخ جشن: ضرورت روزه و استراحت سبت: برگزاری مراسم به دست کاهن اعظم فقط، بدون حضور کاهنان معمولی.

پرستشگاه مقدس را انجام خواهد داد؛ او کفاره خیمه ملاقات و قربانگاه را انجام خواهد داد؛ همچنین کفاره را برای کاهنان و برای تمامی قوم جماعت انجام خواهد داد.<sup>۳۴</sup> این برای شما نهادی دائمی خواهد بود: یک بار در سال، برای بنی اسرائیل کفاره تمام گناهانشان را انجام خواهند داد.

و جان‌های خود را اندوهگین خواهید ساخت: این نهادی است دائمی.<sup>۳۲</sup> کاهنی که مسح را دریافت کرده و او را به جای پدرش برای به عمل آوردن کهنانت منصوب کرده باشند، کفاره را انجام خواهد داد. او جامه‌های کتانی به تن خواهد کرد، جامه‌های مقدس؛<sup>۳۳</sup> او کفاره

#### ۴. قانون تقدس<sup>x</sup>

خون ریخته است: این فرد از میان قومش منقطع خواهد شد.<sup>۱۵</sup> به آن منظور است که بنی اسرائیل، به جای اینکه حیوانات قربانی خود را در صحرا قربانی کنند<sup>۲</sup>، آنها را نزد کاهن بیاورند، برای یهوه، به ورودی خیمه ملاقات، و آنها را همچون قربانی آرامش برای یهوه، قربانی کنند.<sup>۶</sup> کاهن از این خون بر قربانگاه یهوه بر ورودی خیمه ملاقات خواهد پاشید، و پیه را همچون عطر آرام بخش برای یهوه خواهد سوزانید.<sup>۷</sup> ایشان حیوانات قربانی را دیگر برای جن‌ها<sup>a</sup> قربانی نخواهند کرد، جن‌هایی که

۲:۲۳:۸؛  
۲:۱۱:۱۵

#### ۱. حرمت خون<sup>y</sup>

یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت:<sup>۲</sup> با هارون و پسرانش و تمامی بنی اسرائیل سخن بگو؛ به ایشان خواهی گفت: این است آنچه که یهوه امر فرموده است:<sup>۳</sup> هر فردی از خاندان اسرائیل که گاو، بره‌ای یا بز ماده‌ای در اردوگاه ذبح کند، یا آن را بیرون از اردوگاه ذبح کند،<sup>۴</sup> بدون آنکه آن را به ورودی خیمه ملاقات بیاورد تا در مقابل مسکن یهوه، همچون هدیه به یهوه تقدیم شود، این فرد، خون به حساب او گذاشته خواهد شد. او

X. ر. ک. «مقدمه»

Y. ر. ک. پید ۹:۴. در آیه ۱۴ دو بار این عبارت تکرار شده: «جان هر گوشتی در خوش است» چندین ملاحظه الهیاتی و نتیجه عملی به این امر مرتبط است که برای اسرائیل مهم بود: خدا صاحب حیات است، لذا خون که جایگاه حیات است، فقط مختص او است. در نتیجه: (۱) خون را نمی‌توان خورد (آیات ۱۰-۱۲، ۱۴: ر. ک. ۱۷:۳)، چرا که این امر اهانت به کبریایی الهی است؛ خوردن خون به معنای این است که انسان می‌خواهد به نوعی حیات موجود دیگری را که فقط به خدا تعلق دارد، از آن خود سازد. (۲) خون را نمی‌توان به شکلی دلخواهی ریخت: ذبح هر حشمتی، نوعی عمل مذهبی است؛ این قربانی‌ای است که به خداوند تقدیم می‌شود (آیات ۵-۷). (۳) خون را نمی‌توان هر جایی ریخت: عمل خودش به شکل آیینی بر زمینی ریخته و با خاک پوشانده می‌شود (آیه ۱۳). برای سنت «کهنانتی»، این احکام به شکل تحت اللفظی برای اسرائیلیانی قابل اجرا است که در بیابان هستند و در اردوگاهی گرد خیمه ملاقات تجمع کرده‌اند. کتاب تثنیه (۱۲:۱۳-۲۸) که اسرائیلیانی را مد نظر دارد که در سرتاسر سرزمین کنعان پراکنده‌اند، تمایزی قائل می‌شود میان قربانی به معنای خاص کلمه که در پرستشگاه مرکزی و واحد انجام می‌گیرد، و ذبح غیرمذهبی احشام در هر جای دیگر سرزمین.

Z یعنی خارج از شهری که معبد در آن قرار دارد.  
a کلمه عبری (که معنای تحت اللفظی آن «پشم آلو» است)، هم بر «بز» دلالت دارد (ر. ک. فصل ۱۶) و هم به نوعی روح خبیث که در مکان‌های خشک و دور افتاده ساکن است (اش ۱۳:۲۱؛ ۱۴:۳۴). این روح خبیث را به شکل یک حیوان (جن) تصور می‌کردند، و بنی اسرائیل ممکن بود در این وسوسه قرار گیرند که بکوشند لطف او را با تقدیم قربانی‌ها به دست آورند.

بنی اسرائیل گفته ام: هیچ کس از میان شما خون نخواهد خورد، و بیگانه‌ای که در میان شما اقامت دارد، خون نخواهد خورد.

<sup>۱۳</sup> هر فردی از میان بنی اسرائیل یا از میان بیگانگانی که در میان ایشان اقامت دارند، شکاری یا پرنده‌ای را که خورده می‌شود، در شکار بگیرد، باید خونس را بریزد و آن را با خاک بپوشاند.<sup>۱۴</sup> زیرا جان هر گوشتی در خونس است<sup>d</sup>، و به بنی اسرائیل گفته ام: خون هیچ گوشتی را نخواهید خورد، زیرا جان هر گوشتی، خونس می‌باشد: هر که از آن بخورد، حذف خواهد شد<sup>a</sup>.

۸:۲۲:۲۴:۷  
تث ۲۱:۱۴  
حزق ۴:۱۴  
خروج ۳۰:۲۲

<sup>۱۵</sup> هر شخصی - بومی یا مقیم - که حیوانی مرده یا دریده شده بخورد، جامه‌های خود را تمیز خواهد کرد و در آب استحمام خواهد نمود؛ او تا شامگاه ناپاک خواهد بود، سپس پاک خواهد بود.<sup>e</sup> <sup>۱۶</sup> اگر [جامه‌های خود را] تمیز نکند و بدن خود را استحمام ندهد، خطای خود را حمل خواهد کرد.

به دنبال آنها روسپیگری می‌کردند<sup>b</sup>: این برای ایشان نهادی است دائمی در تمامی نسل هایشان.

<sup>۸</sup> باز به ایشان خواهی گفت: هر فردی از خاندان اسرائیل یا از میان بیگانگانی که در میان شما اقامت دارند، قربانی سوختنی یا قربانی ذبحی تقدیم کند،<sup>۹</sup> و آن را به ورودی خیمه ملاقات بیاورد تا برای یهوه قربانی کند، این فرد از میان خویشانش منقطع خواهد شد.

<sup>۱۰</sup> هر شخصی از خاندان اسرائیل یا از میان بیگانگانی که در میان ایشان اقامت دارند، هر خونی بخورد، من روی خود را بر علیه این شخص که خون را می‌خورد متوجه خواهم ساخت و او را از میان قومش منقطع خواهم نمود.<sup>۱۱</sup> زیرا جان گوشت در خون است، و من آن را برای قربانگاه به شما داده‌ام، تا برای شخص شما کفاره را انجام دهد؛ زیرا کفاره را خون انجام می‌دهد، به واسطه جان<sup>c</sup>.<sup>۱۲</sup> به همین سبب است که به

۲۶:۷:۱۷:۳  
۲۶:۱۹  
تث ۱۲:۱۶، ۲۳:۱۵  
۲۳:۱۵

عبر ۹:۲۲

**b** تحت اللفظی: «به پشم آلهایی که پشت سر آنها روسپیگری می‌کنند». روسپیگری کردن به دنبال خدایان دروغین، عبادت کردن ایشان است به جای عبادت کردن خداوند، یا همزمان با عبادت او (ر.ک. خروج ۳۴:۱۵-۱۶). برای نخستین بار، هوشع نبی بود که از موضوع نمادین روسپیگری، برای اشاره به بی وفایی اسرائیل استفاده می‌کند.

**c** با اینکه ساختار جمله در عبری غیر معمول است، و ترجمه آن نیز تا حدی مبتنی است بر تفسیر، اما یک چیز واضح است: خون نقش مهمی در آیین‌های کفاره ایفا می‌کند. منشأ این عقیده هر چه باشد، سنت «کهناتی» پیش از هر چیز می‌خواهد آن را مرتبط سازد به مشیت خدا که خون را فقط اختصاص داده به آیین‌های کفاره و به این ترتیب، آن را برای مصارف غیرمذهبی ممنوع ساخته است.

**d** این ترجمه ای است احتمالی از جمله ای دشوار: تحت اللفظی: «زیرا جان (= حیات) هر گوشتی (= موجود گوشتی)، خونس می‌باشد در جانش (یا: در حیاتش)».

**۱** تحت اللفظی: «منقطع خواهد شد (معنی مستتر: از میان قومش / یا: از میان خویشانش؛ ر.ک. ۹:۴-۱۰)».

**e** این پاراگراف که به سبک ۳۹:۱۱-۴۰ می‌باشد، ظاهراً به شکلی تصنعی به متن پیشینش مرتبط شده، زیرا حیوان مرده یا کشته شده به دست حیوانی درنده، خونس بیرون نیامده؛ لذا خوردن گوشت آن، به منزله خوردن خونس نیز می‌باشد.

۲. حرمت پیوند زناشویی<sup>f</sup> خروج ۱۴:۲۰

در خانه زاده شده باشد، یا بیرون [از خانه]: عربانی او را کشف نخواهی کرد.

<sup>۱۰</sup> عربانی دختر پست را کشف نخواهی کرد، و نه دختر دخترت را؛ زیرا این عربانی تو است.

<sup>۱۱</sup> عربانی دختر زن پدرت [را کشف] ۱۷:۲۰ نخواهی کرد؛ که از پدرت زاده شده باشد: او خواهر تو است؛ عربانی او را کشف نخواهی کرد.

<sup>۱۲</sup> عربانی خواهر پدرت را کشف ۱۹:۲۰ نخواهی کرد؛ این گوشت پدر تو است.

<sup>۱۳</sup> عربانی خواهر مادرت را کشف نخواهی کرد؛ زیرا این گوشت مادر تو است.

<sup>۱۴</sup> عربانی برادر پدرت را کشف نخواهی ۲۰:۲۰ کرد؛ به زن او نزدیک نخواهی شد: او عمه تو است.

<sup>۱۵</sup> عربانی عروس خود را کشف نخواهی ۱۲:۲۰ کرد؛ او زن پسر تو است؛ عربانی او را کشف نخواهی کرد.

<sup>۱۶</sup> عربانی زن برادرت را کشف نخواهی ۲۱:۲۰ کرد؛ این عربانی برادر تو است.

<sup>۱۷</sup> عربانی زن و دخترش را کشف ۱۴:۲۰  
تث ۲۳:۲۷ نخواهی کرد؛ نه دختر پسرش را خواهی گرفت و نه دختر دخترش را تا عربانی ایشان را کشف کنی: این گوشت او است؛ این رسوایی است.

<sup>۱۸</sup> یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت: <sup>۲</sup> با بنی اسرائیل سخن

بگو؛ به ایشان خواهی گفت: من یهوه، خدای شما هستم. <sup>۳</sup> آن سان که در سرزمین

مصر می‌کنند که در آنجا ساکن بوده‌اید، نخواهید کرد؛ آن سان که در سرزمین کنعان

می‌کنند که شما را به آن داخل خواهم ساخت، نخواهید کرد؛ احکام ایشان را

پیروی نخواهید کرد. <sup>۴</sup> آنچه به عمل خواهید آورد، قواعد من می‌باشد؛ آنچه

رعایت خواهید کرد و پیروی خواهید نمود، احکام من می‌باشد: من یهوه هستم، خدای

شما! <sup>۵</sup> احکام من و قواعد مرا رعایت خواهید کرد که انسان باید به عمل آورد تا

به آن زیست کند: <sup>۶</sup> من یهوه هستم!

<sup>۷</sup> هیچ مردی به سوی زنی که خویش نزدیک او باشد نخواهد رفت تا عربانی او را کشف کند: <sup>۸</sup> من یهوه هستم!

<sup>۹</sup> عربانی پدرت یا مادرت را کشف نخواهی کرد. او مادر تو است: عربانی او را کشف نخواهی کرد.

<sup>۱۰</sup> عربانی زن پدرت را کشف نخواهی کرد: این عربانی پدرت است.

<sup>۱۱</sup> عربانی خواهرت را کشف نخواهی کرد، خواه دختر پدرت باشد، خواه دختر مادرت،

تث ۴:۱۱  
۳۳-۳۲:۵  
۱:۸:۲۴:۶  
امث ۴:۴  
یح ۹:۲۹  
لوح ۱:۲۸  
اع ۷:۳۸  
روم ۱:۵۰  
غلا ۳:۱۲

۱۱:۲۰  
پید ۳۵:۲۲  
تث ۲۳:۱  
۷:۲۰:۲۰:۲۷

۱۷:۲۰  
تث ۲۷:۲۲

**f** مطالب اساسی این فصل در لاو ۲۰ از سر گرفته خواهد شد و مجازات خطاکاران تعیین خواهد گردید. در اینجا موضوع بحث بیشتر بر سر هشدار درباره نمونه‌های نفرت‌انگیزی است که از آنها نباید پیروی کرد: برای مثال، آیه **a3** به مصر اشاره می‌کند که در آن، ازدواج با محارم متداول بود؛ در آیه **b3** نیز به کنعان اشاره شده که در تمام عهد عتیق مظهر هر نوع هرزگی بود (ر.ک. پید ۹:۲۲). از جمله هم‌جنس‌بازی (= لواط، پید ۱۹:۴-۱۹)، و نیز ظاهراً نزدیکی با حیوانات (یک متن اوگاریتی از جفت‌گیری خدای بعل با یک گوساله ماده سخن می‌گوید).

**g** حزقیال (۱۱:۲۰، ۱۳، ۲۱) با همین اصطلاحات، درباره احکام الهی سخن می‌گوید و آنها را سرچشمه حیات معرفی می‌کند. **h** این اصطلاحی است مؤدبانه برای اشاره به روابط جنسی.

مجازات کرده ام، و سرزمین ساکنان خود را قی کرده است.<sup>۲۶</sup> اما شما، احکام من و قواعد مرا رعایت خواهید کرد، و هیچ یک از این امور نفرت انگیز را به عمل نخواهید آورد، نه شخص بومی، نه شخص بیگانه ای که در میان شما اقامت دارد.<sup>۲۷</sup> زیرا تمام این امور نفرت انگیز، مردمانی که پیش از شما در سرزمین بودند آنها را به عمل آوردند و سرزمین ناپاک شده است.<sup>۲۸</sup> اما چنانچه شما آن را ناپاک سازید، سرزمین شما را قی خواهد کرد، آن سان که ملتی را که پیش از شما [در آن] بود قی کرد.<sup>۲۹</sup> پس فریضه مرا رعایت خواهید کرد و هیچ یک از این احکام نفرت انگیز را که پیش از شما به عمل می آمد، به عمل نخواهید آورد، و خود را با آنها ناپاک نخواهید ساخت: من یهوه هستم، خدای شما!

### ۳. «مقدس باشید

#### زیرا من قدوس هستم»<sup>۱</sup>

یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت:<sup>۱۹</sup> با تمام جماعت بنی اسرائیل<sup>m</sup> سخن بگو؛ به ایشان خواهی

بید ۲۹:۱۵-۳۰-<sup>۱۸</sup> زنی را علاوه بر خواهرش نخواهی گرفت تا با کشف عریانی او در کنار عریانی زنت به هنگام حیاتش، او را هوو بسازی.<sup>۱</sup>  
۱۸:۲۰-<sup>۱۹</sup> به زنی که در نجاست ناپاکی اش می باشد نزدیک نخواهی شد تا عریانی اش را کشف کنی.

<sup>۲۰</sup> با زن همسایه ات رابطه نخواهی داشت تا از آن ناپاک شوی.  
<sup>۲۱</sup> لچیزی از نسل خود را برای گذراندن به مولک<sup>k</sup> تحویل نخواهی داد و نام خدایت را بی حرمت نخواهی ساخت: من یهوه هستم!

<sup>۲۲</sup> با مرد نخواهی خوابید آن سان که با یک زن می خوابند: این نفرت انگیز است.  
<sup>۲۳</sup> با هر حیوانی که باشد رابطه نخواهی داشت تا از آن ناپاک شوی. زن خود را به حیوان تقدیم نخواهد کرد تا با او جفت گیری کند: این گناه است.

<sup>۲۴</sup> خود را با هیچ یک از اینها ناپاک نسازید؛ زیرا به سبب تمام اینها است که ملت هایی که از برابر شما خواهم راند، خود را ناپاک ساخته اند.<sup>۲۵</sup> سرزمین ناپاک شده است؛ من آن را به سبب خطایش

<sup>i</sup> این اصطلاح، بسیار نادر است و شاید منظور از آن فقط اشاره به «زن دوم» باشد. یا اگر ریشه دیگری از این کلمه را مد نظر قرار دهیم، شاید منظور چنین چیزی باشد: «تا او را در حرمسرای خود حبس کنی».

<sup>j</sup> در این فصل که درباره حرمت روابط زناشویی سخن می گوید، اشاره به ممنوعیت قربانی کردن کودکان تعجب آور است، اما همین نوع دسته بندی را در فصل ۲۰ باز می یابیم. اصطلاح «گذراندن» را باید در معنای آیین گذراندن از آتش برداشت کرد (ر.ک. ۲- پاد ۱۶:۳؛ ۱۷:۱۷؛ ۲۱:۶؛ ۲۳:۱۰).

<sup>k</sup> این نام الهی در عبری تداعی کننده عنوان پادشاه است («ملک»)، اما به کلمه «بُشت» (یعنی شرم) هم آوا شده است. این نام یادآور نام خدای عمونیان است (ملکوم: ۱- پاد ۱۱:۵، ۷؛ ۲- پاد ۲۳:۱۳)، یا نام خدای فینیقیان (ملک یا ملک). و بالاخره باید توجه داشت که در کارتاژ، اصطلاح «ملک» دلالت داشت به قربانی کردن کودکان: ر.ک. توضیح ۲- پاد ۲۴:۱۰.

<sup>l</sup> هدف تمام احکامی که در اینجا به واسطه موسی بیان می شود تقدس است که بازتابی است از تقدس الهی. این تقدس باید در تمامی اعمال زندگی قوم پدیدار گردد، قومی که تقدیس شده (به عبری «قُدش») به خدایی قدوس («قُدش»).

<sup>m</sup> در کتاب لاویان، موسی فقط دو بار امر می یابد که مستقیماً «تمام جماعت بنی اسرائیل» را مخاطب قرار دهد: در اینجا، و در ۸-۳:۵ به هنگام انتصاب کاهنان. علت این امر شاید به نوعی تأکید بر اهمیت احکامی باشد که متعاقب آن بیان می گردد: به عبارت دیگر، تأکید بر این است که وضعیت اخلاقی قوم در ارتباطشان با خدا امری است حیاتی، همانگونه که وساطت کاهنان نیز چنین می باشد.



گفت: مقدس خواهید بود، زیرا من قدوس هستم، من، بیهوه، خدای شما! <sup>۱۱</sup>هر کس از مادر و پدرش بترسد، و سبت‌های مرا رعایت خواهید کرد: من بیهوه، خدای شما هستم!

<sup>۱۲</sup>به سوی نیستی‌ها<sup>۱۰</sup> روی میاورید، و برای خود خدایانی از فلز ذوب شده مسازید: من بیهوه، خدای شما هستم!

<sup>۱۳</sup>چون قربانی آرامش برای بیهوه قربانی کنید، آن را به طریقی قربانی خواهید کرد که مقبول واقع شود. <sup>۱۴</sup>[حیوان قربانی] در روز قربانی تان و روز بعد خورده خواهد شد؛ آنچه که در روز بماند، به آتش سوزانده خواهد شد. <sup>۱۵</sup>اگر روز سوم از آن بخورند، این چیز متعفن است: مقبول واقع نخواهد شد. <sup>۱۶</sup>آن کس که از آن بخورد، خطای خود را حمل خواهد کرد، زیرا آنچه را که به بیهوه تخصیص یافته بی حرمت می‌سازد. این شخص از میان خویشانش منقطع خواهد شد.

<sup>۱۷</sup>چون در سرزمین خود درو کنید، حاشیه مزرعه خود را تا انتها درو نخواهی کرد، و خوشه چینی حصاد خود را خوشه چینی نخواهی کرد. <sup>۱۸</sup>تا کستانان را خوشه چینی نخواهی کرد و آنچه از آن می‌افتد، جمع‌آوری نخواهی نمود؛ آن را برای فقیر و

غریب رها خواهی کرد<sup>۱۲</sup>؛ من بیهوه، خدای شما هستم!

<sup>۱۱</sup>دزدی نخواهید کرد، دروغ نخواهید گفت، یکدیگر را فریب نخواهید داد. <sup>۱۲</sup>به نام من سوگند دروغ یاد نخواهید کرد تا نام خدایت را بی حرمت سازی: من بیهوه هستم! <sup>۱۳</sup>از همسایه ات بهره‌کشی نخواهی کرد و او را غارت نخواهی نمود؛ اجرت مزدور، شب را تا صبح نزد تو نخواهد گذرانید<sup>۱۴</sup>. <sup>۱۵</sup>ناشنوا را لعنت نخواهی کرد و در مقابل نابینا مانع قرار نخواهی داد، بلکه از خدایت خواهی ترسید: من بیهوه هستم!

<sup>۱۶</sup>در داوری مرتکب بی‌عدالتی نخواهید شد؛ نه برای کوچک نظر لطف خواهی داشت، نه خوشرویی برای بزرگ؛ همسایه ات را با عدالت داوری خواهی کرد. <sup>۱۷</sup>به خویشانت تهمت نخواهی زد و بر علیه خون همسایه ات به پا نخواهی خاست<sup>۱۸</sup>؛ من بیهوه هستم! <sup>۱۹</sup>از برادرت در دل خود نفرت نخواهی داشت؛ باید همسایه ات را سرزنش کنی مبادا به سبب او بر خود گناه وارد آوری. <sup>۲۰</sup>انتقام نخواهی گرفت و از پسران قومت [بغض] نگاه نخواهی داشت، بلکه همسایه ات را همچون خودت دوست خواهی داشت<sup>۲۱</sup>؛ من بیهوه هستم!

n آیات ۳-۴ با واژگان و سبک و ترتیبی متفاوت، یادآور برخی از احکام ده فرمان می‌باشد (خروج ۲۰:۳-۶، ۸-۱۲).

o واژه «نیستی‌ها» دلالت دارد بر بت‌ها (اش ۲: ۱۸-۲۰). کلمه عبری آن، یعنی «الیلیم»، با اینکه از ریشه‌های متفاوت می‌آید، با نام خدا (به عبری «الوهیم») هم قافیه است.

p بدون رعایت حرمت همسایه و خصوصاً همسایه فقیر و ضعیف (بیگانگان یا مهاجران در آیه ۱۰؛ مزدوران در آیه ۱۳؛ معلولان در آیه ۱۴)، انسجام جامعه مورد تهدید قرار می‌گیرد. باقی گذاشتن خوشه‌ها رسمی است بسیار کهن در امر کشاورزی، و همچون هدیه‌ای است به روح مزرعه؛ این رسم از سوی اسرائیلیان رد نشده، بلکه تبدیل به قانونی اجتماعی می‌گردد.

q در مورد حق و حرمت مزدور ر. ک. تث ۲۴: ۱۴-۱۵/

r تحت اللفظی: «بر علیه خون موضع گیری مکن»، چنین فرمولی حالت قضایی دارد.

s این حکم (پس از ترکیب با تث ۵: ۶) از سوی عیسی به کار رفت تا جوهر شریعت موسی را بیان دارد (مت ۲۲: ۳۷-۳۹ و مشابهاً). در نظر ربی عقیده (۵۰-۱۳۵ میلادی)، این اصل «بنیادین» شریعت می‌باشد.

نامختون تلقی خواهید کرد؛ از آن نخواهند خورد.<sup>۲۴</sup> سال چهارم، همه میوه هایشان به افتخار یهوه به شادی‌ها اختصاص خواهند یافت.<sup>۲۵</sup> سال پنجم، از میوه هایشان خواهید خورد؛ بدینسان، محصولشان را فزونی خواهید بخشید: من یهوه خدای شما هستم!

<sup>۲۶</sup> چیزی را با خون نخواهید خورد.<sup>X</sup>

نه جادوگری خواهید کرد و نه طالع بینی از روی ستاره‌ها.

<sup>۲۷</sup> کنار موهای خود را به شکل گرد نخواهید زد، و کناره ریش را حذف نخواهی کرد.<sup>۷</sup>

<sup>۲۸</sup> برای مرده در بدن خون بریدگی ایجاد نخواهید کرد و خال کوبی نخواهید کرد: من یهوه هستم!

<sup>۲۹</sup> دخترت را با روسپی ساختنش بی حرمت مساز، مبادا که سرزمین روسپیگری کند و سرزمین از ننگ آکنده شود.

<sup>۳۰</sup> سبت‌های مرا رعایت خواهید کرد و ۳:۱۹ پرستشگاه مرا گرامی خواهید داشت: من ۲:۲۶ یهوه هستم!

<sup>۱۹</sup> فرایض مرا نگاه خواهید داشت.

در احشامات، [حیواناتی] از دو جنس را با هم جفت نخواهی کرد؛ در مزرعات [دانه‌هایی] از دو نوع بذرپاشی نخواهی کرد؛ جامه‌ای از دو جنس، با پارچه‌ای مختلط، بر تن نخواهی کرد.<sup>t</sup>

<sup>۲۰</sup> چون مردی با زنی رابطه جنسی داشته باشد، چنانچه این زن بردهٔ متعه مردی دیگر باشد و نه با ز خرید شده باشد و نه آزاد، مجازاتی خواهد بود<sup>u</sup>، اما به مرگ سپرده نخواهد شد، زیرا [زن] آزاد نشده بوده است.<sup>۲۱</sup> آن مرد قربانی جبران خود را به ورودی خیمه ملاقات خواهد آورد، یعنی یک قوچ جبران.<sup>۲۲</sup> با این قوچ جبران، کاهن برای وی در حضور یهوه، کفاره گناهی را که مرتکب شده انجام خواهد داد، و گناهی که مرتکب شده، به او بخشیده خواهد شد.

<sup>۲۳</sup> چون وارد سرزمین شوید و هر نوع درخت میوه بکارید، با میوه‌های آنها آن گونه رفتار خواهید کرد که گویی قَلْفَهٗ آنها باشد<sup>v</sup>: به مدت سه سال آنها را همچون

t این اختلاط‌ها همچون جلوه‌هایی از بی‌نظمی نمودار می‌گردد در خلقتی که از سوی خدا با نظم و ترتیب ساخته شده است. شاید برخی از عناصر جادوگری نیز در این موضوع دخیل بوده است.

u قرائت متن عبری: «گرامتی خواهد بود»: قرائت ترجمه یونانی: «تقتبشی خواهد بود» ترجمه ما مبتنی است بر قرائت‌های لاتین و آرامی. در راستای تفسیری که ما به کار برده‌ایم بخشی از سنت یهود، این را اشاره‌ای به مجازات شلاق زدن می‌داند.

v مرد «نامختون»، «نایاک» تلقی می‌شد؛ بر اساس همین مفهوم، این اصطلاح به شکل استعاری به کار رفته تا به این نکته اشاره شود که میوه‌های سه سال نخست چه برای مصرف و چه برای تقدیم به خدا نامناسب می‌باشند.

w چنین جشنی که می‌بایست حالتی خصوصی داشته باشد، در جای دیگری مورد اشاره قرار نگرفته است. از آن فقط در داور ۲۷:۹ یاد شده که در آن مرتبط است به تجلیات شادمانه انگورچینی.

x ر.ک. توضیح ۱- سمو ۱۴:۳۲.

y منظور احتمالاً اجتناب از برخی رسوم اقوام همجوار می‌باشد که می‌توانسته جنبه‌ای مذهبی یا جادویی نیز داشته باشد؛ همین امر در مورد آیه بعدی، در خصوص مجروح ساختن خویشتن و خال کوبی، صادق است.

۴. تمهیدات جزایی<sup>b</sup>

۲۰. <sup>a</sup>یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت: <sup>b</sup>به بنی اسرائیل خواهی گفت: هر کس از میان بنی اسرائیل یا از میان بیگانگانی که در اسرائیل مقیم اند، یکی از اعقاب خود را به مولک<sup>c</sup> تحویل دهد به مرگ سپرده خواهد شد؛ قوم سرزمین او را با سنگ‌ها خواهند کوفت. <sup>۳</sup>و من روی خود را بر علیه این شخص بر خواهم گرداند و او را از میان قومش منقطع خواهم ساخت، چرا که یکی از اعقابش را به مولک تحویل داده است، آن سان که پرستشگاه مرا ناپاک سازد و نام مقدس مرا بی حرمت کند. <sup>۴</sup>و چنانچه قوم سرزمین جسارت کرده، چشمان خود را ببندند تا این شخص را به هنگام تحویل یکی از اعقابش به مولک [نبینند]، و او را به مرگ نسپارند، <sup>۵</sup>من روی خود را بر علیه این مرد و بر علیه طایفه اش متوجه خواهم ساخت، و ایشان را از میان قومشان منقطع خواهم ساخت، هم او و هم تمامی آنانی را که بعد از او، با روسپیگری کردن به دنبال مولک<sup>d</sup>، روسپیگری می‌کنند.<sup>e</sup> <sup>۶</sup>و شخصی که به سوی احضار کنندگان ارواح و به سوی غیب‌گویان برگردد تا به دنبال ایشان روسپیگری کند<sup>f</sup>، من روی خود

<sup>۳۱</sup>به سوی احضارکنندگان ارواح و غیب‌گویان بر نخواهید گشت<sup>z</sup>، با ایشان مشورت مکنید تا با آنان ناپاک شوید: من یهوه، خدای شما هستم!

<sup>۳۲</sup>در مقابل موهای سفید بر خواهی خاست و روی سالخورده را حرمت خواهی داشت؛ بدینسان از خدایت خواهی ترسید: من یهوه هستم!

<sup>۳۳</sup>چون بیگانه‌ای در سرزمینتان با تو اقامت گزیند، او را آزار نخواهید رساند. <sup>۳۴</sup>بیگانه‌ای که نزد شما مقیم شود، برای شما همچون بومی‌ای خواهد بود از میان خودتان<sup>d</sup>؛ او را همچون خودت دوست خواهی داشت، زیرا که شما در سرزمین مصر غریبه بودید: من یهوه، خدای شما هستم!

<sup>۳۵</sup>مرتکب بی‌عدالتی نخواهید شد، خواه در داوری خواه در زمینه میزان و وزن یا حجم. <sup>۳۶</sup>ترازوهای درست خواهید داشت، وزن‌های درست، ایفه درست، هین درست: من یهوه، خدای شما هستم که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم.

<sup>۳۷</sup>تمامی فرایض مرا و تمامی قواعد مرا رعایت کرده، آنها را به جا خواهید آورد: من یهوه هستم!

۲۷:۶:۲۰  
تث ۱۸:۱۱  
اسمو ۲۸:۳  
یا ۲۳:۲۴  
اش ۸:۱۹  
۳:۱۹

خروج ۲۲:۲۰  
تث ۲۴:۱۷-۱۸  
۱۹:۲۷  
ار ۲۲:۳  
حزق ۲۲:۷  
مز ۱۴۶:۹  
تث ۱۰:۱۹

حزق ۴۵:۹

تث ۲۵:۱۳-۱۶  
حزق ۴۵:۱۰  
هو ۱۲:۸  
عا ۵:۸  
امث ۱:۱  
۲۰:۱۰-۲۳  
۱۱:۱۶

Z منظور هم اشاره است به نیروهایی که به آنها متوسل می‌شوند و هم به کسانی که عامل این کار بودند. ر.ک. ۲. پاد ۲۱:۶: ۲۴:۲۳.

a مقررات مربوط به بیگانگان و مهاجران عموماً در جهت جذب آنان در اجتماع اسرائیل حرکت می‌کند: توضحیح خروج ۱۲:۴۳.

b ر.ک. توضحیح ۱۸:۱.

c ر.ک. توضحیح ۱۸:۲۱.

d ر.ک. توضحیح ۱۷:۸.

e ر.ک. توضحیح ۱۸:۲۱.

f «احضار ارواح و غیب‌گویی» (ر.ک. ۱۹:۳۱ و توضحیح: ۲۰:۲۷) با «روسپیگری» یعنی بت‌پرستی یکسان انگاشته شده است.

است که هر دو مرتکب شده اند؛ ایشان به مرگ سپرده خواهند شد؛ خون ایشان بر ایشان می باشد.

۱۷:۱۸  
تث ۲۳:۲۷

<sup>۱۴</sup> مردی که دختر و مادر او را به زنی بگیرد: این یک رسوایی است؛ ایشان را به آتش خواهند سوزانید، او و آن زنهارا، تا در میان شما رسوایی نباشد.

۲۳:۱۸  
خروج ۱۸:۲۲  
تث ۲۱:۲۷

<sup>۱۵</sup> مردی که با حیوان رابطه داشته باشد: او به مرگ سپرده خواهد شد و حیوان را خواهید کشت.

<sup>۱۶</sup> زنی که به هر نوع حیوانی نزدیک شود تا با او جفت گیری نماید: زن و حیوان را خواهی کشت، آنها به مرگ سپرده خواهند شد؛ خون ایشان بر ایشان می باشد.

۱۱:۹:۱۸  
تث ۲۲:۲۷

<sup>۱۷</sup> مردی که خواهر خود را [به زنی] بگیرد، (یعنی) دختر پدرش یا دختر مادرش، و عربانی او را ببیند، آن سان که وی عربانی او را می بیند: این یک ننگ است؛ ایشان از چشمان پسران قوم خود منقطع خواهند شد. او عربانی خواهر خود را کشف کرده است؛ او خطای خود را حمل خواهد کرد.

<sup>۱۸</sup> مردی که با زنی ناخوش بخوابد و <sup>۱۹:۱۸</sup> عربانی اش را کشف کند: او چشمه وی را عربان کرده و آن زن خودش چشمه خون خود را منکشف ساخته هر دو از میان قومشان منقطع خواهند شد.

را بر علیه این شخص بر خواهم گرداند و او را از میان قومش منقطع خواهم ساخت.

<sup>۷</sup> شما خود را تقدیس خواهید کرد و مقدس خواهید بود، زیرا من یهوه، خدای شما هستم.

<sup>۸</sup> فرایض مرا رعایت خواهید کرد و آنها را به عمل خواهید آورد: من یهوه هستم که شما را تقدیس می کنم!

<sup>۹</sup> هر شخصی که پدرش یا مادرش را لعنت کند، به مرگ سپرده خواهد شد. او پدرش یا مادرش را لعنت کرده است؛ خون او بر وی می باشد.<sup>۹</sup>

خروج ۲۰:۲۰  
تث ۱۷:۲۱  
تث ۲۱:۱۸-۲۱  
مت ۴:۱۵ موازی

<sup>۱۰</sup> مردی که با زنی متأهل مرتکب زنا شود:

۲۰:۱۸  
تث ۲۲:۲۲  
خروج ۲۰:۱۴  
یو ۱:۱-۱۱

هر کس که با زن همسایه خود مرتکب زنا شود<sup>h</sup>، به مرگ سپرده خواهد شد، او (یعنی) آن مرد زناکار، و زن زناکار.

<sup>۱۱</sup> مردی که با زن پدرش بخوابد: او عربانی پدرش را کشف کرده است؛ هر دو به مرگ سپرده خواهند شد؛ خون ایشان بر ایشان می باشد.

۸:۱۸  
تث ۱۰:۳۳  
خروج ۲۰:۲۷  
قرن ۱:۵

<sup>۱۲</sup> مردی که با عروسش بخوابد: هر دو به مرگ سپرده خواهند شد. ایشان مرتکب جرم شده اند؛ خون ایشان بر ایشان می باشد.

۱۵:۱۸

<sup>۱۳</sup> مردی که با مردی بخوابد آن سان که با زن می خوابند: این امری نفرت انگیز

۲۲:۱۸

g می توان اینگونه نیز ترجمه کرد: «باشد که خودش بر خودش بیفتد»: همین نکته در مورد آیات ۱۱، ۱۲ و غیره صدق می کند. منظور از این اصطلاح این است که این مرد واقعاً مجرم است، و لذا مرگش باید فقط به حساب خودش گذاشته شود. ر.ک. یوشع ۲:۱۹.

h تحت اللفظی: «و مردی که با زن مردی مرتکب زنا شود که با زن همسایه اش مرتکب زنا می شود». احتمال زیادی هست که جمله در اثر نسخه برداری دو بار تکرار شده باشد؛ اما این اتفاق در زمان های دور رخ داده، زیرا ترجمه های یونانی و لاتین و سریانی و آرامی، جمله را به همین شکل آورده اند. نهایتاً جمله را می توان این گونه درک کرد: «وقتی مردی با زنی متأهل مرتکب زنا شود، وقتی که با زن همسایه اش مرتکب زنا شود...».

شما را از میان قوم‌ها، من یهوه، خدایتان، ممتاز ساخته‌ام.<sup>۲۵</sup> پس میان حیوان پاک و ناپاک، میان پرنده ناپاک و پاک تمایز قائل خواهید شد، و خود را با حیوانات، با پرندگان، با هر چه که بر روی زمین می‌خزد، با آنچه که برایتان ناپاک تعیین کرده‌ام، نجس نخواهید ساخت.

<sup>۲۶</sup> شما برای من مقدس خواهید بود، زیرا من قدوس هستم، من، یهوه، و شما را از میان قوم‌ها متمایز ساخته‌ام تا از آن من باشید.

<sup>۲۷</sup> مرد یا زنی که در او شیخ یا روحی باشد، به مرگ سپرده خواهند شد، ایشان را با سنگ‌ها خواهند کوفت؛ خون ایشان بر ایشان می‌باشد.

## ۵. تمهیدات مربوط به کاهنان<sup>n</sup>

الف) منهیات مربوط به زندگی خصوصی ایشان

<sup>۲۱</sup> یهوه به موسی گفت: به کاهنان بنی هارون بگو: به ایشان خواهی گفت: هیچ یک خود را برای مرده‌ای از میان خویشان ناپاک نخواهد ساخت،<sup>۲</sup> مگر برای نزدیکترین خویش خود: مادرش، پسرش، دخترش، برادرش.<sup>۳</sup> برای

<sup>۱۹</sup> عربانی خواهر مادرت یا خواهر پدرت را کشف نخواهی کرد؛ زیرا این همچون عربان کردن گوشت خویشتن است؛ ایشان خطای خود را حمل خواهند کرد.

<sup>۲۰</sup> مردی که با زن عمویا دایی خود بخوابد: او عربانی عمویا دایی خود را کشف کرده است؛ ایشان گناه خود را حمل خواهند کرد، ایشان بدون فرزند خواهند ماند.

<sup>۲۱</sup> مردی که زن برادر خود را [به زنی] بگیرد: این نجاست<sup>k</sup> است؛ او عربانی برادر خود را کشف کرده است؛ ایشان بدون فرزند خواهند مرد.

<sup>۲۲</sup> تمامی فرایض من و تمامی قواعد مرا رعایت خواهید کرد، و آنها را به عمل خواهید آورد و سرزمینی که شما را داخل آن خواهم ساخت تا در آن ساکن شوید، شما را قی نخواهد کرد.<sup>۲۳</sup> فرایض ملت‌هایی را که از مقابل شما خواهم راند پیروی نخواهید کرد، زیرا ایشان همه اینها را انجام داده‌اند و از ایشان بیزار شدم.<sup>۲۴</sup> به همین سبب به شما گفتم: زمین ایشان را شما صاحب خواهید شد، و آن را به من به ملکیت شما خواهم داد: سرزمینی که در آن شیر و شهد جاری است.

i در اینجا گسستگی در سبک وجود دارد: a۱۹ به سبک فصل ۱۸ نوشته شده: سبک فصل ۲۰ در b۱۹ از سر گرفته می‌شود. j این اصطلاح یا می‌تواند به این معنی باشد که ایشان صاحب اولاد نخواهند شد، یا اینکه از فرزندان که دارند محروم خواهند گردید.

k همین کلمه در فصل‌های ۱۲ و ۱۵ به کاررفته تا در معنایی فنی‌تر، به ناخوشی ناشی از عادت ماهانه اشاره کند. l آیه ۲۶ نتیجه‌گیری فصل‌های ۱۹-۲۰ را تشکیل می‌دهد. ر.ک. ۲:۱۹ که از فرمولی بسیار مشابه استفاده کرده است. m در اینجا آیه ۶ از سر گرفته شده تا نوع مجازاتی که در مورد مجرمین به اجرا در می‌آید (سنگسار شدن) تصریح گردد. n کاهنان وظیفه داشتند ارتباط قوم را با خدای زنده و مقدس برقرار سازند: به همین دلیل، باید حتی الامکان از تماس با مرگ (ر.ک. توضیح ۶:۱۰) و واقعیت‌های ناپاک یا ناپاک شده اجتناب کنند (۱:۲۱-۱۵) در همین چشم‌انداز، عضوی معلول از خانواده کاهنان به طور کامل از انجام خدمت کهنانت محروم می‌شود (۲۱:۱۶-۲۴)؛ همچنین کاهنی که ناپاک شده، نمی‌تواند هدایای مقدس را بخورد (۲۲:۱-۱۶).

که شما را تقدیس می‌کنم، قدوس هستم!<sup>۹</sup> اگر دختر کاهنی با روسپیگری خود را بی حرمت سازد، پدر خود را بی حرمت می‌سازد؛ او با آتش سوزانده خواهد شد.<sup>۱۰</sup> و اما کاهنی که نسبت به برادرانش ارشد است، که بر سر او روغن مسح ریخته شده و با پوشیدن جامه‌های [مقدس] منصوب گشته<sup>۹</sup>، او موهای خود را پریشان نخواهد ساخت و جامه‌های خود را پاره نخواهد کرد؛<sup>۱۱</sup> نزد جنازه هیچ مرده‌ای نخواهد آمد؛ نه برای پدرش و نه برای مادرش خود را ناپاک نخواهد ساخت.<sup>۱۲</sup> از پرستشگاه بیرون نخواهد آمد، و پرستشگاه خدای خود را بی حرمت نخواهد <sup>۷:۱۰</sup> ساخت، زیرا او بر خود نیم تاجی دارد و روغن مسح خدایش را: من یهوه هستم!<sup>۱۳</sup> او زنی را خواهد گرفت که هنوز باکره است.<sup>۱۴</sup> زن بیوه، زن مطلقه، زن بی حرمت یا روسپی، اینها را نخواهد گرفت؛ فقط باکره‌ای از میان خویشانش را به زنی خواهد گرفت.<sup>۱۵</sup> او اعقاب خود را در میان خویشانش بی حرمت نخواهد ساخت؛ زیرا من یهوه هستم، که او را تقدیس می‌کنم!

خواهر باکره‌اش، که خویش نزدیک است چرا که به مردی تعلق نداشته<sup>۹</sup>، برای وی می‌تواند خود را ناپاک سازد؛<sup>۴</sup> اما نباید خود را با خویشانش برای [خواهری] متأهل P ناپاک سازد: (در این صورت) او خود را بی حرمت خواهد ساخت.

ایشان بر سر خود تراشیدگی به عمل نخواهند آورد، کناره ریش خود را نخواهند تراشید، و بر بدن خود بریدگی ایجاد نخواهند کرد.<sup>۹</sup>

ایشان برای خدای خود مقدس خواهند بود و نام خدایشان را بی حرمت نخواهند ساخت، زیرا ایشان هستند که قربانی‌های آتشین را برای یهوه تقدیم می‌کنند، خوراک برای خدایشان؛ ایشان چیزی مقدس خواهند بود.

ایشان نه روسپی را خواهند گرفت و نه زنی بی حرمت را؛ و نیز زنی را که از سوی شوهرش طلاق داده شده نخواهند گرفت<sup>۱</sup>، زیرا [کاهن] به خدایش تخصیص یافته است.

<sup>۸</sup> او را مقدس خواهی داشت، زیرا او است که خوراک خدایت را تقدیم می‌کند؛ او برای تو مقدس خواهد بود، زیرا من، یهوه

O زن در اثر ازدواج، به خانواده و طایفه شوهرش می‌پیوندد، و در نتیجه، ارتباطات قانونی را با خانواده پدری‌اش از دست می‌دهد.

P این ترجمه فاقد قطعیت است. قرائت عبری: «او که در میان خویشانش رئیس است، نباید خود را ناپاک سازد مبدا که خود را بی حرمت نماید». قرائت یونانی: «خون را از روی بی‌خبری در میان خویشانش ناپاک نخواهد ساخت» قرائت آرامی و سریانی و لاتین: «خود را برای «رئیس» از قومش ناپاک نخواهد ساخت». عدم اشاره به «همسر» در فهرست مذکور در آیات ۲-۳، برخی از مترجمان را بر آن داشته تا در اینجا اشاره‌ای به آن بیابند (با اصلاح متن یا بدون اصلاح) و چنین ترجمه کنند: «[اگر] شوهر [است]، خود را ناپاک نسازد» اما چنین تفسیری نسبتاً نامحتمل می‌باشد.

Q آنچه که برای قوم ممنوع است (۲۷:۱۹)، چقدر بیشتر برای کاهنان.

R مطابق این مقررات، کاهن می‌تواند با یک بیوه ازدواج کند؛ اما تقریباً در همان دوره، حرق ۲۲:۴۴ سختگیرانه تر است و ازدواج با زنی بیوه را در صورتی مجاز می‌شمارد که آن زن، بیوه یک کاهن باشد.

S در خصوص آیین انتصاب، ر.ک. فصل ۸. کاهن اعظم به دلیل موقعیتش، باید حتی از آنچه که استثناً برای کاهنان مجاز شمرده شده، اجتناب کند.

## ب) موارد ممنوعیت برای کار کهنانت

<sup>۱۶</sup> یهوه با این مضمون با موسی سخن گفت: <sup>۱۷</sup> با هارون به این مضمون سخن بگو: مردی از اعقاب تو، از هر نسلی که باشد، اگر عیبی جسمانی داشته باشد، برای تقدیم خوراک خدایش نزدیک نخواهد شد. <sup>۱۸</sup> زیرا هر مردی که عیبی داشته باشد، نباید نزدیک شود: مرد نابینا یا لنگ، یا از شکل خارج شده، یا بدقیافه؛ <sup>۱۹</sup> یا مردی که شکستگی ران یا بازو داشته باشد، <sup>۲۰</sup> یا گوژپشت یا رنجور، یا اگر لکه ای در چشم، یا کجلی، یا سودا، یا بیضه ای له شده داشته باشد. <sup>۲۱</sup> هیچ مردی از اعقاب هارون کاهن که عیبی داشته باشد، نمی تواند برای تقدیم قربانی های آتشین برای یهوه نزدیک شود؛ او عیب دارد؛ او برای تقدیم خوراک خدایش نزدیک نخواهد شد.

<sup>۲۲</sup> خوراک خدایش را، چیزهای بسیار مقدس و چیزهای مقدس، آنها را می تواند بخورد، <sup>۲۳</sup> اما نزدیک پرده نخواهد آمد، و به سوی قربانگاه پیش نخواهد رفت؛ زیرا که دارای عیبی است: او پرستشگاه های <sup>۲۴</sup> مرا بی حرمت نخواهد ساخت؛ زیرا من یهوه هستم، که آنها را تقدیس می کنم! <sup>۲۴</sup> چنین سخن گفت موسی با هارون و با پسرانش و با تمامی بنی اسرائیل.

## ج) منهیات مربوط به خوردن قربانی ها

<sup>۲۲</sup> یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت: <sup>۲</sup> با هارون و با پسرانش سخن بگو تا از چیزهای مقدس که بنی اسرائیل به من تخصیص می دهند اجتناب کنند <sup>۷</sup> و نام مقدس مرا بی حرمت نسازند: من یهوه هستم! <sup>۳</sup> به ایشان بگو: در نسل های شما، هر مردی از اعقاب شما که هر گونه ناپاکی بر خود داشته باشد، و به چیزهای مقدسی که بنی اسرائیل به یهوه اختصاص می دهند نزدیک شود، این شخص از حضور من منقطع خواهد شد: من یهوه هستم! <sup>۴</sup> هیچ مردی از اعقاب هارون که مبتلا به جذام یا ترشح شده باشد، از چیزهای مقدس نخواهد خورد تا اینکه پاک شود. همچنین، آن که شخصی را لمس کند که با مرده ای ناپاک شده باشد، یا مردی که ریزش منی داشته باشد، <sup>۵</sup> یا مردی که هر نوع موجود تکثیر شونده ای را لمس کند که او را ناپاک کرده باشد، یا انسانی را که ناپاکی خود را به او منتقل کند، هر که باشد: <sup>۶</sup> شخصی که آن را لمس کند، تا شامگاه ناپاک خواهد بود، و از چیزهایی مقدس نخواهد خورد تا زمانی که بدن خود را در آب استحمام کند. <sup>۷</sup> از غروب آفتاب، او پاک خواهد بود؛ آنگاه می تواند از چیزهای مقدس بخورد، زیرا این خوراک او است.

t ماهیت این دو معلولیت اخیر به روشنی مشخص نشده: قرائت یونانی: «کسی که دماغ یا گوش بریده دارد»، قرائت لاتین: «کسی که دماغ خیلی کوچک یا خیلی بزرگ یا کج دارد».  
 u منظور خود پرستشگاه و اشیاء مقدس داخل آن است.  
 v منظور اجتناب از مواردی است که از آیه ۳ به بعد ذکر شده است.

۲۴:۷  
 ۱۵:۱۷  
 خروج ۳۰:۲۲  
 تث ۱۴:۱۴  
 حزق ۴:۱۴

<sup>۸</sup> او حیوان مرده یا دریده نخواهد خورد؛  
 (در این صورت)، او در اثر آن ناپاک  
 خواهد شد: من یهوه هستم!

<sup>۹</sup> ایشان توصیه مرا رعایت خواهند کرد و  
 هیچ گناهی را در این مورد<sup>W</sup> بر خود  
 نخواهند آورد: ممکن است در اثر بی حرمت  
 ساختن [چیزهای مقدس] بمیرند: من یهوه  
 هستم که ایشان را تقدیس می کنم!

<sup>۱۰</sup> هیچ شخص غیر کاهن از چیزی مقدس  
 نخواهد خورد؛ نه میهمان کاهن، نه مزدور،  
 از چیزی مقدس نخواهند خورد.<sup>X</sup> <sup>۱۱</sup> اما  
 چنانچه کاهنی شخصی را به بهای نقره  
 حاصل کند، این شخص می تواند از آن  
 بخورد؛ آنانی که در خانه او زاده شده اند<sup>لا</sup>  
 نیز می توانند از خوراک او بخورند.  
<sup>۱۲</sup> چنانچه دختر کاهنی متعلق به یک فرد  
 غیر کاهن شده باشد، از آنچه که از چیزهای  
 مقدس پیش برداشت شده، نخواهد خورد.  
<sup>۱۳</sup> اگر دختر کاهنی که بدون داشتن اعقاب،  
 بیوه یا مطلقه شده باشد، به خانه پدرش باز  
 گردد، او می تواند مانند دوره جوانی اش،  
 از خوراک پدرش بخورد. اما هیچ فرد غیر  
 کاهن از آن نخواهد خورد.

<sup>۱۴</sup> چنانچه کسی در اثر غفلت از چیزی  
 مقدس بخورد، [ارزش] چیز مقدس را با  
 اضافه کردن یک پنجم، به کاهن باز پس  
 خواهد داد.

<sup>۱۵</sup> ایشان چیزهای مقدس بنی اسرائیل را  
 بی حرمت نخواهند ساخت، آنچه را که  
 ایشان برای یهوه پیش برداشت کرده اند.  
<sup>۱۶</sup> و نخواهند گذاشت که با خوردن  
 چیزهای مقدس ایشان، خطای جبران بر ۱۶-۱۴:۵  
 ایشان وارد آید، زیرا من یهوه هستم که  
 ایشان را تقدیس می کنم!

## ۶- تمهیدات مربوط به حیوانات قربانی<sup>Z</sup>

<sup>۱۷</sup> یهوه به این مضمون با موسی سخن  
 گفت: <sup>۱۸</sup> با هارون و پسرانش، و نیز با  
 تمامی بنی اسرائیل سخن بگو؛ به ایشان  
 خواهی گفت هر شخصی از خاندان اسرائیل  
 یا از میان بیگانگانی که در اسرائیل اقامت  
 دارند و هدیه ای تقدیم کند برای یکی از  
 نذرهایش یا هدایای داوطلبانه اش، که  
 همچون قربانی سوختنی به یهوه تقدیم  
 می کنند، <sup>۱۹</sup> برای اینکه مقبول واقع شوید،  
 باید که نری بی عیب باشد: احشام بزرگ،  
 بره، یا بز، <sup>۲۰</sup> از آنهایی که عیبی داشته  
 باشند تقدیم نخواهید کرد: این برای شما  
 مقبول واقع نمی شود.

<sup>۲۱</sup> وقتی شخصی برای ادای نذری یا  
 تقدیم هدیه ای داوطلبانه، قربانی آرامشی به  
 یهوه تقدیم می کند، خواه از احشام بزرگ  
 باشد خواه از احشام کوچک، [حیوان]

W منظور از «این موارد»، موضوع خوراک ایشان است.

X ماجرای مذکور در ۱- سمو ۲:۲۱-۷ که عیسی آن را همچون نمونه به کار برد (مت ۳:۱۲-۴ و مشابهاً)، نشان می دهد که این حکم را می شد، در صورت ایجاب ضرورت، همراه با نوعی انعطاف به کار بست.  
 لا.ر.ک. خروج ۴:۲۱.

Z به همان دلیلی که قبلاً در توضیح ۱:۲۱ شرح داده شده، حیوانات قربانی می بایست در حالت سلامت کامل جسمانی باشند: این امر لازمه قداست و کمال الهی است. حیوانی معلول، اهانتی است به کمال حیات و نیرویی که در خدا وجود دارد (ر.ک. ملا ۸:۱).



برای یهوه مقبول واقع شود، باید بی عیب باشد: در او عیبی نخواهد بود.<sup>۲۲</sup> از حیوان کور، ناقص الخلقه، مقطوع العضو، یا مبتلا به زخم و گری یا سودا<sup>a</sup>، از اینها به یهوه تقدیم نخواهید کرد، و از آنها بر قربانگاه، همچون قربانی آتشین برای یهوه نخواهید گذارد.<sup>۳</sup> گاو یا حشم کوچک که بدقیافه یا از حال رفته باشد، از اینها می توان هدیه ای داوطلبانه بدهی، اما برای نذر مقبول واقع نخواهد شد.<sup>۲۴</sup> حیوانی که بیضه های کوبیده شده، له شده، کنده شده، یا بریده شده داشته باشد<sup>b</sup>، آن را به یهوه تقدیم نخواهید کرد؛ این را در سرزمین خود انجام نخواهید داد.<sup>۲۵</sup> از دست پسران بیگانه هیچ یک از این [حیوانات] را نخواهید پذیرفت تا همچون خوراک خدایتان تقدیم کنید، زیرا قطع عضو آنها در آنها عیب است: آنها برای شما مقبول واقع نمی شود.

برای یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت:<sup>۲۶</sup> چون گوساله، بره یا بزری زاده خروج ۲۹:۲۲ شود، هفت روز زیر مادرش خواهد ماند؛ از روز هشتم و بعد از آن، همچون هدیه آتشین

برای یهوه مقبول خواهد بود.<sup>۲۸</sup> گاو یا حشم کوچک را، [حیوان] و بچه اش را، در همان روز ذبح نخواهید کرد.<sup>c</sup> و چون قربانی ستایش برای یهوه قربانی می کنید، آن را به طریقی قربانی خواهید کرد که مقبول واقع شود.<sup>۳۰</sup> آن را همان روز خواهند خورد؛ چیزی تا صبح روز ۱۵:۷ بعد باقی نخواهید گذارد؛ من یهوه هستم!<sup>۳۱</sup> احکام مرا رعایت خواهید کرد و آنها را به جا خواهید آورد؛ من یهوه هستم.<sup>۳۲</sup> نام مقدس مرا بی حرمت نخواهید ساخت تا خود را در میان بنی اسرائیل مقدس نشان دهم؛ من یهوه هستم که شما را تقدیس می کنم،<sup>۳۳</sup> که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم تا خدایتان باشم؛ من یهوه هستم!

۴۵:۱۱  
۳۸:۲۵  
۴۵:۲۶  
۱۱:۴  
۷:۲۴

## ۷- اعیاد اسرائیلیان<sup>d</sup>

خروج ۲۳:۱۴-۱۹  
۳۳-۱۸:۳۴  
اعد ۲۸-۲۹  
تث ۱۶-۱:۱۷

۲۳ 'یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت:<sup>۲</sup> با بنی اسرائیل سخن بگو؛ به ایشان خواهی گفت: اعیاد<sup>e</sup> یهوه که ایشان را به گردهم آیی های مقدس<sup>۱</sup> دعوت خواهید کرد، اعیاد من می باشند.

- a کلمه ای که در اینجا «زخم» ترجمه شده، گاه به معنای «چرک» نیز به کار رفته است. کلمه ای که در اینجا «سودا» ترجمه شده (اینجا و در ۲۰:۲۱)، با کلمه ای که در ۶:۱۳-۸ به کار رفته، تفاوت دارد.
- b سلامت اندام های انتقال حیات در حیوان، برای مقبول بودن نزد خدای حیات ضروری است، حتی در مورد قربانی های داوطلبانه. بخش آخر آیه، ممنوعیت تقدیم حیوانات اخته را تکرار نمی کند، بلکه امر اخته کردن را در هر چهار شکل مذکور، منع می کند.
- c این حکم و نیز حکم قبلی، احتمالاً الهام یافته از مبارزه ای است که با رسوم کنعانی در جریان بود.
- d این فصل به تشریح مفهوم اعیاد نمی پردازد و فرض را بر این می گذارد که خواننده آن را می داند. در اینجا، اعیاد از دو دیدگاه مورد توجه قرار می گیرند، یعنی قربانی هایی که باید تقدیم شود، و توقف انجام هر کاری.
- e در عبری، برای کلمه «عید»، واژه «موعد» به کار رفته که به معنی «قرار ملاقات» یا «ملاقات» می باشد. نام «خیمه ملاقات» نیز از همین کلمه گرفته شده است (خروج ۳۳:۷)؛ همین کلمه بر «عید» نیز دلالت دارد، اعیادی که در تاریخ ها و مکان های مقرر برگزار می شود؛ در طی این اعیاد، ملاقات میان خدا و قومش تحقق می یابد (خروج ۲۹:۴۳).
- ۱ «گردهم آیی های مقدس» تجمع هایی مذهبی است که طی آن اسرائیلیان به حضور در پیرامون پرستشگاه، به مناسبت اعیاد، دعوت می شدند.

<sup>۹</sup>یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت: <sup>۱۰</sup> با بنی اسرائیل سخن بگو؛ به ایشان خواهی گفت: آن هنگام که وارد سرزمینی شدید که به شما می‌دهم محصول آن را برداشت کردید، بافه‌ای<sup>۱</sup> برای کاهن خواهید آورد، نوبر محصولتان را،<sup>۱۱</sup> و او بافه را در حضور یهوه تکان خواهد داد تا مقبول واقع شوید. کاهن آن را در فردای سبت<sup>m</sup> تکان خواهد داد.

<sup>۱۲</sup> در روزی که بافه را تکان می‌دهید، بره‌ای بی عیب که در آن سال زاده شده باشد قربانی خواهید کرد.<sup>۱۳</sup> هدیه آردی آن: دو دهم آرد تازه سرشته شده به روغن، هدیه آتشین برای یهوه، عطر آرام بخش؛ هدیه ریختنی آن: شراب، یک چهارم هین.<sup>۱۴</sup> تا به این روز، نه نان خواهید خورد، نه دانه برشته، نه دانه تازه، تا اینکه هدیه را برای خدایان آورده باشید: این نهادی

<sup>۳</sup> به مدت شش روز کار خواهند کرد، اما روز هفتم، سبت<sup>f</sup>، استراحت سبت، گردهم‌آبی مقدس؛ هیچ کاری نخواهید کرد. این سبتی است برای یهوه، در تمام مکان‌هایی که در آنها ساکن خواهید بود.<sup>۴</sup> این است اعیاد یهوه، گردهم‌آبی‌های مقدس که ایشان را در وقتش به آنها دعوت خواهید کرد.

<sup>۵</sup> در ماه اول<sup>g</sup>، چهاردهم ماه، میان دو شامگاه<sup>h</sup>، گذر<sup>i</sup> برای یهوه خواهد بود،<sup>۶</sup> و روز پانزدهم این ماه، عید فطیر<sup>j</sup> برای یهوه خواهد بود. به مدت هفت روز فطیر خواهید خورد.<sup>۷</sup> روز اول، برای شما گردهم‌آبی مقدس خواهید بود؛ هیچ کار مربوط به پیشه<sup>k</sup> نخواهید کرد.<sup>۸</sup> به مدت هفت روز، قربانی آتشین برای یهوه تقدیم خواهید کرد؛ روز هفتم، گردهم‌آبی مقدس؛ هیچ کاری مربوط به پیشه نخواهید کرد.

f «سبت» نهادی است که در اسرائیل از دو مفهوم برخوردار است: یکی زمانی است که در آن همه باید خروج از مصر و آزادی ناشی از آن را تجربه کنند (خروج ۱۲:۲۳؛ تث ۵:۱۲-۱۵)، و دیگری روزی است که ورود نهایی به آرامی الهی را به تصویر می‌کشد (پید ۲:۲؛ خروج ۸:۲۰-۱۱؛ ۱۷:۳۱). سبت که عیدی است هفتگی، در این فصل که درباره ملاقات‌های پرشکوه با خداوند سخن می‌گوید، از جایگاه ویژه خود برخوردار است. با وجود این، سبت عیدی سالانه نیست، و همین امر، جایگاه مستقل آن را در آغاز این فصل توجیه می‌کند. به همین جهت، مقدمه جدیدی را در آیه ۴ مشاهده می‌کنیم که مشابه آیه ۲۲ می‌باشد.

g منظور ماه اول از سالی است که در بهار آغاز می‌شود، ماهی که نیسان نام دارد (مقارن با فروردین ایرانی). ر.ک. توضیح خروج ۱۲:۲.

h ر.ک. توضیح خروج ۱۲:۶.

i در مورد «گذر» ر.ک. خصوصاً خروج ۱۲.

j عید «فطیر» (نان بی خمیر ترش) (ر.ک. اعد ۲۸:۱۶-۲۵)، از نظر توالی زمانی، مرتبط به عید گذر است، اما منشأی مستقل دارد، چرا که عیدی است کشاورزی، حال آنکه گذر عیدی است مربوط به دامداری (ر.ک. توضیح خروج ۱۲:۱۵).

k منظور کار سخت و توان فرسا است.

l عید «بافه‌ها» و عید «پنجاه روز»، دوره زمانی برداشت محصول را در بر می‌گیرند. اهدای بافه اولیه به منظور خارج کردن محصول از تقدس آن می‌باشد؛ این آیین مشابه آیین «ختنه» درختان در ۲۳:۱۹-۲۵ می‌باشد. خوردن این برداشت، پیش از روز عید، ممنوع بود (آیه ۱۴).

m سنت یهود در خصوص تاریخ این سبت دچار اختلاف نظر بود: صدوقیان آن را سبتی می‌دانستند که در دوره هفت روزه فطیر می‌افتاد؛ فریسیان آن را همان روز عید گذر می‌دانستند که می‌توانست در هر روزی از هفته واقع شود.

روز، گردهم آیی ای بر پا خواهید کرد؛ این برای شما گردهم آیی مقدس خواهد بود؛ هیچ کار مربوط به پیشه نخواهید کرد؛ این نهادی است دائمی در تمام مکان هایی که در آنها ساکن خواهید بود، برای تمام نسل هایتان.

<sup>۲۲</sup>P چون در سرزمین خود درو کنید، حاشیه مزرعه خود را تا انتها درو نخواهی کرد، و خوشه چینی حصاد خود را خوشه چینی نخواهی کرد. آن را برای فقیر و غریب رها خواهی کرد؛ من یهوه، خدای شما هستم!

<sup>۲۳</sup> یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت: <sup>۲۴</sup> با بنی اسرائیل به این مضمون سخن بگو: ماه هفتم، اول ماه، برای شما استراحت سبت خواهد بود، یادآوری به هلله<sup>۲۵</sup>؛ گردهم آیی مقدس. هیچ کار مربوط به پیشه نخواهید کرد، و قربانی آتشین برای یهوه تقدیم خواهید داشت.

<sup>۲۶</sup> یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت: <sup>۲۷</sup> از سوی دیگر، دهم این ماه هفتم، روز کفاره<sup>۲۸</sup>ها است. برای شما گردهم آیی مقدس خواهد بود؛ جان های خود را اندوهگین خواهید ساخت و قربانی آتشین به یهوه تقدیم خواهید نمود. <sup>۲۸</sup> در همین

است دائمی برای تمام نسل های شما، در تمام مکان هایی که در آنها ساکن خواهید بود.

<sup>۱۵</sup> از فردای سبت به بعد، از روزی که بافه تکان دانی را می آورید، برای خود هفت هفته<sup>n</sup> خواهید شمرد، هفته های کامل. <sup>۱۶</sup> پنجاه روز<sup>o</sup> خواهید شمرد، تا فردای سبت هفتم، و هدیه آردی تازه ای به یهوه تقدیم خواهید کرد. <sup>۱۷</sup> از مکان هایی که در آنها ساکن خواهید بود، دو نان تکان دانی خواهید آورد که دو دهم آرد تازه خواهد بود؛ آنها با خمیر مایه پخته خواهند شد؛ اینها میوه های نخستین برای یهوه خواهند بود. <sup>۱۸</sup> علاوه بر نان، هفت بره بی عیب، یک گاو نر جوان و دو قوچ تقدیم خواهید کرد؛ اینها قربانی سوختنی برای یهوه خواهند بود، با هدیه آردی و هدیه های ریختنی شان، قربانی آتشین، عطر آرام بخش برای یهوه. <sup>۱۹</sup> یک بز همچون قربانی گناه، و دو بره یکساله همچون قربانی آرامش، قربانی خواهید کرد. <sup>۲۰</sup> کاهن، علاوه بر نان محصولات نخستین، تکان دادن را با آنها در حضور یهوه انجام خواهد داد، با آن دو بره؛ آنها برای کاهن به یهوه تخصیص خواهند یافت. <sup>۲۱</sup> همین

n تحت اللفظی: «هفت سبت».

o عید «پنجاه روز» (به یونانی «پنطیکاست») که «عید برداشت محصول» (ر.ک. توضیح خروج ۲۳:۱۶) یا «عید هفته ها» (خروج ۳۴:۲۲) نیز نامیده می شد، آیین سیاسیگزارگی گسترده ای بود که در پایان برداشت محصول گندم برگزار می شد.

p این آیه که تقریباً مشابه ۹:۱۹ می باشد، به نظر می رسد که به دلیل اشاره به برداشت محصول در اینجا تکرار شده است.

q تحت اللفظی: «یادمان هلله» عید روز اول ماه هفتم (یا «روز هلله»، اعد ۲۹:۱؛ ر.ک. توضیح) احتمالاً بازمانده رنگ باخته جشن های قدیمی ماه جدید بوده (جشن اول ماه قمری). روز ماه جدید در ماه هفتم (در گاه شماری که در آن، سال از بهار شروع می شد)، احتمالاً به این دلیل باقی مانده که همزمان بود با آغاز سال پاییزی (مهر ماه ایرانی). در یهودیت متأخر که آغاز سال در پاییز جشن گرفته می شد، این عید «رُش ها - شنه» (سال جدید) نام گرفت. خصوصیت این عید این بود که کرناها با سه نوع مختلف نواخته می شد.

r ر.ک. توضیح ۱:۱۶.

آتشین به یهوه تقدیم خواهید کرد؛ این تجمعی است پرشکوه<sup>۳۷</sup>: هیچ کار بندگی نخواهید کرد.

<sup>۳۷</sup> این چنین است اعیاد یهوه که در آنها گردهم آیی های مقدس بر پا خواهید داشت تا قربانی آتشین به یهوه تقدیم کنید، قربانی سوختنی و هدیه آردی، قربانی ذبحی و هدیه ریختنی، هر چیز در روز مقرر، <sup>۳۸</sup> جدا از سبت های <sup>۷</sup> یهوه، جدا از هدایایان، جدا از تمام نذرهایان و جدا از تمام هدایای داوطلبانه که به یهوه خواهید داد.

<sup>۳۹</sup> از سوی دیگر، روز پانزدهم از ماه هفتم، وقتی محصول زمین خود را درو کرده باشید، عید یهوه را به مدت هفت روز جشن خواهید گرفت: روز اول، استراحت سبت؛ روز هشتم، استراحت سبت. <sup>۴۰</sup> روز اول، برای خود میوه های درختان نیکو، و شاخه های درخت نخل، و شاخه های درختان پربزرگ، و بیدهای نهر خواهید گرفت، و در حضور یهوه، خدایان، شادی خواهید کرد<sup>۴۱</sup>، به مدت هفت روز. این عید را همچون عیدی برای یهوه، هفت روز در سال، جشن خواهید گرفت: این نهادی است دائمی برای تمامی نسل های شما.

روز، هیچ کاری نخواهید کرد، زیرا این روز کفاره ها است که در آن برای شما در حضور یهوه، خدایان، کفاره می کنند. <sup>۳۹</sup> زیرا هر شخصی که خود را اندوهگین نسازد، در همین روز، از میان خویشانش منقطع خواهد شد؛ <sup>۴۰</sup> و هر شخصی که همین روز هر کاری انجام دهد، این شخص را از میان قومش محو خواهیم ساخت. <sup>۴۱</sup> هیچ کاری نخواهید کرد: این نهادی است دائمی برای تمام نسل های شما، در تمام مکان هایی که در آنها ساکن خواهید بود. <sup>۴۲</sup> این برای شما سبت خواهد بود، استراحت سبت؛ جان های خود را اندوهگین خواهید ساخت؛ نهم ماه، شامگاه تا شامگاه [بعدی]<sup>۴۳</sup>، سبت خود را تعطیل خواهید کرد.

<sup>۴۳</sup> یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت: <sup>۴۴</sup> با بنی اسرائیل به این مضمون سخن بگو: روز پانزدهم از این ماه هفتم، عید آلونک ها<sup>۴</sup> است، به مدت هفت روز، برای یهوه. <sup>۴۵</sup> روز اول، گردهم آیی مقدس؛ هیچ کار مربوط به پیشه نخواهید کرد. <sup>۴۶</sup> به مدت هفت روز، قربانی آتشین به یهوه تقدیم خواهید کرد. روز هشتم، برای شما گردهم آیی مقدس خواهد بود، و قربانی

S تحت اللفظی: «از شامگاه تا شامگاه»

T در برخی از ترجمه ها، اصطلاح «عید خیمه ها» به کار رفته است. این عید قبلاً «عید درو» نامیده می شد (توضیح خروج ۲۳:۱۶؛ ۲۲:۳۴). رسم بر پا کردن آلونک از شاخه های درختان احتمالاً از رسمی کشاورزی گرفته شده (به منظور نگهداری محصول به هنگام درو): این امر امکان این را فراهم آورد که این عید را به رویدادهایی مربوط به خروج مرتبط سازند (آیات ۴۲-۴۳). در سنت یهود، مز ۸۱ عنصری است از آیین نیایش مربوط به این عید.

U روز هشتم به خود این عید به طور خاص مربوط نمی شود، بلکه بیشتر حالت انتقال به زندگی عادی را دارد.

V قربانی هایی که برای روزهای عید مقرر شده بود، جایگزین قربانی هایی که برای آیین های عادی سبت تعیین شده بود نمی گردد (اعد ۲۸:۹-۱۰)، بلکه به آنها اضافه می شد، همچنین به قربانی های نذری و داوطلبانه.

W اصطلاح عبری که به کار رفته، دلالت دارد بر شادی های گروهی در چارچوب عیدی مذهبی.

آن را در ماه هفتم جشن خواهید گرفت.  
 ۴۲ به مدت هفت روز در آلونک‌ها ساکن خواهید شد؛ هر بومی در اسرائیل در چپر‌ها ساکن خواهید شد،<sup>۴۳</sup> تا تمامی نسل‌هایتان بدانند که من بنی اسرائیل را در آلونک‌ها ساکن ساختم آن هنگام که ایشان را از سرزمین مصر بیرون آوردم؛ من یهوه، خدای شما هستم!»  
 ۴۴ موسی اعیاد یهوه را برای بنی اسرائیل مشخص ساخت.<sup>x</sup>

خروج ۲۵:۳۰-  
 ۱ سمو ۲۱:۵-۷:  
 مت ۴:۱۴ موازی

۵ آرد تازه خواهی گرفت و با آن دوازده شیرینی خواهی پخت؛ هر شیرینی دو دهم خواهد بود. ۶ آنها را در دو ردیف خواهی گذارد، شش در هر ردیف، روی میز خالص<sup>a</sup>، در حضور یهوه. ۷ بر هر ردیف، بخور خالص<sup>b</sup> قرار خواهی داد؛ آن برای نان، به کار یادمان، قربانی آتشین برای یهوه خواهد آمد. ۸ آنها را هر روز سبت در حضور یهوه قرار خواهند داد، به طور دائم، از سوی بنی اسرائیل: این عهدی است دائمی<sup>c</sup>. ۹ آنها متعلق به هارون و پسرانش خواهد بود، و آنها را در مکانی مقدس<sup>d</sup> خواهند خورد؛ زیرا این برای او، [سهمی] بسیار مقدس از قربانی‌های آتشین برای یهوه می باشد: این فرمانی است دائمی».

## ۸. دو ترتیب مربوط به پرستشگاه

۲۴<sup>۱</sup> یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت: ۲ «به بنی اسرائیل امر کن تا برایت روغن خالص زیتون کوبیده برای روشنایی تهیه کنند، تا چراغی به طور دائم بر پا شود. ۳ هارون آن را بیرون از پرده شهادت، در خیمه ملاقات قرار خواهد داد، تا از شامگاه تا بامداد در حضور یهوه باشد، به طور دائم<sup>۲</sup>: این نهادی است ابدی برای تمام نسل‌های شما. ۴ او چراغ‌ها را بر شمعدان چند شاخه خالص<sup>z</sup> خواهد نهاد، در حضور یهوه، به طور دائم.

خروج ۲۵:۳۱-۴۰:  
 ۲۷:۲۰-۲۱:  
 اعد ۴:۱۶:  
 ۱ سمو ۳:۳۰

## ۹. مجازات کفر، قانون قصاص<sup>e</sup>

۱۰ پسر زنی اسرائیلی و مردی مصری به میان بنی اسرائیل بیرون آمد، و نزاعی در اردوگاه میان پسر زن اسرائیلی و مردی اسرائیلی در گرفت. ۱۱ آنگاه پسر زن اسرائیلی به آن نام<sup>f</sup> کفر گفت و آن را لعنت کرد. او را نزد موسی آوردند. نام آن مادر خروج ۲۲:۲۷:

X برخی از ترجمه‌های جدید، این گونه تفسیر کرده و آورده اند: «موسی به بنی اسرائیل گفت که چگونه یهوه را به هنگام اعیاد پرشکوه ملاقات کنند» در چنین تفسیری، کلمه «عید» در معنای اصلی عبری آن، یعنی «قرار ملاقات» به کار رفته است.  
 Y «بیرون از پرده شهادت» یعنی در قدس، مربوط به پرده ی جدا کننده قدس از اقداسی که در آن تابوت حاوی ده فرمان وجود داشته است. (ر.ک. ۱۶:۱۲-۱۳).

Z ر.ک. توضیح خروج ۳۱:۸:  
 a احتمالاً منظور «از طلای خالص» است، مانند شمعدانی در آیه ۴؛ مگر آنکه بخواهیم تأکید را بر طهارت (یا تطهیر) آیین میز بگذاریم.

b ترجمه یونانی اضافه می کند: «و نمک» (ر.ک. ۲:۱۳).

c یا «تکلیف واجب» که ناشی از عهد می باشد.

d ر.ک. توضیح ۱۰:۱۴.

e آیات ۱۰-۱۶ و ۲۳، در سبکی مشابه با فصل ۱۰، حکایتی را بازگو می کند که هدفش ارائه دستوری است الهی در مورد کفرگویی و مجازات آن.

f منظور نام یهوه است (ر.ک. آیه ۱۶). ترس از «بیهوده بر زبان آوردن» نام الهی (خروج ۲۰:۷) به تدریج یهودیان را به این سمت سوق داد که آن را مطلقاً بر زبان نیاورند و آن را با اصطلاحات دیگری جایگزین سازند، نظیر «خداوند» «آن نام»، «آسمان‌ها» و غیره. ر.ک. توضیح خروج ۳:۱۵.

مقابل چشم، دندان در مقابل دندان، زخمی  
که بر کسی وارد کرده، آن را بر او وارد  
خواهند کرد.<sup>۲۱</sup> هر که حیوانی را بزند، آن  
را جایگزین خواهد ساخت و هر که انسانی  
را بزند، به مرگ سپرده خواهد شد.<sup>۱</sup>  
<sup>۲۲</sup> برای شما تنها یک قانون وجود خواهد  
داشت، خواه غریب باشد، خواه بومی؛ زیرا  
من یهوه، خدای شما هستم!»

خروج: ۲۳-۲۵  
تث: ۱۶-۲۱  
ع: ۱۵  
مت: ۳۸-۴۲  
خروج: ۲۱-۳۳  
۱۴:۲۲

اعد: ۱۵:۱۶

<sup>۲۳</sup> موسی با بنی اسرائیل سخن  
گفت: ایشان آن کس را که لعنت را بر زبان  
آورده بود خارج از اردوگاه بیرون آوردند،  
و او را با سنگ‌ها کوفتند. بدینسان، بنی  
اسرائیل مطابق آنچه یهوه به موسی امر  
کرده بود، انجام دادند.

## ۱۰. سال‌های مقدس

### الف) سال سبت<sup>۱</sup>

تث: ۱۵:۱-۱۱

<sup>۲۵</sup> یهوه بر روی کوه سینا به این  
مضمون با موسی سخن گفت: «با  
بنی اسرائیل سخن بگو: به ایشان خواهی  
گفت: چون داخل سرزمینی شوید که من به  
شما می‌دهم، زمین یک سبت برای یهوه  
تعطیل خواهد شد!<sup>۳</sup> به مدت شش سال  
مزرعات را بذرپاشی خواهی کرد، به مدت  
شش سال تاکستان را هرس خواهی کرد و

شلومیت بود، دختر دبری از قبیله دان.<sup>۱۲</sup> او  
را تحت مراقبت کامل قرار دادند تا بر  
حسب امر یهوه، در مورد او تصمیم بگیرند.  
<sup>۱۳</sup> یهوه به این مضمون با موسی سخن  
گفت: «آن کس را که لعنت را بر زبان  
آورده، خارج از اردوگاه بیرون آور. همه  
آنانی که شنیده‌اند، دستهای خود را بر سر  
وی تکیه خواهند داد و تمامی جماعت او را  
[با سنگ‌ها] خواهند کوفت.

<sup>۱۵</sup> او با بنی اسرائیل به این مضمون سخن  
خواهی گفت: هر کس که خدای خود را  
لعنت کند، گناه خود را حمل خواهد کرد.  
<sup>۱۶</sup> آن کس که نام یهوه را کفر گوید، به  
مرگ سپرده خواهد شد: تمامی جماعت  
باید او را [با سنگ‌ها] بکوبند. خواه  
غریب باشد، خواه بومی، اگر آن نام<sup>۱۷</sup> را  
کفر گوید، به مرگ سپرده خواهد شد.

اعد: ۳۵-۳۶  
هوشع: ۷:۲۵

اع: ۷:۵۸

<sup>۱۷</sup> اگر کسی شخصی را هر که باشد،  
بزند و بکشد، او به مرگ سپرده خواهد  
شد.<sup>۱۸</sup> هر که حیوانی را بزند و بکشد، آن  
را جایگزین خواهد ساخت: زندگی در  
مقابل زندگی.<sup>۱۹</sup> اگر کسی زخمی بر  
همسایه‌اش وارد کند، همان گونه که کرده،  
به همان گونه با او کرده خواهد شد:  
<sup>۲۰</sup> شکستگی در مقابل شکستگی، چشم در

خروج: ۲۰:۱۳  
۱۲:۲۱

g تحت اللفظی: «نامی را»؛ متن سامری و ترجمه آرامی قرائت کرده‌اند: «آن نام»؛ ترجمه‌های یونانی و لاتین: «نام خداوند».  
h آیات ۱۷-۲۲ ترتیبی قضایی ارائه می‌دهند که به سبک «قانون عهد» نوشته شده است (خروج ۲۰:۲۲ تا ۲۳:۱۹) شاید  
دستور صریح را (آیه ۱۲) که برای مجازات کفرگو مورد نیاز بوده، از مجموعه‌ای کوچک از احکام جستجو کرده‌اند؛ در این  
صورت شاید تمامی این بخش، یا جزیی از آن را نقل قول می‌کردند.

i وزن و توازی این آیه می‌تواند نشانه‌ای از کهن بودن آن باشد.  
[منشأ این نهاد هر چه باشد (یعنی این مقوله که زمین نیاز به استراحت دارد یا اینکه به شکلی قضایی برای درو تهیدستان رها  
شود، مانند خروج ۲۳:۱۰-۱۱)، لاو ۲۵:۱-۷ سال سبت زمین را تحت همان ضرب آهنگ بزرگ کار-استراحت قرار  
می‌دهد که از قبل زندگی بشر را در چارچوب هفته تنظیم می‌کرده است. این دوره‌های استراحت داوطلبانه این امکان را به  
مردم می‌داد که فرمانبرداری همراه با توکل خود را به خدا ابراز دارند، و به یاد ایشان آورد که ایشان دستگاه تولید محصول  
نیستند.

هفته سال‌ها برایت چهل و نه سال خواهد شد.<sup>۹</sup> ماه هفتم<sup>n</sup>، دهم ماه، کرنا را با هلهله به صدا در خواهی آورد؛ روز کفاره‌ها، کرنا را در تمام سرزمینتان به صدا در خواهید آورد.

<sup>۱۰</sup> سال پنجاهم را تقدیس خواهید کرد، و آزادی را در سرزمین برای جمیع ساکنانش اعلام خواهید داشت. این برای شما یوبیل<sup>o</sup> خواهد بود: هر یک از شما به ملک خود باز خواهد گشت، هر یک به طایفه خود باز خواهد گشت.<sup>۱۱</sup> این سال پنجاهم برای شما یوبیل خواهد بود؛ بذریاشی نخواهید کرد، و محصول دانه افتاده‌اش را برداشت نخواهید نمود، و موهرس نشده را انگور چینی نخواهید کرد؛<sup>۱۲</sup> زیرا این یوبیل است؛ این برای شما چیزی مقدس خواهد بود؛ محصول مزارع را خواهید خورد.

<sup>۱۳</sup> در این سال یوبیل، هر یک از شما به ملک خود باز خواهد گشت.<sup>۱۴</sup> اگر فروشی به همسایه‌ات به عمل آوری یا اگر چیزی از

محصول آن را درو خواهی نمود؛<sup>۴</sup> اما سال هفتم، برای زمین سبّتی خواهد بود<sup>k</sup>، استراحت سبت، سبتی برای یهوه: مزرعه‌ای را بذریاشی نخواهی کرد و تاکستانت را هرس نخواهی کرد؛<sup>۵</sup> محصول دانه‌ای را که از برداشت محصول افتاده است، برداشت نخواهی کرد، و انگورهای [تاکستانت] را که هرس نکرده‌ای<sup>۱</sup>، انگور چینی نخواهی کرد؛ این برای زمین، سال استراحت سبت خواهد بود.<sup>۶</sup> سبت زمین شما را خوراک خواهد داد، تو را، خدمتگزارت را، کنیزت را، مزدورت را، میهمانت را، آنانی را که نزد تو مقیم هستند.<sup>۷</sup> همچنین برای حشم تو و برای حیواناتی که در سرزمین تو هستند، تمام محصول آن به کار خوراک خواهد آمد.

### ب) سال یوبیل<sup>m</sup>

<sup>۸</sup> برای خود هفت هفته سالها را بشمار، هفت بار هفت سال؛ طول مدت این هفت

k متن آیات ۴-۷ حالتی ترکیبی دارد. به همین دلیل، مشخص نیست که آیا در سال هفتم، تمام زمین باید در آیش بماند (که در این صورت، غلات و انگور فقط به عنوان نمونه ذکر شده‌اند)، یا اینکه فقط برداشت غلات و انگور ممنوع شده و سایر محصولات کشاورزی مجاز بوده‌اند. به علاوه، نمی‌توان به روشی درک کرد که آیا ممنوعیت درو و خوشه چینی مطلق است (چنان که از آیه ۵ بر می‌آید)، یا فقط شامل نحوه انجام آن می‌باشد، یعنی ممنوعیت درو سازمان یافته از سوی مالک، اما هر کس، از جمله خود مالک می‌تواند از آنچه که خود به خود می‌روید استفاده کند (آیه ۶).

l تحت اللفظی: «انگورهای [تاکستانت] را که نذیره‌ات می‌باشد ...» شخص نذیره (ر.ک. اعد ۵:۶) نباید موهای خود را بچیند؛ تاکستان هرس نشده به شخص نذیره تشبیه شده است.

m مطمئن نیستیم که چنین قانونی هرگز در اسرائیل به موقع اجرا گذاشته شده باشد. اما چنین مقوله‌ای حاکی از آرمانی دوگانه است: یکی آنکه جمیع بنی اسرائیل می‌بایست آن آزادی را که به هنگام خروج از مصر به دست آورده بودند بار دیگر باز یابند (ر.ک. آیه ۵۵)، و دیگری آنکه املاکی که به هنگام ورود به کنعان تقسیم شده بود، نمی‌توانست برای همیشه از دست صاحبانش خارج شود. ۱. یاد ۲۱ نشان می‌دهد که میل به حفظ میراث خانوادگی تا چه حد مهم بوده است. در اش ۶۱ به سال یوبیل اشاره شده، و عیسی در ناصره خود را حامل مژده آزادی باز یافته معرفی می‌کند (لو ۴:۲۱).

n سال یوبیل بعد از تکمیل ۴۹ سال شروع می‌شود، بر اساس سال‌هایی که از پاییز آغاز و به پاییز ختم می‌گردد. لذا منظور از ماه هفتم در اینجا، هفتمین ماه از انتهای سال چهل و نهم می‌باشد که سال پنجاهم، یعنی سال یوبیل را آغاز می‌کند.

o یوبیل به عبری «یوبیل» است، به معنی قوچ؛ شاخ قوچ نیز همچون ابزار موسیقی به کار می‌رفت. اما البته برای کرنایی که در آیه ۹ آمده، کلمه عبری دیگری به کار رفته است.

بیاورد. <sup>۲۲</sup> وقتی در سال هشتم بکارید، هنوز از درو قدیمی خواهید خورد؛ تا سال نهم، تا زمانی که محصولش بیاید، از قدیمی خواهید خورد.

<sup>۲۳</sup> زمین به شکل قطعی فروخته نخواهد شد، زیرا زمین از آن من است؛<sup>۲۴</sup> شما غریبان و میهمانان نزد من بیش نیستید. <sup>۲۴</sup> در تمام سرزمینی که ملک شما خواهد بود، حق بازخرید<sup>۲۵</sup> را روی زمین خواهید داد.

<sup>۲۵</sup> چنانچه برادرت در زحمت بیفتد و از ملک خود بفروشد، نزدیکترین خویش او که حق بازخرید دارد، آمده، آنچه را که برادرت فروخته، بازخرید خواهد کرد. <sup>۲۶</sup> اگر شخصی کسی را نداشته باشد که این حق را به جا آورد و امکانات داشته باشد و چیزی برای انجام بازخرید بیاید، <sup>۲۷</sup> سالها را از فروشش محاسبه کرده، مازاد را به شخصی که آن را به او فروخته باز خواهد گرداند، و سپس به ملک خود باز خواهد گشت. <sup>۲۸</sup> چنانچه چیزی نیابد که به او تأدیه نماید، مالی که فروخته تا سال یوبیل در دست خریدار خواهد ماند؛ اما به هنگام

دستش حاصل نمایی، باشد که هیچ یک از شما برادرت را آسیب نرساند.<sup>۱۵</sup> با توجه به سالهایی که از یوبیل گذشته، از همسایهات خواهی خرید؛ با توجه به سالهای درو، او به تو خواهد فروخت. <sup>۱۶</sup> هر چه سالها بیشتر باشد، بهای خرید را بالاتر خواهی برد؛ هر چه سالها کم باشد، آن را بیشتر کاهش خواهی داد، زیرا تعداد معینی از درو را به تو می فروشد. <sup>۱۷</sup> هیچ یک از شما به همسایهات آسیب نخواهد رساند، بلکه از خدایت خواهی ترسید؛ زیرا من بیهوه، خدای شما هستم!

<sup>۱۸</sup> فرایض مرا به جا خواهید آورد و قواعد مرا رعایت خواهید کرد؛ آنها را به جا خواهید آورد و با امنیت در سرزمین ساکن خواهید شد. <sup>۱۹</sup> زمین ثمر خود را خواهد داد و تا حد سیری خواهید خورد، و با امنیت [در سرزمین] ساکن خواهید شد. <sup>۲۰</sup> چنانچه بگویید: «سال هفتم چه خواهید خورد؟» اگر بذرپاشی نکنیم و محصولمان را درو ننماییم؟» <sup>۲۱</sup> [بدانید که] من در سال ششم برکت به شما ارزانی خواهم داشت، آن سان که این سال برای سه سال محصول

p تحت اللفظی: «اگر کالایی به هموطن خود می فروشید، یا اگر از دست برادرت خرید می کنید، هیچ یک از شما برادر خود را مورد بهره کشی قرار ندهد».

q چنین سؤالی بیانگر نگرانی بعضی از مردم در خصوص سالی است که محصولی تولید نمی شود. پاسخی که داده می شود موضوع را دشوارتر می سازد، چرا که گاه سال یوبیل می توانست سال هفتمی را نیز در پی داشته باشد (یعنی سال سبت) و به این ترتیب، دو سال متوالی بدون کشت محصول می گذشت. اگر نمی بایست نگران سال یوبیل بود، چقدر کمتر باید نگران سال سبت بود. «سال هشتم» (آیه ۲۲) به سالی اشاره می کند که به دنبال سال سبت می آید؛ حتی زمانی که می توان کاشت و درو کرد، باز بلافاصله به این محصول نیاز نخواهد بود. محصول قدیمی تا زمان درو محصول سال نهم تکافو خواهد کرد.

r سرزمین بنی اسرائیل از آن خداوند است و خود ایشان نیز خدمتگزاران او می باشند (ر.ک. آیه ۵۵). این دو حقیقت، ارکانی است که تمام دستورهای این فصل بر آنها استوار می باشد. آنچه که متعلق به خداوند است، نمی تواند انتقال یابد یا فروخته شود، دست کم به شکلی قطعی.

s موضوع «بازخرید» (بازخرید ملک، آیا ۲۳-۳۴؛ و خصوصاً بازخرید انسان، آیات ۴۷-۵۴)، از لحاظ الهیاتی، مراحل تکامل چشمگیری را پشت سر گذاشته است؛ ر.ک. توضیح خروج ۶:۶.



یوبیل، آن آزاد خواهد شد<sup>t</sup> و [فروشنده] به ملک خود باز خواهد گشت.

<sup>۲۹</sup> چنانچه کسی خانه‌ای مسکونی در شهری حصاردار بفروشد، حق بازخرید تا پایان سال فروشنش طول خواهد کشید؛ حق باز خرید آن یک سال طول خواهد کشید<sup>v</sup>.  
<sup>۳۰</sup> چنانچه آن پیش از تکمیل یک سال کامل بازخرید نشود، آنگاه خانه که در شهری است که حصار دارد، به طور دائم از آن خریدار و اعقابش خواهد بود، و در یوبیل آزاد نخواهد شد.<sup>۳۱</sup> اما خانه‌های روستاهایی که با دیوار محصور نشده‌اند، همچون ملک زمین تلقی خواهند شد؛ برای آنها حق بازخرید وجود خواهد داشت و در یوبیل آزاد خواهند شد.

<sup>۳۲</sup> و اما شهرهای لاویان و خانه‌هایی که در شهرهایی قرار دارد که ملک ایشان است، لاویان برای همیشه حق بازخرید خواهند داشت<sup>w</sup>.<sup>۳۳</sup> چنانچه یک لاوی خانه خود را باز خرید نکند، (خانه‌ای) که در شهری باشد که ملک او است، آن در یوبیل آزاد خواهد شد، زیرا خانه‌های شهرهای

لاویان، در میان بنی اسرائیل ملک ایشان است<sup>x</sup>.<sup>۳۴</sup> زمین‌های چراگاه که وابسته به شهرهای ایشان است، نمی‌تواند فروخته شود، زیرا این برای ایشان ملکی است دائمی.

<sup>۳۵</sup> چنانچه برادرت در زحمت بیفتد و نت<sup>۱۵:۷-۸</sup> دستش نزد تو بلرزد<sup>y</sup>، او را حمایت خواهی کرد، خواه غریب باشد، خواه میهمان<sup>z</sup> تا نزد تو زیست نماید.<sup>۳۶</sup> از او نه بهره بگیر و نه ربا؛ بدینسان، از خدایت خواهی ترسید، و برادرت نزد تو زیست خواهد کرد.<sup>۳۷</sup> پولت را با بهره به او نخواهی سپرد، و نه خوراکت را به ربا.<sup>۳۸</sup> من بیهوه، خدای شما هستم که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم تا سرزمین کنعان را به شما بدهم، به جهت اینکه خدای شما باشم.  
 ابر<sup>۱۱:۴۵</sup>؛  
 ابر<sup>۲۲:۳۳</sup>؛  
 ابر<sup>۲۶:۴۵</sup>؛  
 ابر<sup>۲۴:۱</sup>؛  
 ابر<sup>۲۴:۷</sup>.

<sup>۳۹</sup> چنانچه برادرت که نزد تو است، در زحمت بیفتد و خود را به تو بفروشد، او را به کار بردگان و نخواهی داشت<sup>a</sup>.<sup>۴۰</sup> او نزد تو همچون مزدور، همچون میهمان، خواهد بود. او نزد تو تا سال یوبیل خدمت خواهد کرد.<sup>۴۱</sup> آنگاه از نزد تو بیرون

ع<sup>۱-۳۵:۸</sup>؛  
 یوشع<sup>۲۲:۴۲-۱</sup>؛  
 حزق<sup>۴۸:۱۳-۱۴</sup>؛  
 اتوا<sup>۶۶:۳۹-۶۶</sup>

t تحت اللفظی: «بیرون خواهد رفت» و نیز در آیات ۳۰ و ۳۱.

v خانه مسکونی که در شهر واقع شده، مکان سکونت است و محروم شدن از آن لطمه‌ای به وسیله امرار معاش وارد نمی‌سازد، در حالی که زمین (آیات ۲۳-۲۸) و خانه‌ای که در آن واقع است (آیه ۳۱)، ابزار کار تلقی می‌شود.  
 w شهرهای لاویان تابع مقررات خاصی است: قبیله لاوی زمینی را در کنعان دریافت نداشت، بلکه فقط چند شهر به آنان اختصاص یافت. تنها دارایی لاوی خانه او است: به همین جهت، همان قانونی را در مورد ایشان به اجرا در می‌آورند که حاکم بر ملک و زمین است.

x این ترجمه فاقد قطعیت است، اما مبتنی است بر سنت کهن یهود که مورد گواهی «راشی» نیز می‌باشد.

y تحت اللفظی: اگر برادرت فقیر شده باشد و دستش با تو بلرزد، نیز ر.ک آیات ۳۹ و ۴۷.

z شایان ذکر است که در اینجا «غریب» و «میهمان» با برادر برابر شمرده شده است: قبلاً نیز همین برابری مورد اشاره قرار گرفته است (ر.ک. ۱۹:۳۳-۳۴).

a در «قانون عهد» (خروج ۲:۲۱) خدمتی معادل شش سال مجاز شمرده شده بود و در سال هفتم، خدمتکار می‌بایست آزاد شود. سنت «کهنانی» در دوره‌ای دیگر و در شرایط اجتماعی متفاوت، بردگی را رد می‌کند، اما خدمت در مقابل دریافت مزد را تا یوبیل بعدی، یعنی حداکثر ۴۹ سال مورد پذیرش قرار می‌دهد.

خواهد رفت او و پسرانش با او، و با طایفه خود باز خواهد گشت و به ملک پدرانش باز خواهد گشت.<sup>۴۲</sup> چرا که ایشان خدمتگزاران من می باشند، آنانی که از سرزمین مصر بیرون آوردم؛ ایشان نباید فروخته شوند، آن سان که برده را می فروشند.<sup>۴۳</sup> بر ایشان با سختی سلطه نخواهی راند، بلکه از خدایت خواهی ترسید.

<sup>۴۴</sup> خدمتگزاران مرد و خدمتگزاران زنی که خواهی داشت<sup>b</sup>، از ملت هایی که در پیرامون شما هستند، نزد تو خواهند آمد؛ خدمتگزار مرد و خدمتگزار زن را از این ملت ها خواهید خرید.<sup>۴۵</sup> همچنین می توانید آنان را از میان پیران میهمانانی که نزد شما اقامت دارند بخرید، و نیز از میان خانواده های ایشان که نزد شما هستند، آنانی که ایشان در سرزمین شما تولید کرده باشند، و ایشان مایملک شما خواهند شد.<sup>۴۶</sup> ایشان را پس از خود برای پسرانتان به میراث خواهید گذارد تا آنان را همچون مایملک صاحب شوند؛ ایشان را همچون بردگان، برای همیشه خواهید داشت. اما در خصوص برادرانتان، بنی اسرائیل، هیچ یک از میان شما به برادر خود با سختی سلطه نخواهد راند.

<sup>۴۷</sup> چنانچه غریب یا میهمانی که نزد تو است و امکاناتی دارد، حال آنکه، نزد او، برادرت در زحمت بیفتد و خود را به غریب یا میهمانی که نزد تو است بفروشد، یا به اعقاب خانواده غریبه<sup>c</sup>،<sup>۴۸</sup> برادرت، پس از آنکه خود را فروخته باشد، حق بازخرید خواهد داشت؛ یکی از برادرانش می تواند او<sup>د</sup> را بازخرید کند؛<sup>۴۹</sup> عمو یا پسر عموی وی<sup>d</sup> می تواند او را بازخرید کند، یکی از خویشان نزدیکش که متعلق به طایفه اش باشد، می تواند او را بازخرید کند؛ یا اگر امکاناتی داشته باشد، می تواند خود را بازخرید کند. اعد ۸:۲۷-۱۱-۵۰

<sup>۵۰</sup> با آن کس که او را خریده، زمان موجود میان سالی که خود را به او فروخته و سال یوبیل را حساب خواهد کرد، و بهای فروش وابسته به تعداد آنها بخشی از بهایی را که به آن خریده شده، برای بازخرید خود تأدیه خواهد کرد.<sup>۵۱</sup> اگر تا سال یوبیل سال های کمی باقی مانده باشد، حساب آن را خواهد کرد؛ برای باز خرید خود بر حسب این سال ها تأدیه خواهد کرد.<sup>۵۲</sup> او نزد دیگری همچون مزدور سالیانه خواهد بود، و بر او در مقابل چشمانت با سختی سلطه نخواهند راند.<sup>۵۳</sup>

<sup>۵۴</sup> چنانچه به هیچ یک از این روش ها بازخرید نشده باشد، در سال یوبیل [از نزد تو] بیرون خواهد رفت، او و پسرانش با او.

- b اصل بردگی مورد سؤال قرار نمی گیرد. تنها محدودیتی که وضع شده، مربوط می شود به اصل و نسب بردگان در اسرائیل؛ برده ها نمی بایست اسرائیلی باشند.
- c بیگانه ای که در سرزمین مقیم است، از حق برخورداری از برده اسرائیلی محروم نشده، اما این حق تابع دو محدودیت است: حق باز خرید در هر زمانی است (آیات ۴۸-۵۲)، یا در غیر این صورت، آزادی برده در سال یوبیل (آیه ۵۴).
- d توالی «برادر» (آیه ۴۸)، «عمو» و «پسر عمو» و «یکی از خویشان نزدیک» (آیه ۴۹) احتمالاً بیانگر این است که خویشان نزدیک با چه اولویی و نوبتی می توانستند وظیفه بازخرید را به جا آورند.
- e به نظر می رسد که منظور کسی است که توانایی بازخرید خود را یافته، اما تصمیم گرفته در مقام مزدور در خدمت ارباب قبلی خود باقی بماند. هموطنانش حق دارند بر نحوه رفتار ارباب با او نظارت داشته باشند.

ج) یادآوری عهد<sup>f</sup>

<sup>۵۵</sup> زیرا بنی اسرائیل خدمتگزاران من هستند<sup>g</sup>؛ ایشان خدمتگزاران من می باشند، آنان که از سرزمین مصر بیرون آوردم. من بیهوه، خدای شما هستم!

**۲۶** <sup>۱</sup> برای خود نیستی ها نخواهید ساخت، برای خود نه تندیس بر پا خواهید داشت و نه ستون سنگی، و در سرزمین خود سنگ تراشیده شده<sup>h</sup> قرار نخواهید داد تا نزد آن سجده کنید؛ زیرا من بیهوه، خدای شما هستم! <sup>۲</sup> سبت های مرا رعایت خواهید کرد و پرستشگاه مرا حرمت خواهید داشت: من بیهوه هستم!<sup>i</sup>

۴:۱۹

۳۰:۳، ۱۹:۲۷-۱۹:۲۷

## د) برکات

<sup>۳</sup> اگر فرایض مرا پیروی کنید، اگر احکام مرا رعایت نمایید، و اگر آنها را به عمل آورید، <sup>۴</sup> من باران هایتان را به هنگامشان به شما خواهم داد؛ زمین محصول خود را خواهد داد، درخت صحرا میوه خود را خواهد داد؛ <sup>۵</sup> خرمن کوبی برایتان تا <sup>۶</sup> انگورچینی طول خواهد کشید و انگور چینی تا بذریاشی طول خواهد کشید. نان خود را تا حد سیری خواهید خورد، و در سرزمین خود در امنیت ساکن خواهید شد.

تث ۱۱:۱۳-۱۵:۱۱  
:۱۴-۱:۲۸  
مز ۳۷:۲۹  
امث ۲:۲۱-۲:۲۲

حزق ۳۴:۲۶-۲۷

عا ۱۳:۹

<sup>۶</sup> آرامش را در سرزمین خواهم گذارد و خواهید آرمید بی آنکه کسی نگرانتان سازد. حیوانات درنده را از سرزمین محو خواهم کرد، و شمشیر در سرزمین شما عبور نخواهد نمود. <sup>۷</sup> دشمنانتان را تعاقب خواهید کرد، و ایشان در برابر شما زیر شمشیر خواهند افتاد. <sup>۸</sup> پنج تن از میان شما صد تن از ایشان را تعاقب خواهد کرد، صد تن از میان شما ده هزار تن از ایشان را تعاقب خواهد کرد، و دشمنانتان در برابر شما زیر شمشیر خواهند افتاد. <sup>۹</sup> به سوی شما بر خواهم گشت، شما را بارآور خواهم ساخت و فروزی خواهم بخشید، و عهد خود را با شما نگاه خواهم داشت. <sup>۱۰</sup> [محصول]

قدیمی را که کهنه شده خواهید خورد، و کهنه را در مقابل تازه بیرون خواهید آورد. <sup>۱۱</sup> مسکن خود را در میان شما قرار خواهم داد و جان من از شما بیزار نخواهد شد. <sup>۱۲</sup> در میان شما راه خواهم رفت؛ خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود. <sup>۱۳</sup> من بیهوه، خدای شما هستم، که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم تا دیگر بردگان آن نباشید؛ چوب های یوغ شما را شکستم و چنان کردم که با سری افراشته راه بروید.

لو ۱۲:۱۶-۲۱

حزق ۳۶:۲۸  
:۲۷:۳۷  
قرن ۲:۱۶:۶  
مکا ۳:۲۱

f متنی که به موضوع سال های مقدس می پرداخت، نصیحتی را در پی دارد که بر اساس عناصر الهیات عهد شکل گرفته است، یعنی خروج از مصر و احکام (۵۵:۲۵ تا ۲:۲۶)، برکات مشروط (۱۳-۳:۲۶)، لعنت های مشروط که تبعید را مفروض می دارد (۳۹-۱۴:۲۶)، و امکان همیشگی بازگشت به خاطر وفاداری خدا (۴۵-۴۰:۲۶). ر.ک. نصایحی مشابه در تث ۱۶:۲۶ تا ۲۰:۳۰.

g ر.ک. ۱۳:۲۶ و توضیح خروج ۱۲:۳.

۱ «نیستی» اشاره دارد به بت: «ستون سنگی» به طور تحت اللفظی «سنگ برپاشده» می باشد (ر.ک. پید ۲۸:۱۸).

h تحت اللفظی: «سنگ های تصویردار» می توان «سنگ های نقاشی شده» نیز ترجمه کرد.

i از آنجا که این نصیحت مربوط به حکم الهی در خصوص سال های سبت می باشد، تمامی احکام ده فرمان بر شمرده نمی شود، بلکه فقط به اشاره به حکم مربوط به سنت اکتفا می شود که حالتی بنیادی دارد.

### ه) لعنت‌ها

تث ۲۸: ۱۵-۱۶: ۶۸-  
ع ۴: ۶-۱۲:  
تث ۹-۱۱

۱۴ اما اگر به من گوش فرا ندهید و اگر تمام این احکام را به عمل نیاورید، ۱۵ اگر فرایض مرا خوار بشمارید و اگر جانتان از قواعد من بیزار شود، آن سان که دیگر تمام احکام مرا به عمل نیاورید و عهد مرا بگسلید، ۱۶ این است آنچه که من به نوبه خود با شما خواهم کرد! وحشت را بر شما خواهم گمارد، و ضعف و تب را، که چشمان را می فرساید و جان را تحلیل می برد. بذر خود را برای هیچ خواهید پاشید: آن را دشمنانتان خواهند خورد. ۱۷ روی خود را بر علیه شما متوجه خواهم ساخت و در برابر دشمنانتان شکست خواهید خورد؛ آنان که شما را نفرت می دارند، بر شما سلطه خواهند راند، و بی آنکه کسی تعاقبتان کند، خواهید گریخت.

۱۸ چنانچه پس از اینها به من گوش فرا ندهید، به اصلاح کردن شما هفت برابر گناهانتان ادامه خواهم داد. ۱۹ تکبر قدرتتان را خواهم شکست، آسمانتان را به آهن تبدیل خواهم کرد و زمینتان را به مفرغ. ۲۰ نتوانتان برای هیچ تحلیل خواهد رفت، زمینتان محصول خود را دیگر نخواهد داد، و درخت زمین میوه خود را

دیگر نخواهد داد. ۲۱ چنانچه بر علیه من سلوک نمایید و نخواهید به من گوش فرا دهید، به زدن شما هفت برابر گناهانتان ادامه خواهم داد. ۲۲ حیوان صحرا را به میان شما خواهم فرستاد که شما را از فرزندانان محروم خواهد ساخت و حشم شما را از میان خواهد برد و شما را به شماری اندک کاهش خواهد داد، آن سان که جاده هایتان بیابان خواهند شد.

۲۳ چنانچه با وجود اینها، خود را در قبال من اصلاح نکنید و بر علیه من سلوک نمایید، ۲۴ من به نوبه خود علیه شما سلوک خواهم کرد و من نیز شما را خواهم زد، هفت برابر گناهانتان. ۲۵ شمشیر<sup>k</sup> انتقام کش را بر علیه شما خواهم آورد که انتقام عهد را خواهد کشید؛ به شهرهای خود پناه خواهید برد، اما من طاعون را به میان شما خواهم فرستاد، و به دست دشمن خواهید افتاد، ۲۶ در همان حال که ذخیره نانتان را خواهم شکست! آنگاه ده زن نانتان را تنها در یک تنور خواهند پخت و نانتان را به وزن خواهند آورد؛ خواهید خورد و سیر نخواهید شد.

۲۷ چنانچه با وجود اینها، به من گوش فرا ندهید و بر علیه من سلوک نمایید، ۲۸ به نوبه خود بر علیه شما با غضب سلوک

۱ چهار بار ذکر شده که مجازات‌های تهدید کننده «هفت برابر» خواهند بود؛ هفت عددی است نمادین. این امر حاکی از شدت یافتن تدریجی و فجیع اوضاع می باشد؛ غارت محصول به دست دشمن (آیات ۱۶-۱۷)، بی حاصلی زمین (آیات ۱۸-۲۰)، هجوم حیوانات درنده (آیات ۲۰-۲۱)، جنگ، طاعون و گرسنگی (آیات ۲۳-۲۶)، ویرانی کامل و تبعید (آیات ۲۷-۳۹).  
k شمشیر و طاعون، سه عنصری است که مصائب شهری محاصره شده را خلاصه وار بیان می کند و اغلب نیز در موعظه های نبوتی همزمان با ویرانی اورشلیم تکرار می شود: ار ۷: ۲۱؛ ۳۸: ۲؛ ۱۷: ۴۲؛ ۱۳: ۴۴؛ حزق ۵: ۱۲-۱۷: ۶ و غیره.

l تحت اللفظی: «آن گاه که برای شما چماق نان را بشکنم» ر.ک. حزق ۴: ۱۶؛ ۵: ۱۶؛ ۱۳: ۱۴؛ مز ۱۰۵: ۱۶. این اصطلاح با اشاره دارد به چوبی که روی آن ذخیره نان را ردیف می کردند (نان های گرد)، یا به گونه ای استعاره ای به نان به عنوان عامل بقا.

باشد، تعطیل خواهد بود از تمام آنچه که در سبت‌های شما تعطیل نبوده است، آن زمان که در آن ساکن بودید<sup>۳۵</sup>.

<sup>۳۶</sup> اما آنان که از میان شما باقی بمانند، در دل ایشان در سرزمین‌های دشمنان نشان اضطراب خواهد نهاد: صدای برگی که به پرواز در می‌آید<sup>P</sup>، ایشان را تعاقب خواهد کرد؛ خواهند گریخت آن سان که از شمشیر می‌گریزند، و خواهند افتاد بی‌آنکه کسی تعاقبشان کند. <sup>۳۷</sup> یکی بر دیگری خواهد لغزید گویی در مقابل شمشیر، بی‌آنکه کسی تعاقبشان کند. در برابر دشمنان تاب نخواهید آورد، <sup>۳۸</sup> در میان ملت‌ها هلاک خواهید شد، و سرزمین دشمنان شما را از میان خواهد برد. <sup>۳۹</sup> آنان از میان شما که باقی بمانند، در سرزمین‌های دشمنان نشان به سبب خطایشان خواهند پوسید؛ و نیز به سبب خطاهای پدرانشان، همچون ایشان خواهند پوسید<sup>Q</sup>.

### و) چشم‌اندازهای بازگشت<sup>R</sup>

<sup>۴۰</sup> ایشان خطای خود را و خطای پدرانشان را اعتراف خواهند

خواهم کرد و شما را اصلاح خواهم نمود، هفت برابر گناهانتان. <sup>۳۹</sup> گوشت پسرانتان را خواهید خورد و گوشت دخترانتان را خواهید خورد. <sup>۴۰</sup> مکان‌های بلندتان<sup>m</sup> را نابود خواهم ساخت، قربانگاه‌های بخورتان<sup>n</sup> را از میان خواهم برد، جنازه‌هایتان را روی جنازه‌ای کثافتتان قرار خواهم داد، و جانم از شما بیزار خواهد شد. <sup>۴۱</sup> شهرهایتان را به خرابه تبدیل خواهم کرد، پرستشگاه‌هایتان را ویران خواهم ساخت، و عطرهاى آرام‌بخشان را دیگر تنفس نخواهم کرد. <sup>۴۲</sup> سرزمین را من ویران خواهم ساخت، و دشمنانتان از آن متحیر خواهند ماند، آنان که در آن ساکن خواهند شد. <sup>۴۳</sup> اما خودتان را در میان ملت‌ها پراکنده خواهم ساخت و شمشیر را در پس شما خواهم کشید؛ سرزمینتان ویرانه خواهد شد و شهرهایتان خرابه.

<sup>۴۴</sup> نگاه زمین سبت‌هایشان را ادا خواهد کرد، تمام آن مدت که ویران باشد و شما در سرزمین دشمنانتان باشید؛ آنگاه زمین تعطیل خواهد شد و سبت‌های خود را ادا خواهد کرد. <sup>۴۵</sup> تمام آن مدت که ویران

m ر. ک. ۱- پاد ۳: ۲، توضیح a.

n بنا به نظر راشی و برخی از مفسران امروزی، احتمالاً منظور بیشتر بت‌هایی است که با آیین‌های خورشید پرستی مرتبط بوده‌اند. o این آیات به روشنی بیانگر این است که فصل ۲۶ اندرزی است برای رعایت مقررات مذکور در فصل ۲۵. چنانچه قوم نخواهند سال‌های سبت را رعایت کنند، خداوند کاری خواهد کرد که زمین بتواند سال‌های استراحتی را که از آنها محروم شده بود، باز یابد. چنین تفسیری از تبعید همچون زمان «ویرانی» (یعنی زمینی که تبدیل به بیابان شده) و نیز سبت اجباری، در ۲-توا ۳۶: ۲۲-۲۰ از سر گرفته خواهد شد و زمینه را برای خیال‌پردازی‌های توالی‌های تاریخی در دان ۹، در خصوص «هفتاد هفت سال‌ها»، مساعد می‌سازد، امری که مرتبط می‌شود به «ویرانی» عظیم (۱۶۷-۱۶۴ ق. م) در زمان آنتیوخوس چهارم. p تحت اللفظی: «برگ برده شده (به وسیله باد)».

q این آیه، مانند مجموع کتاب‌های یوشع و داوران و سموئیل و پادشاهان، بیانگر این اندیشه است که نه فقط مردمان همدوره با ویرانی اورشلیم، بلکه تمام نسل‌های گذشته مسئول این مصیبت هستند. ر. ک. توضیح خروج ۲۰: ۶. r قوم اسرائیل بر این باور بودند که عهد عملی است مطلقاً رایگان از سوی خدا؛ لذا بر این باور نیز بودند که خطاهای انسان هیچگاه به رابطه ایشان با خدا پایان نخواهد داد. خدا همواره می‌تواند ابتکار عمل را برای برقراری رابطه‌ای جدید، از طریق

بیرون آوردم، تا خدای ایشان باشم. من  
 یهوه هستم!  
 ۴۶ این چنین است دستورها و قواعد و  
 قوانینی که یهوه میان خود و بنی اسرائیل،  
 بر کوه سینا، به واسطه خدمت موسی مقرر  
 فرمود.

:۴۵:۱۱  
 :۲۳:۲۲  
 :۳۸:۲۵  
 :۴:۱۱  
 :۷:۲۴

### ضمیمه: نرخ گذاری نذرها<sup>۵</sup>

۲۷ یهوه به این مضمون با موسی  
 سخن گفت: <sup>۲</sup> با بنی اسرائیل سخن  
 بگو؛ به ایشان خواهی گفت: چنانچه کسی  
 می خواهد نذری را پرداخت کند، این امر  
 بر حسب برآورد تو از اشخاص باشد برای  
 یهوه. <sup>۳</sup> برآورد تو خواهد بود: برای مردی از  
 بیست تا شصت سال، برآورد تو پنجاه  
 مثقال نقره خواهد بود، مطابق مثقال  
 پرستشگاه. <sup>۴</sup> اگر زن باشد، برآورد تو سی  
 مثقال خواهد بود. <sup>۵</sup> اگر کسی باشد از پنج  
 تا بیست سال، برآورد تو بیست مثقال برای  
 مرد خواهد بود و ده مثقال برای زن. <sup>۶</sup> اگر  
 کسی از یک ماه تا پنج سال باشد، برآورد  
 تو پنج مثقال نقره برای مرد خواهد بود؛  
 برای زن، برآوردت سه مثقال نقره خواهد  
 بود. <sup>۷</sup> اگر کسی باشد از شصت سال به  
 بالا، اگر مرد باشد، برآوردت پانزده مثقال  
 خواهد بود؛ برای زن ده مثقال خواهد بود.

کرد: بی وفایی ای را که در حق من مرتکب  
 شده اند، و نیز اینکه علیه من سلوک  
 نموده اند، <sup>۴۱</sup> که به سبب آن، من به نوبه  
 خود بر علیه آنان سلوک نمودم و ایشان را  
 به سرزمین دشمنان نشان آوردم. آنگاه دل  
 نامختون ایشان فروتن خواهد شد و آنگاه  
 اش: ۲:۴۰ خطای خود را خواهند پرداخت. <sup>۴۲</sup> عهد خود  
 را با یعقوب به یاد خواهیم آورد، همچنین  
 عهد خود را با اسحاق به یاد خواهیم آورد و  
 همچنین عهد خود را با ابراهیم، و سرزمین  
 را به یاد خواهیم آورد.  
<sup>۴۳</sup> پس سرزمین از سوی ایشان رها  
 خواهد شد، و سبت هایش را ادا خواهد  
 کرد، آن گاه که ویران شده باشد، دور از  
 ایشان، و (آن گاه که) خطاهای خود را  
 پرداخته باشند، به این جهت که قواعد مرا  
 خوار شمردند و جانشان از فرایض من بیزار  
 شد.  
<sup>۴۴</sup> با این حال، حتی آن هنگام وقتی که  
 در سرزمین دشمنان نشان باشند، ایشان را  
 نخواهم راند و از ایشان بیزار نخواهم شد تا  
 آن حد که ایشان را قلع و قمع کنم و عهد  
 خود را با ایشان بگسلم؛ زیرا من یهوه،  
 خدای ایشان هستم. <sup>۴۵</sup> برای ایشان عهد را  
 با نیاکان به یاد خواهیم آورد، (نیاکانی) که  
 در مقابل چشمان ملت ها از سرزمین مصر

:۴:۴  
 :۲۵:۹  
 :۵۱:۷

اش: ۲:۴۰

پید: ۲۲-۱۳:۲۸

پید: ۴-۳:۲۶

پید: ۱:۱۷-۱:۴  
 لو: ۷۳-۷۲:۱۰

مر: ۲۳-۲۲:۳۱  
 :۳۲-۳۱  
 :۲۲-۲۱:۵

برانگیختن انسان ها به بازگشت، به دست گیرد (تث ۲۹:۴-۳۱:۱-۳۰:۱۰) آیات ۴۰-۴۱ یادآور «اعترافات بزرگ به گناهان» است که در دعاهای اسرائیل بعد از تبعید فراوان به چشم می خورد و نمونه های آن را در مز ۱۰۶: دانیاال یونانی ۲۶:۴۵-۴۵:۳ دان ۴:۹-۱۹:۹ عز ۹:۹ نوح ۹:۹ بار ۱۵:۱ تا ۸:۳ مشاهده می کنیم.

S لاو ۲۷ به چند مسئله مربوط به پول می پردازد. نرخ گذاری هایی مشابه در کارتاژ و مارسی به دست آمده است؛ آنها روی سنگ حکاکی شده اند و متعلق به معابد فینقی این شهرها هستند و مربوط به حدود سال ۲۰۰ ق.م. می گردند. نرخ گذاری مارسی که بهتر حفظ شده، آنچه را که از هر قربانی به کاهنان و به عبادت کننده می رسد، برحسب حیوان قربانی و نوع قربانی، تعیین می کند. لاو ۲۷ به مسئله ای دیگر می پردازد، یعنی به تعیین معادل های پولی اشخاص یا دارایی هایی که شخص مؤمن می تواند به خداوند تخصیص کند؛ به این ترتیب، شخص مؤمن می تواند با پرداخت مبلغی مناسب، احتمالاً از تعهدات خود آزاد شود.

به بهای برآوردت یک پنجم خواهد افزود و آن متعلق به او خواهد شد.

<sup>۱۶</sup> چنانچه شخصی مزرعه ای از ملک خود را به یهوه تخصیص کند، برآورد تو بر حسب مقدار بذر صورت خواهد گرفت، از قرار پنجاه متقال نقره برای هر هومر<sup>u</sup> بذر جو.<sup>۱۷</sup> اگر مزرعه خود را در همان سال یوبیل تخصیص کند، به برآورد تو اکتفا خواهد شد.<sup>۱۸</sup> اگر مزرعه خود را بعد از یوبیل تخصیص کند، کاهن بهای آن را بر حسب تعداد سال هایی که تا سال یوبیل باقی مانده محاسبه خواهد کرد، و تخفیفی بر روی برآورد تو قائل خواهد شد.<sup>۱۹</sup> چنانچه کسی که مزرعه خود را تخصیص کرده، بخوهد آن را باز خرید کند، یک پنجم به بهای برآورد تو خواهد افزود، و مزرعه بار دیگر از آن او خواهد شد.<sup>۲۰</sup> اما اگر مزرعه را باز خرید نکند، و اگر مزرعه را به شخص دیگری بفروشد، مزرعه دیگر قابل باز خرید نخواهد بود،<sup>۲۱</sup> و زمانی که در سال یوبیل آزاد شود، مزرعه چیزی تخصیص یافته به یهوه خواهد بود، همچون مزرعه ای وقف شده با لعنت<sup>v</sup>؛ مالکیت آن به کاهن تعلق خواهد یافت.

<sup>۲۲</sup> چنانچه مزرعه ای باشد که از سوی او خریداری شده و مزرعه ای تحت مالکیت او نباشد که به یهوه تخصیص می کند،<sup>۲۳</sup> کاهن مبلغ برآورد تو را تا سال یوبیل محاسبه خواهد کرد، و شخص در همان روز، بهای برآوردت را پرداخت خواهد

<sup>۸</sup> اگر [کسی که نذر کرده] برای تأمین برآوردت بسیار در زحمت باشد، او را نزد کاهن خواهند آورد، و کاهن برآورد آن را انجام خواهد داد، کاهن مطابق امکانات کسی که نذر کرده برآورد آن را انجام خواهد داد.<sup>۹</sup>

<sup>۹</sup> اگر از حیواناتی باشد که از آنها هدیه ای به یهوه تقدیم می کنند، هر آنچه که از آن به یهوه می دهند، چیزی مقدس خواهد بود.<sup>۱۰</sup> آن را عوض نخواهند کرد؛ آن را جایگزین نخواهند کرد، اگر خوب است با یک (حیوان) بد، یا اگر بد است، با یک (حیوان) خوب. اگر حیوانی را با دیگری عوض کنند، حیوان و جایگزینش چیزهایی مقدس خواهند بود.<sup>۱۱</sup> اگر نوعی حیوانی ناپاک باشد که از آنها به یهوه هدیه نمی دهند، حیوان را به حضور کاهن خواهند آورد،<sup>۱۲</sup> و کاهن برآورد آن را، چه خوب و چه بد، انجام خواهد داد؛ مطابق برآوردی که کاهن خواهد کرد، همان گونه خواهد بود.<sup>۱۳</sup> چنانچه بخوهند آن را باز خرید کنند، یک پنجم به برآورد تو خواهند افزود.

<sup>۱۴</sup> هنگامی که شخصی خانه اش را همچون چیز مقدس به یهوه تخصیص می کند، کاهن برآورد آن را انجام خواهد داد، چه خوب و چه بد؛ مطابق آنچه کاهن آن را برآورده کرده باشد، همان گونه خواهد ماند.<sup>۱۵</sup> چنانچه کسی که خانه را تخصیص کرده بخوهد آن را باز خرید کند،

t «نرخ گذاری ماری» نیز دارای بندی است مربوط به فقیران. ر.ک. لاو ۷:۵؛ ۸:۱۲؛ ۲۱:۱۴.

u واحد حجم معادل حدوداً ۴۵۰ لیتر.

v ر.ک. توضیح ت ۲:۳۴.

کرد، همچون چیزی تخصیص یافته به یهوه.  
<sup>۲۴</sup> در سال یوبیل، مزرعه به کسی که آن را  
 از او خریده بودند و مالکیت زمین متعلق به  
 او بود، باز خواهد گشت.

<sup>۲۵</sup> هر برآورد تو مطابق منقال پرستشگاه  
 صورت خواهد گرفت: منقال (معادل)  
 بیست جیره خواهد بود. اعد۳:۴۷؛  
 حزق۴:۴۵

<sup>۲۶</sup> اما کسی نمی تواند نخست زاده احشام  
 را تخصیص کند، زیرا آن همچون  
 نخست زاده، از آن یهوه می باشد؛ خواه  
 حشم بزرگ باشد خواه حشم کوچک، آن  
 متعلق به یهوه می باشد. <sup>۲۷</sup> اما چنانچه  
 حیوانی ناپاک باشد، می توان آن را بعد از  
 برآورد تو، با افزودن یک پنجم به آن، آزاد  
 کرد؛ اگر باز خرید نشود، بر حسب برآورد  
 تو فروخته خواهد شد.

<sup>۲۸</sup> اما هیچ چیز از آنچه شخص با لعنت به  
 یهوه وقف می کند، از تمام آنچه که متعلق  
 به او است - انسان، حیوان، مزرعه تحت  
 مالکیت او - قابل فروش یا باز خرید نیست؛  
 هر چه که به لعنت زده شده، چیزی بسیار

مقدس است: آن متعلق به یهوه می باشد.  
<sup>۲۹</sup> هیچ موجود انسانی که با لعنت وقف  
 شده باشد، نمی تواند آزاد شود؛ او به مرگ  
 سپرده خواهد شد.

<sup>۳۰</sup> تمام ده یک زمین که از بذر زمین یا  
 از میوه های درختان پیش برداشت می شود،  
 از آن یهوه می باشد؛ آن به یهوه تخصیص  
 می یابد. <sup>۳۱</sup> چنانچه شخصی بخواهد بخشی  
 از ده یک خود را باز خرید کند، به آن یک  
 پنجم خواهد افزود. <sup>۳۲</sup> در خصوص هر ده  
 یکی از احشام بزرگ و کوچک، ده یک  
 آنچه از زیر عصای چوبانی <sup>W</sup> بگذرد، به  
 یهوه تخصیص خواهد یافت. <sup>۳۳</sup> میان خوب  
 و بد تمایز قائل نخواهد شد و آن را  
 جایگزین نخواهند ساخت؛ اگر آن را  
 جایگزین سازند، حیوان و جایگزینش  
 چیزی مقدس خواهند بود: آنها قابل  
 باز خرید نخواهند بود.»

<sup>۳۴</sup> این چنین است احکامی که یهوه برای  
 بنی اسرائیل، بر روی کوه سینا، به موسی  
 امر فرمود.

اعد۱۸:۲۱؛  
 تث۱۴:۲۲-۲۹

ار۳:۳۳

W این اشاره است به روش مورد استفاده برای انتخاب حیوانات برای ده یک بدون ارتکاب تقلب. «راشی» این امر را این چنین توصیف می کند: «وقتی ده یک را پیش برداشت می کنند، حیوانات را یکی پس از دیگری از دری عبور می دهند و هر حیوان دهم را با عصای چوبانی که با رنگ سرخ آغشته شده می زند تا تشخیص دهند که کدام ها برای ده یک تعیین شده اند.»